



دو فصل نامه علمی - تخصصی (به شماره ثبت ۸۵۱۵۱ در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)

سال پنجم، شماره ۱۰، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

صاحب امتیاز: جامعه المصطفی العالمیه

محل انتشار: مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث

مدیر مسئول: سید عیسی مسترحمی

سر دبیر: علی آقا صفری

ISSN ۲۷۸۳-۱۱۸۳

### گروه دبیران

محمد امیری (دانش آموخته دکتری قرآن و مدیریت)	محمدعلی رضایی اصفهانی (استاد جامعه المصطفی العالمیه)
محمد نظیر عرفانی (دانش آموخته دکتری قرآن و علوم اجتماعی)	سید عیسی مسترحمی (استادیار جامعه المصطفی العالمیه)
عامل حسن مظاهری (دانش پژوه دکتری قرآن و تربیت)	علی آقا صفری (استادیار جامعه المصطفی العالمیه)
ایلپا یعقوبی (دانش آموخته دکتری علوم حدیث تطبیقی)	عبد المؤمن حکیمی (استادیار جامعه المصطفی العالمیه)
صفر مراد حسین اف (دکتری قرآن و مدیریت)	محمد هاشم شایان (استادیار جامعه المصطفی العالمیه)
محمد مراد خان بابا (دکتری قرآن و علوم سیاسی)	
عبد الحکیم عادل (دکتری قرآن و حقوق)	

دبیر اجرایی: عبد المؤمن حکیمی  
 مدیر داخلی: عقیل عباس ذیشان  
 ویراستار فارسی: فاطمه صادقی  
 صفحه آرا: سید ابوالفضل موسوی  
 برگردان انگلیسی: برکت الله سینوی

شمارگان: ۳۰ نسخه

قیمت: ۳۰۰,۰۰۰ ریال

\*\*\*

نشانی: قم، میدان جهاد، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث، گروه قرآن و علوم

تلفن: ۰۲۵-۳۷۱۱۰۶۹۲-۳۷۱۸۵ <http://qh.journals.miu.ac.ir> شماره: ۰۲۵-۳۷۱۳۴-۰۹۴ ص.پ:

۳۷۱۸۵-۳۷۹۷



- مسئولیت مقاله بر عهده نویسنده یا نویسندگان است.

- داورى مقالات این شماره، توسط اعضای هیأت داوران مجله انجام شده است.

این مجله با همکاری کنگره بین المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث سامان یافت.

## شیوه نامه مقالات

### شرایط عمومی

به منظور حفظ اعتبار علمی و تخصصی مقالات، توجه به نکات زیر ضروری است:  
مقالات با محورها یا موضوعات مجله تناسب کامل داشته باشد.  
مقاله می‌تواند به زبان فارسی یا عربی باشد.

مقالات ارسالی نباید قبلاً در مجله چاپ یا در همایشی ارایه شده باشد و نیز به صورت هم‌زمان برای سایر مجلات یا همایش‌ها ارسال نشده باشد.  
حق رد یا قبول و نیز ویرایش مقالات برای مجله محفوظ است.

### ساختار مقاله

مقاله باید مشتمل بر چکیده فارسی و انگلیسی، واژه‌های کلیدی، مقدمه، بدنه اصلی (مباحث نظری، داده و روش تحقیق، یافته‌های تحقیق، تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری) و فهرست منابع باشد.  
**حجم مقاله**، شامل متن، چکیده فارسی، چکیده لاتین، منابع و شکل‌ها، جدول‌ها، با رعایت استانداردهای حروف‌چینی مجله، باید بین ۲۰ تا ۲۵ صفحه (۳۰۰ کلمه ای) باشد.  
**چکیده فارسی و انگلیسی** (حداقل ۲۵۰ کلمه و حداکثر ۳۰۰ کلمه)؛ واژه‌های کلیدی فارسی و انگلیسی (حداکثر ۷ واژه).

**تبصره:** اگر صاحب اثر شخصیت حقوقی (سازمان، نهاد و...) باشد، به‌جای نام خانوادگی و نام-نویسنده، عنوان شخصیت حقوقی ذکر شود.

صفحه اول مقاله باید شامل نام و نام خانوادگی نویسنده/ نویسندگان مقاله؛ نام سازمان مربوطه، مرتبه علمی نویسنده/ نویسندگان، آدرس، شماره تماس ثابت و همراه و پست الکترونیکی (ایمیل) باشد.

صفحه دوم باید بدون نام و مشخصات نویسنده یا نویسندگان و فقط شامل عنوان مقاله، چکیده فارسی و واژه‌های اصلی باشد.

درتایپ مقالات، رعایت نیم‌فاصله ضروری است. لازم است در نگارش مقاله از قلم‌های ذیل استفاده شود:

عنوان مقاله: ۱۳ بی تیترا بولد/ اسامی نویسندگان: ۱۳ B Zar بولد/ مرتبه علمی نویسندگان: ۱۰ B Zar (در پاورقی به همراه ایمیل)/ کلمه چکیده: ۱۳ بی ترافیک بولد/ متن چکیده: ۱۳ B Zar / متن مقاله: ۱۳ B Zar / متن عربی مقاله: ۱۱ KFGQPC Uthman Taha Naskh / پاورقی: ۱۱ B Zar / تیترا اول: ۱۳ ترافیک بولد/ تیترا دو: ۱۲ ترافیک بولد/ تیترا سوم: ۱۰ ترافیک بولد. بین علائم نگارشی و کلمه قبل فاصله‌ای نباشد. نقل قول‌های مستقیم باید داخل گیومه قرار گیرد.

ارجاعات: کلیه ارجاعات درون متنی و به صورت ذیل باشد:

کتاب: نام خانوادگی نویسنده، سال چاپ، شماره جلد، شماره صفحه یا صفحات.

مقاله: نام خانوادگی نویسنده یا نویسندگان، سال چاپ، شماره مجله، شماره صفحه یا صفحات.

نشانی آیات: نشانی آیات قرآن پس از ذکر آیه در داخل متن به صورت نام سوره و شماره آیه ذکر شود.

فهرست منابع: شیوه نگارش مشخصات منابع در انتهای مقاله بر اساس حروف الفبا باید به صورت نمونه‌های زیر باشد:

کتاب: نام خانوادگی نویسنده یا نویسندگان، نام نویسنده یا نویسندگان، عنوان کتاب، مترجم، محل انتشار، ناشر، سال انتشار.

مجله: نام خانوادگی نویسنده/ نویسندگان، نام نویسنده یا نویسندگان، عنوان مقاله، نام مجله، شماره مجله، شماره صفحات ابتدا و انتهای مقاله، سال انتشار، پس از سال شمسی حرف «ش» بدون فاصله با سال و پس از قمری «ق» چسبیده به سال و پس از میلادی «م» بدون فاصله با سال، تایپ شود.

منابع و مصادر، بعد از قرآن کریم، با شماره‌گذاری باشد و عنوان کتاب یا مجله بولد شود.

### علائم اختصاری:

اگر منبع فاقد تاریخ باشد: (بی‌تا)، اگر منبع فاقد محل نشر باشد: (بی‌مک)

به لحاظ حقوقی، مسئولیت صحت و سقم مطالب مقاله بر عهده نویسنده/ نویسندگان است.

## فهرست مقالات

- سخن سردبیر ..... ۵
- تربیت جامعه انقلابی و نقش آن در تمدن سازی نوین اسلامی ..... ۷  
علی نقی فقیهی
- مستندات قرآنی دیدگاه مقام معظم رهبری در عرصه سیاست خارجی ..... ۳۸  
میرعزیز امینی و علی آقا صفری
- بررسی ابعاد فرهنگی بیانیه گام دوم انقلاب با قاعده نفی سبیل ..... ۶۸  
عقیل یوسفی زارمی و مریم طوسی
- تحلیل مبانی قرآنی تداوم انقلاب اسلامی با رویکرد بیانیه گام دوم ..... ۹۲  
علی کریم پور قراملکی
- منطق کشف مدلول‌های مدیریتی سوره‌ها و آیات قرآن ..... ۱۱۳  
عبد المؤمن حکیمی
- آسیب‌شناسی جامعه نبوی از منظر سوره حجرات ..... ۱۵۱  
اصغر کوراوند

## سخن سردیبر

رسیدن به عزت، آزادی و استقلال وابسته به نهادینه‌سازی ارزش‌های اصیل اسلامی است؛ چرا که از این طریق به صورت بنیادین می‌توان نظام‌های ستم‌پیشه و وابسته را متزلزل و سرنگون کرد.

گزاره‌های وحیانی قرآن کریم تأکید دارند که ملتی می‌تواند از استقلال فکری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و مدیریتی برخوردار باشد که با الگوگیری از انبیا و اوصیا با تمام توان و ظرفیت‌های که دارد، در برابر مستکبران عالم بایستد و سر تعظیم و بردگی خم نکند و خود را از غل و زنجیر آنان رها ساخته بر قابلیت‌ها و توانمندی‌های خویش تکیه نموده، استعداد‌های خویش را شکوفا سازد.

بدیهی است که حرکت در مسیر انبیا عظام و پیاده‌سازی و تحقق برنامه‌های آنان نیازمند هادی و راهنما است و خالق نظام هستی چنین پیشوا و مقتدایی را برای رشد و تعالی و تکامل جامعه اسلامی منصوب کرده است. بنابراین با تمسک و الگوگیری از او در این عصر و مصر نیز می‌توان پیرو پیامبران و پیشوایان آسمانی بود و با چشیدن طعم شیرین خودباوری به اقتدار و شکوفایی بر پایه‌ی ارزش‌های دینی رسید.

بر مبنای اعتقادات تشیع در عصر عدم حضور امام معصوم (ع) فقهای جامع شرایط وظیفه‌ی نیابت عام حضرت قائم (عج) را به عهده دارند. البته به صورت کلی همه‌ی فقهای دارای شرایط مدنظر در لسان روایات دارای این مقام هستند؛ اما بر پایه مستندات قرآنی و روایی، این زعامت و رهبری بر دوش ولی فقیه است که هم در حوزه نظری و هم در حوزه عملی تحول‌آفرین بوده و از جامعیت و مرجعیت برتر و بالاتر برخوردار است. معیارهای یاد شده را امام خمینی (ره) در هر دو حوزه اندیشه و عمل، محقق ساخت و با از بین بردن نظام موروثی

ستم شاهی در بهمن ۱۳۵۷ خورشیدی، نقش ولایت فقیه در پیروزی انقلاب و عبور از بحران‌ها و مدیریت و رهبری دینی و سیاسی جامعه اسلامی را به خوبی ترسیم نمود و بعد از ایشان نیز مقام معظم رهبری در سمت ولایت فقیه، این مسئولیت عظیم را بدست گرفت و از انقلاب اسلامی در برابر تهدیدات داخلی و خارجی صیانت نمود و هیمنه پوشالی استکبار و صهیونیسم و اذتاب آنان را درهم کوبید و بستر تعالی و تکامل کشور و جامعه اسلامی را فراهم ساخت.

با عنایت به اینکه انقلاب پرشکوه اسلامی با بینش و ماهیت کاملاً متفاوت با انقلاب‌های شرق و غرب - که با نگرش‌های دموکراتیک و پارلمانتاریسم و سوسیالیستی بودن - است، یک انقلاب منحصر به فرد و دارای مبانی و نظام ارزشی خاص بر خواسته از آموزه‌های قرآنی و اسلامی باهدف احیای ارزش‌های دینی در مقیاس ملی، منطقه‌ای و جهانی است، ضرورت دارد که مبانی، اهداف، برنامه‌ها و چشم‌اندازهایش به‌خوبی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

ازاین‌رو سعی شده است که در این شماره (۱۰) از مجله مطالعات قرآن و علوم، مستندات قرآنی بیانیه گام دوم که در تاریخ بیست‌ودوم بهمن هزار و سیصد و نود و هفت توسط حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر عظیم‌الشان انقلاب اسلامی به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران صادر شده و در آن ایشان ضمن یادآوری دستاوردهای گذشته، افق فراروی انقلاب اسلامی را نیز در ضمن هفت توصیه ترسیم فرموده‌اند، تبیین و تشریح گردد؛ تا در این رهگذر تاریخی تمایز، تفاوت مبانی و ارزش‌های اصیل اسلامی و انقلاب اسلامی در مقایسه با سایر انقلاب‌ها روشن و واضح گردد.

علی آقا صفری

۱۴۰۰/۱۱/۲



## تربیت جامعه انقلابی و نقش آن در تمدن سازی نوین اسلامی

علی نقی فقیهی \*

### چکیده

برای تحقق اهداف انبیای الهی و هدایت بشر، انقلابی بودن نقش بسیار مهمی دارد. از مهم ترین عوامل برپائی انقلاب اسلامی در ایران و استمرار آن، انقلابی بودن رهبری و دست پروردگان او، بوده و هست. یکی از اهداف مقام عظمای ولایت در بیانیه گام دوم انقلاب، تربیت جامعه انقلابی است که می تواند بستر را، برای انقلاب جهانی امام مهدی موعود (عج)، و تمدن سازی نوین اسلامی، فراهم سازد. از این رو، مسئله این پژوهش، بررسی راهکارهای تربیت جامعه انقلابی در رهنمودهای امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، مبتنی بر قرآن و حدیث و نقش آن در ساخت تمدن نوین اسلامی است که با روش توصیفی تحلیلی انجام شده است. این پژوهش به دو نتیجه مهم دست یافته است: یکی اینکه در رهنمودهای امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری مبتنی بر آیات و روایات، بر سیزده راهکار تربیتی برای پرورش جامعه انقلابی تأکید شده است. و دوم اینکه هفده نقش این راهکارهای تربیتی در بسترسازی تمدن نوین اسلامی تبیین شده است.

**واژگان کلیدی:** تربیت، جامعه انقلابی، تمدن نوین اسلامی، رهنمودهای امام خمینی (ره) و مقام رهبری.

\*. دانشیار، هیات علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه قم: an-faghihi@qom.ac.ir



## مقدمه

اسلام با بینش برگرفته از فرموده رسول اکرم (ص): «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ ... كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲/ ۱۰۰) و محور قرار دادن آن توسط جامعه ایران، مهمترین نقش تأثیرگذاری را در حدوث و بقای انقلاب اسلامی، داشته و دارد. به فرموده بنیانگذار انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره)، انقلاب اسلامی، حاصل اعتماد مردم به اسلام و روحانیت انقلابی بود (خمینی، بی تا: (الف)، ۱۱/ ۴۶۰). و مردم به انگیزه تحقق آرمان‌های اصیل اسلام ولائی، به مبارزه با طاغوت و استبداد برخاستند و برای آزادی، استقلال، پیشرفت، به تشکیل حکومت اسلامی همت گماردند (همان: ۵/ ۶۹) و به آن استمرار بخشیدند. تجربه تاریخ چهل و یک ساله انقلاب نشان می‌دهد به هر میزانی که اعتماد اجتماعی مردم به اسلام و خط ولایت تقویت گردد، بستری برای تحقق و گسترش آرمان‌های انقلاب اسلامی به ویژه پیشرفت‌های علمی و صنعتی، اخلاقی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و حرکت متعالی در مسیر پیشرفت و تمدن سازی هموار می‌شده است. با گذشت مرحله اول انقلاب، و استفاده از تجربیات جامعه انقلابی ایران، می‌بایست گام‌ها را استوارتر کرد و به تعبیر مقام عظمای ولایت، جامعه انقلابی در خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی (بیانیه گام دوم انقلاب)، یعنی عرصه‌های اساسی حرکت انقلاب، فعال‌تر گردد. و با نشان دادن شاخص‌های انقلابی در هر سه مرتبه، انقلابی ماندن خود را تحکیم ببخشد. و با تبیین جامعیت اسلام و کارآمدی آن در پیشرفت و تعالی در ابعاد علمی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و اقتصادی و اعتلای فرهنگی جامعه بر اساس اسلام ولائی و پرورش نهال امید برای جهش علمی و بهره‌برداری بهینه از نیروی جوان کشور و نظام سازی تعلیم و تربیت اسلامی در جامعه و پرورش روحیه احساس مسئولیت و نظارت بر عملکردهای سازمان‌های اجتماعی به‌ویژه مسئولان حکومتی، ساختار جامعه انقلابی پردازش گردد و زمینه برای تمدن‌سازی نوین جامعه بشری فراهم شود.



رهنمودهای تربیتی امام خمینی (ره)، و مقام معظم رهبری حاکی از آن است که از مهم ترین عوامل اساسی که زمینه را برای تمدن سازی نوین اسلامی فراهم می‌سازد، استمرار انقلابی ماندن جامعه است.

آموزش راهکارهای انقلابی ماندن جامعه و بررسی مبانی قرآنی و روایی آنها به خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی که در بیانیه گام دوم انقلاب بر آنها تأکید شده است؛ کمک می‌کند. لذا این تحقیق درصدد است با روش توصیفی تحلیلی به بررسی آیات و روایات و رهنمودهای امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری در زمینه راهکارهای تربیتی انقلابی ماندن جامعه، پردازد.

جامعه انقلابی در این تحقیق، جامعه ایران اسلامی است که انقلاب اسلامی در آن به وقوع پیوسته است. رهنمودهای تربیتی امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری: بیانات و آموزه‌هایی هستند که از این دو مقام عالی انقلاب، و با بهره‌گیری از آیات و روایات، به منظور تربیت افراد و جامعه ارائه گردیده است.

منظور از راهکارهای تربیتی همان شیوه‌های پرورشی- روانشناختی، عاطفی و سازمان‌دهی رفتارها است که در حوزه تقویت شناخت و بینش، هدایت عواطف، خواسته‌ها و انگیزه‌ها و بهینه‌سازی عملکردهای اجتماعی، کاربرد دارد (فقیهی، ۱۳۹۶: (ب)، ۹۲-۲۴۰) و برای تحقق اهداف عالی اجتماعی انتخاب می‌شوند (فقیهی، ۱۳۹۱: ۹۷).

### راهکارهای تربیتی جامعه انقلابی

بر اساس بینش مقام ولایت که برگرفته از رویکرد اسلامی است، برای تربیت جامعه انقلابی مبتنی بر اسلام می‌بایست از راهکارهای تربیتی زیر استفاده کرد:



## ۱- آموزش جامعیت اسلام

اسلام دین جامع است و برای تمام ابعاد زندگی انسان و از جمله، بعد اجتماعی و سیاسی هدایت و تربیت رهنمود دارد (مصباح یزدی، ۱۳۹۵). اسلام دین جهانی است که خداوند آن را برای تمام بشریت هدیه کرده است، «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا» (اعراف / ۱۵۸) و قرآن بطور جامع و کامل بیان کننده هر چیزی است که مسیر هدایتش را به سعادت رهنمون می‌سازد: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ» (نحل / ۸۹)؛ بنابراین هر چیزی که در هدایت انسان به سوی سعادت و کمال نقش داشته است، در قرآن آمده است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۲ / ۴۶۹).

امام صادق (ع) فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ تِبْيَانًا كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ وَاللَّهِ مَا تَرَكَ اللَّهُ شَيْئًا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْعِبَادُ حَتَّىٰ لَا يَسْتَطِيعَ عَبْدٌ يَقُولُ لَوْ كَانَ هَذَا أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا وَقَدْ أَنْزَلَهُ اللَّهُ فِيهِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۵۹)؛ به راستی که خدای تبارک و تعالی در قرآن بیان همه چیز را نازل کرده است. حتی یک چیزی را که نیاز بندگان به آن باشد واگذار نکرده است تا بنده‌ای نتواند بگوید کاش این هم در قرآن بود.

امام خمینی (ره) در جامعیت احکام اسلام بویژه در مسائل سیاسی اجتماعی فرمود: دین اصلش سیاست است... اسلام یک دینی است که احکام عبادی‌اش هم سیاسی است. این جمعه، این خطبه‌های جمعه، آن عید، آن خطبه‌های عید، این جماعت، اجتماع، این مکه، این مشعر، این منی، این عرفات، همه‌اش یک مسائل سیاسی است. با اینکه عبادت است، در عبادتش هم سیاست است. سیاستش هم عبادت است (خمینی، بی تا: الف)، ۱۱ / ۴۶۳). مقام معظم رهبری فرمودند: ما از اهل بیت (ع) چیزهای زیادی داریم؛ چیزهایی که اگر امروز عرضه بشود، دنیا را واقعاً در مقابل خودش به اعجاب و امیدوار... این قدر ما معارف عالیه داریم که امروز بشر



محتاج آنهاست. اینها از زبان اهل بیت (ع)، به عنوان بیان اهل بیت و به عنوان اسلامی است که اهل بیت معرفی می کنند (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت (ع)، ۱۳۷۰/۰۷/۰۴).

## ۲- ترویج اسلام ناب محمدی (ص) در مقابل اسلام آمریکایی

اسلام ناب محمدی (ص) همان اسلام جامع و کاملی است که همه جانبه است؛ از زندگی فردی و خلوت فردی تا تشکیل نظام اسلامی، همه را شامل می شود. اسلام ناب آن اسلامی است که هم تکلیف من و شما را در خانواده با خود و در خلوت شخصی مان معین می کند، هم تکلیف ما را در جامعه معین می کند، هم تکلیف ما را در قبال نظام اسلامی و ایجاد نظام اسلامی معین می کند؛ این اسلام ناب است (بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۱۳۹۵/۰۳/۱۴).

این اسلام ناب، آن اسلامی است که چهارده حجت معصوم خدا (ع) در بیان و در عمل مروج آن بوده اند. «هُم مَوْضِعُ سِرِّهِ وَ لَجَأُ أَمْرِهِ وَ عَيْبَةُ عِلْمِهِ وَ مَوْئِلُ حُكْمِهِ وَ كُهُوفُ كُنْتِهِ وَ جِبَالُ دِينِهِ بِهِمْ أَقَامَ أَنْجِيَاءَ ظَهْرِهِ وَ أَذْهَبَ أَرْبَعَادَ فَرَائِصِهِ» (رضی، ۱۴۱۴: خطبه ۲)؛ آنها که محل اسرار خدایند و پناهگاه فرمان او و ظرف علم او و مرجع احکامش و جایگاه حفظ کتاب های آسمانی او هستند و کوه های استوار دینند، به وسیله آنان (امامان اهل بیت) قامت دین را راست نمود و لرزش و تزلزل و وحشت آن را از میان برد. «مَا زَالَتِ الْأَرْضُ إِلَّا وَ لِلَّهِ فِيهَا الْحُجَّةُ يُعْرِفُ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ وَ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى سَبِيلِ اللَّهِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/ ۱۷۸)؛ اینان حجت خدا بر زمین هستند. از این رو همیشه، مردم از دو حجت آشکار و پنهان، برخوردارند. حجت آشکار، پیغمبران و امامانند و حجت پنهان، عقل های آنان است؛ «إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةً ظَاهِرَةً وَ حُجَّةً بَاطِنَةً فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأَيِّمَةُ عَ وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ». (همان: ۱۶).



در مقابل اسلام آمریکائی، اسلام ساختگی است که القای منحرفان، مرتجعان و استکبار است. مقام معظم رهبری فرمودند: اسلام ناب در مقابل اسلام آمریکایی است، اسلام آمریکایی هم دو شاخه دارد: یک شاخه اسلام متحجّر، و شاخه دیگر، شاخه اسلام سکولار؛ این اسلام آمریکایی است. استکبار و قدرت‌های مادی از هر دو شاخه پشتیبانی کرده‌اند و می‌کنند؛ یک جاهایی آنها را به وجود می‌آورند، یک جاهایی آنها را راهنمایی می‌کنند، یک جاهایی آنها را کمک می‌کنند. و در مقابل اسلام ناب، علم می‌کنند (بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۱۴/۰۳/۱۳۹۵).

### ۳- تبیین نقش ولی فقیه و فقه حکومتی

فقه، فهم عمیق و همه جانبه و اجتهاد از منابع اسلامی (قرآن، احادیث و عقل) درباره وظائف مردم در همه شرایط و مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... است و باعث حضور پایه‌ای دین در جامعه است؛ «لِكُلِّ شَيْءٍ عِمَادٌ وَعِمَادُ هَذَا الدِّينِ الْفِقْهُ». (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵: ۴/۵۹). و رهنمودهای ولی فقیه همه شئون زندگی را در بر می‌گیرد زیرا که به فرموده حضرت امام خمینی (ره) برای فقیه، همه آنچه برای معصوم ثابت بوده، ثابت است (خمینی، بی‌تا: ب)، ۵۳-۵۱).

حاکمیت بخشی فقه حکومتی در جامعه با پذیرش ولایت فقیه است. از این رو باید نقش ولایت فقیه در حکومت اسلامی، برای مردم آموزش داده شود. مردم بدانند که ولایت فقیه مبنای بسیار مستحکمی دارد (بیانات در دیدار اعضای هیأت علمی کنگره امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸/۱۱/۰۴) ولایت فقیه اساسی‌ترین اصل نظام جمهوری اسلامی است (بیانات در دیدار اқشار مختلف مردم، ۱۳۶۸/۰۴/۲۱) ولایت، یعنی حکومت الهی که هیچ اثری از خودپرستی،

سلطنت و اقتدار خودخواهانه در آن وجود ندارد (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۸/۰۱/۱۶).

ولایت، حکومتی است که در آن، شخص حاکم با آحاد مردم دارای پیوندهای محبت آمیز و عاطفی و فکری و عقیدتی است (بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت رضا (ع)، ۱۳۷۹/۰۱/۰۶). حکومت، فقط فرمانروایی نیست. حکومت، نفوذ در دل‌ها و مقبولیت در ذهن هاست (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۱۲/۲۶).

رهبری مسؤولیت دارد. مسؤولیت رهبری حفظ نظام و انقلاب است (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۰۴/۱۹). ولایت فقیه آن طور که اسلام مقرر فرموده است و ائمه ما نصب فرموده‌اند به کسی صدمه وارد نمی‌کند؛ دیکتاتوری به وجود نمی‌آورد، کاری که برخلاف مصالح مملکت است انجام نمی‌دهد، کارهایی که بخواهد دولت یا رئیس جمهور یا کس دیگری برخلاف مسیر ملت و برخلاف مصالح کشور انجام دهد، فقیه کنترل می‌کند، جلوگیری می‌کند (خمینی، بی تا: الف)، ۵۸/۱۰).

ولایت فقیه مایه عزت جامعه است و عزتمندی مردم با اطاعت از رهبری او تأمین می‌شود؛ «طَاعَةُ وَّلَاةِ الْأَمْرِ تَمَامُ الْعِزِّ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۲۸۳). اطاعتی که در طول اطاعت خدا و رسول الله و به عنوان مصداق اولی الامر، واجب دانسته شده است «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ». (نساء/ ۵۹). چون ایشان حجت معصومان (ع) است «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقِعةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ». (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۷/ ۱۴۰) و مردم به حکم وی باید رضایت داشته باشند «فَلْيَرْضَوْا بِهِ حَكْمًا» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/ ۶۷).

بر این اساس با توسعه فقه حکومتی در حوزه‌های علمیه و ترویج و حاکمیت بخشی آن در جامعه و پرورش روحیه ولایت پذیری، افراد جامعه با روحیه انقلابی برای زمینه‌سازی تشکیل حکومت اسلامی حضرت حجت (عج) که اوج تمدن سازی نوین اسلامی است، بخوبی تلاش



می کنند. امام هادی (ع) می فرماید: «لَوْ لَأَمْ بَقِيَ بَعْدَ عَيْبَةِ قَائِمِنَا ع مِنَ الْعُلَمَاءِ الدَّاعِينَ إِلَيْهِ وَ الدَّالِّينَ عَلَيْهِ وَ الدَّائِبِينَ عَنْ دِينِهِ بِحُجَجِ اللَّهِ وَ الْمُتَمِّدِينَ لِعِبَادِ اللَّهِ مِنْ شِبَاكِ إِبْلِيسَ وَ مَرَدَّنِهِ وَ مِنْ فِخَاخِ التَّوَابِصِ لَمَّا بَقِيَ أَحَدٌ إِلَّا ارْتَدَّ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَ لِكَيْتَهُمُ الَّذِينَ يُمَسِّكُونَ أَرْزَمَةَ قُلُوبِ ضُعَفَاءِ الشَّيْعَةِ كَمَا يُمَسِّكُ صَاحِبُ السَّفِينَةِ سُكَّانَهَا أَوْلَيْكَ هُمْ الْأَفْضَلُونَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶/۲).

#### ۴- تکیه بر محوریت اسلام و جمهوریت، باهم

پرورش جامعه بر اساس محوریت اسلام و جمهوریت، از راهکارهای انقلابی ماندن جامعه است که امام خمینی (ره) بر آن بسیار تأکید داشتند (خمینی، بی تا: (الف)، ۸/ ۱۷۲). اصولاً بار آوردن جامعه با این نگرش که مردم مورد احترام دین هستند و دیدگاهها و خواستههای آنها باید مورد توجه حاکم اسلامی باشد، می تواند جامعه مسلمان را پا به رکاب و انقلابی برای تحقق اهداف اسلام نگهدارد. دینی که ایمان و اعتماد به مردم مؤمن در طول ایمان به خدا، ستوده شده و حتی خداوند پیامبرش را، به عنوان مدیر حکومت اسلامی، اعتماد آن حضرت را به مؤمنان، توصیف می کند به «يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/ ۲۹۹).

مقام معظم رهبری، نیز، بر محور بودن مردم و همراه کردن آن با اسلام تأکید داشته و می فرماید: ترکیب اسلام و مردم، می شود جمهوری اسلامی؛ جمهوری اسلامی یعنی این که مردم محورند، مقاصد برای مردم است، هدفها متعلق به مردم است، منافع مال و ملک مردم است، اختیار در دست مردم است؛ اینها مردمی بودن است. رأی مردم، خواست مردم، حرکت مردم، عمل مردم، حضور مردم و شرافت مردم در نظام جمهوری اسلامی. این یکی از مبانی انقلابی بودن است و به معنای واقعی کلمه باید به این معتقد بود (بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۱۴/۰۳/۱۳۹۵).



## ۵- تربیت رهبران انقلابی در حوزه‌های علمیه

انقلابی ماندن جامعه به انقلابی ماندن حوزه علمیه و رهبران انقلابی که در آن تربیت می‌شوند؛ بستگی دارد. زیرا که مردم مسلمان، به روحانیت و مراجع ایمان دارند و هدایت‌های آنان را با جان و دل می‌پذیرند و حتی با رهنمودهای آنان، در راه اسلام از جان خود می‌گذرند. رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «اگر بخواهیم نظام اسلامی همچنان اسلامی و انقلابی باقی بماند باید حوزه علمیه انقلابی بماند؛ زیرا اگر حوزه علمیه انقلابی نماند، نظام در خطر انحراف از انقلاب قرار خواهد گرفت (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای مجمع نمایندگان طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم، ۱۳۹۴/۱۲/۲۵).

البته شاخص‌های رهبران انقلابی توسط روحانیت اصیل انقلابی، باید به مردم آموزش داده شود تا آنان بتوانند به انتخاب‌های شایسته دست بزنند. شاخص‌هایی چون: اطاعت‌پذیری از خدا، رسول الله (ص) و ائمه معصوم (ع)، «یا ایها الذین آمنوا اَطِيعُوا اللَّهَ وَ اَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ اُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (نساء / ۵۹)؛ فقهات جامع دین، عارف به وظائف دینی در شرایط گوناگون «... مَنْ كَانَ مِنْكُمْ مِمَّنْ قَدْ رَوَى حَدِيثَنَا وَ نَظَرَ فِي حَلَالِنَا وَ حَرَامِنَا وَ عَرَفَ أَحْكَامَنَا فَلْيَرْضُؤْا بِهِ حَكْمًا فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۶۷)، حفظ خویش در مسیر و اهداف الهی، خودکنترلی در برابر هواهای نفسانی و استکبار، دغدغه حفاظت از دین، مطیع محض اوامر الهی بودن «فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ، حَافِظًا لِدِينِهِ، مُخَالِفًا لِهَوَاهُ، مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلْيَلْعَوَامِ أَنْ يُقْلِدُوهُ» (منسوب به امام عسکری (ع)، ۱۴۰۹: ۳۰۰)، و مانند آن مردم را بسیج نماید تا نه تنها مخالفت با اوامر رهبری نکنند «فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا فَإِذَا حَكَمَ بِحُكْمِنَا فَلَمْ يَقْبَلْهُ مِنْهُ فَإِنَّمَا اسْتَحَفَّ بِحُكْمِ اللَّهِ وَ عَلَيْنَا رَدُّ وَ الرَّادُّ عَلَيْنَا الرَّادُّ عَلَى اللَّهِ وَ هُوَ عَلَى حَدِّ الشَّرْكِ بِاللَّهِ». (کلینی،



۱۴۰۷: ۱ / ۶۷) بلکه در اطاعت از رهبری، گوی سبقت را از همدیگر برابند «وَالْإِجَابَةُ حِينَ  
أَدْعُوكُمْ وَالطَّاعَةُ حِينَ أَمْرُكُمْ» (رضی، ۱۴۱۴: خطبه ۳۴).

این آموزش‌ها و آگاه‌سازی مردم است که در گذشته مردم را انقلابی نگهداشته و در آینده  
نیز نگه خواهد داشت. امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) فرمود: «اگر آگاهی شما ملت نبود، کارها  
سخت می‌شد، لیکن آگاهی شماست که جلوی دشمن را گرفته است. در کنار صبر و وفا و  
استقامت شما، و با کسب کمک‌ها و امدادهای الهی، همه‌ی ما هرجا هستیم، دو وظیفه‌ی  
سنگین را بر عهده داریم که باید آن‌ها را به بهترین وجه انجام دهیم. وظیفه‌ی اول این است که  
صلابت و ابهت و عزت انقلاب را حفظ کنیم و راه امام را با قاطعیت ادامه دهیم و تسلیم  
باج‌خواهی‌های دشمنان اسلام و انقلاب نشویم. شرق و غرب عالم، این انقلاب را شناخته‌اند و  
زورگوهای دنیا هم توقعشان را از جمهوری اسلامی کم کرده‌اند. قدرت‌های استکباری باید  
بدانند که انقلاب ما مانند صخره است و نمی‌توان به او ضربه زد و چیزی از او کاست. ما باید  
این اقتدار و ابهت را حفظ کنیم. امید ملت‌های مسلمان به انقلاب و جمهوری اسلامی، به خاطر  
همین صلابت است» (بیانات در مراسم بیعت گروهی از رزمندگان سپاه پاسداران و روحانیون  
شهرهای خمین، دامغان و گناباد، ۱۳۶۸/۰۴/۰۳).

معرفی رهبران انقلابی مردم را ولایتمدار می‌سازد همان‌طور که امیرالمؤمنین (ع) انتظارش را  
از مردم چنین بیان می‌دارد: به اهل بیت پیامبران نگاه کنید و به آن سو که می‌روند، پی آنها را  
بگیرید... اگر ایستاده‌اند، بایستید و اگر برخاسته‌اند، شما نیز برخیزید. به آنان پیشی نگیرید که  
گمراه می‌شوید و از آنان بازپس نمانید که هلاک می‌شوید «انظُرُوا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ فَالْزُمُوا سَمْتَهُمْ  
وَ اتَّبِعُوا أَثَرَهُمْ فَلَنْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ هُدًى وَ لَنْ يُعِيدُوكُمْ فِي رَدًى فَإِنْ لَبَدُوا فَالْبَدُوا وَ إِنْ نَهَضُوا فَانْهَضُوا وَ لَأَ  
تَسْفِيَهُمْ فَتَضَلُّوا وَ لَأَ تَتَأَخَّرُوا عَنْهُمْ فَتَهْلِكُوا». (رضی، ۱۴۱۴: خطبه ۹۷).



## ۶- استقامت در دین و اصول و آرمان‌های انقلاب

استقامت به مفهوم ثبات و مداومت (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۴/ ۱۲۵) استمرار (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۵/ ۲۳۳)، پایداری، ایستادن، درست شدن (دهخدا، ۱۳۴۱: ۱/ ۸۲۷۸) است. و نظر به اینکه اصل این ماده، یعنی قیام در برابر قعود و معنای اصلی آن به پاداشتن و فعلیت عمل است؛ استقامت به معنای طلب قیام است و استمرار و استدامت از لوازم معنای اصلی به شمار می‌آید (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۹/ ۳۴۱) بنابراین استقامت در هر امری به معنای ثابت قدم بودن در حفظ آن و در ادای حق آن بطور تمام و کامل است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۱/ ۶۴). استقامت در دین نه تنها جامعه را انقلابی نگه می‌دارد بلکه بالاترین سعادت، پیامد آن است. امام علی علیه‌السلام فرمود: «أَفْضَلُ السَّعَادَةِ اسْتِقَامَةُ الدِّينِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۱۸۶)؛ بالاترین خوشبختی، استقامت دین (پایداری در دین) است و نیز فرمود: «عَلَيْكَ بِمَنْهَجِ اسْتِقَامَةِ فَإِنَّهُ يُكْسِبُكَ الْكِرَامَةَ وَيَكْفِيكَ الْمَلَامَةَ» (همان: ۴۴۵)؛ بر تو باد پایداری در راه راست؛ زیرا که این کار، به تو کرامت می‌بخشد و سرزنش را از تو باز می‌دارد.

امام خمینی (ره) با استناد به آیه: «وَأَسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ» می‌فرماید: این استقامت موجب شد که با اینکه هیچ در دست نداشت و تمام قوای قدرتمندان برخلاف او بود- به طوری که در مکه نمی‌توانست به طور علنی دعوت کند- لکن مأیوس نمی‌شد از اینکه نمی‌تواند علناً مردم را دعوت کند. مأیوس نبود. دعوت زیرزمینی بود. یکی یکی‌ها را به خود جذب کرد، تا وقتی که تشریف بردند به مدینه، مأمور شدند که مردم را دعوت کنند به قیام: «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ (سبأ/ ۴۶)؛ در اینجا دعوت جمع به قیام جمعی است؛ و مهم قیام لله و استقامت در راه خدا بود که پیروزی را نصیب پیغمبر (ص) کرد (خمینی، بی تا: الف)، ۷/ ۲۴۵-۲۴۴). امام (ره) استقامت جامعه خودمان را در ثابت ماندن در راه مستقیم الهی و عدم انحراف به غرب و شرق دانسته و می‌فرماید: ما مکلفیم، همه‌مان مکلفیم، همه آقایان و همه خانم‌های محترم،



مکلفیم که مردم را دعوت کنیم به راه مستقیم؛ به همان صراط الله، راه الله - که راه مستقیم است - و از انحرافها جلوگیری کنیم. نه منحرف به آن طرف باشیم که دیکتاتوری به تمام معنا است و نه منحرف به غرب باشیم که ظلم و ستم و به اسم «حقوق بشر»؛ بردن همه حقوق بشر است (همان: ۵۱۴/۹).

مقام معظم رهبری، نیز، با استناد به آیه: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ مَنِ تَابَ مَعَكَ وَ لَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (هود/ ۱۱۲)؛ می فرماید: استقامت، یعنی پایداری؛ راه را مستقیم ادامه دادن؛ در جهت درست حرکت کردن. نقطه‌ی مقابل این حرکت مستقیم در این آیه‌ی شریفه، طغیان قرار داده شده است؛ «و لاتطغوا». طغیان، یعنی سرکشی؛ منحرف شدن. به پیغمبر (ص) می فرماید: هم تو - شخصاً - هم کسانی که همراه تو و با تو هستند، این راه را درست ادامه بدهید و منحرف نشوید؛ «آنچه بما تعلمون بصیر» (بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در حرم امام خمینی (ره)، ۱۴/۰۳/۱۳۸۹).

از مصادیق استقامت در دین حفاظت از اصول انقلاب اسلامی است. یعنی اسلام، قانون اساسی، که مبتنی بر اسلام است. رهنمودهای امام است؛ وصیت‌نامه‌ی امام است؛ سیاست‌های کلی نظام است که در قانون اساسی معین شده است (بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۲۰/۰۶/۱۳۸۸). امام علی (ع) یکی از عوامل از بین رفتن نظام‌ها و دولت‌ها را سست کردن اصول و تضییع آنها دانسته است: «يُسْتَدَلُّ عَلَىٰ إِدْبَارِ الدَّوْلِ بِأَرْبَعٍ: تَضْيِيعُ الْأُصُولِ وَ...» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۸۰۰).

مقام معظم رهبری تأکید دارند که از اصول انقلاب باید مراقبت بشود و دستگاه‌های حاکمیتی باید این اصول را رعایت کنند. خوراک فرهنگی سالم و جلوگیری از خوراک فرهنگی ناسالم و مضر، اساس کار است. رهاسازی فرهنگ اصلاً جایز نیست. مدیریت فرهنگ یک کار بسیار لازم است؛ و مدیریت هم باید بر مبنای شعارهای انقلاب و مبانی انقلاب باشد؛

یعنی مراقبت بشود آنچه اصل است، این است که مبانی انقلاب و مبانی استقلال کشور امام و مانند اینها باید محفوظ باشد (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۴/۰۶/۰۴). همچنین فرمودند: حرکت را بر اساس اصول انقلاب تنظیم کنید؛ از حاشیه سازی پرهیز کنید، به حل مشکلات مردم پردازید (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۳/۰۴/۱۶)

برای استقامت در دین، اجابت کامل از هدایت‌های دینی لازم است تا بستر را برای احیای جامعه مؤمنانه «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اسْتَجِیْبُوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا یُحِیْیْکُمْ». (انفال / ۲۴) و اتصاف به ارزش‌های دینی، معنوی و اخلاقی فراهم سازد. و امر اهل بیت (ع) را مستمراً زنده نگاه دارد «رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْیَا أَمْرَنَا». (حمیری، ۱۴۱۳: ۳۲).

احیای ارزش‌های اسلامی با زدودن مستمر شناخته‌ای غلط، روشن ساختن تحریف‌های معنوی، اخلاقی و عملکردی، پدید می‌آید «یَحْمِلُ هَذَا الدِّینَ فِی کُلِّ قَرْنٍ عُدُولٌ یَنْفُونَ عَنْهُ تَأْوِیلَ الْمُبْطِلِیْنَ وَ تَحْرِیْفَ الْعَالِیْنَ وَ انْتِحَالَ الْجَاهِلِیْنَ کَمَا یَنْفِی الْکَبِیْرُ حَبَّتِ الْحَدِیْدِ». (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۵۱ / ۲۷) و موجب حیات انقلاب در جامعه است.

#### ۷- تبیین وظیفه دانستن حفظ نظام اسلامی برای مردم

آموزش دیدگاه قرآنی مبنی بر اینکه اقامه نظام دینی و حفاظت از آن وظیفه همگانی است و همه باید با انسجام و اتحاد خود از آن پاسداری کنند «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّینِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِیْ أَوْحَیْنَا إِلَیْکَ وَ مَا وَصَّیْنَا بِهِ إِبْرَاهِیْمَ وَ مُوسَى وَ عِیْسَى أَنْ أَقِیْمُوا الدِّینَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا» (شوری / ۱۳)، مردم را بسیج می‌کند تا انقلابی باشند و در حفظ نظام اسلامی بکوشند. و تمام قدرت خود را بکارگیرند تا نظام اسلامی از آسیب‌های دشمنان در امان باشد «وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَیْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ». (انفال / ۶۰). برای حفظ نظام اسلامی باید امور



آسیب زا به نظام را شناخت و از بروز آنها جلوگیری کرد (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۸۰۰). مقام معظم رهبری بارها، این وظیفه را گوشزد کرده‌اند و فرموده‌اند: حفظ نظام واجب است و اوجب از همه‌ی امور است. نظام هم یک مرزهای مشخصی دارد که یکی از این مرزها، مرزهای اخلاقی و فرهنگی است و شکی نیست که باید حفظ شود (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان، ۸۹/۰۵/۳۱).

برای حفظ نظام اسلامی تلاش و کوشش مستمر مردمی، به هر صورت ممکن. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) می‌فرماید: «جَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَيْدِيكُمْ فَإِنْ لَمْ تَقْدِرُوا فَجَاهِدُوا بِأَلْسِنَتِكُمْ فَإِنْ لَمْ تَقْدِرُوا فَجَاهِدُوا بِقُلُوبِكُمْ». (نوری، ۱۴۰۸: ۱۶/۱۱)، لازم است. مردمی که در شرایط گوناگون (بحران، جنگ، صلح) و در قلمروهای مختلف (علمی، منطقی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی)، جهاد می‌کنند؛ بهترین مردم‌اند «خَيْرُ النَّاسِ رَجُلٌ حَبَسَ نَفْسَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُجَاهِدُ أَعْدَاءَهُ يَلْتَمِسُ الْمَوْتَ أَوْ الْقَتْلَ فِي مَصَافِيهِ» (همان: ۱۷). امام علی (ع) در وصف چنین افرادی می‌فرماید: «... حَمَلُوا بَصَائِرَهُمْ عَلَى أَسْيَافِهِمْ وَ دَانُوا لِرَبِّهِمْ بِأَمْرٍ وَاعِظَهُمْ» (رضی، ۱۴۱۴: خطبه ۱۵۰)؛ بصیرت‌هایشان را بر شمشیرهای خویش نهادند و به فرمان اندرزگوی خود به پروردگارشان نزدیک شدند.

در دیدگاه قرآن، قیام و کوشش مستمر برای پیشبرد اهداف مقدس الهی وظیفه همه است، چه بصورت دو نفره یا یک نفره و یا گروهی باید انجام شود «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَى وَفُرَادَى». (سبأ/ ۴۶) و به نتیجه‌اش که سعادت جاوید است، نائل شد «الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمَ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَ أَوْلِيكَ هُمُ الْفَائِزُونَ». (توبه/ ۲۰).

برنامه‌ریزی برای دفاع همه جانبه از دین و حیثیت اولیای الهی، موجب تقویت روحیه انقلابی جامعه و استقامت در دین است. تعهد دینی و روحیه انقلابی عمار یاسر را که رسول خدا (ص) ستوده ملاحظه کنید. عمار یاسر و یکی از دوستانش، پس از جنگ احد، با تعدادی از یهودیان

مدینه مواجه شدند. یهودیان با تمسخر به عمار و رفیقش گفتند: «پس وعده نصرت الهی و پیروزی که پیغمبر به شما داده بود، چی شد؟» خدا و ملائکه اش کجا بودند که از پیامبر شما که این قدر مجروح شد، دفاع کنند؟ این همه گُشته دادید... حمزه و دیگر قهرمانان تان کشته شدند. رفیق عمار برگشت گفت: «لعنت خدا بر شما. من با شما حرف نمی‌زنم. شما ایمان آدم را سست می‌کنید. و گذاشت و رفت». اما عمار ایستاد و گفت: «تقصیر ما بود که شکست خوردیم. به وعده‌های پیغمبر ربطی ندارد. پیامبر به ما وعده داد که اگر حرف‌های من را گوش کنید، پیروز می‌شوید. ما گوش نکردیم، و شکست خوردیم. اگر گوش کرده بودیم شکست نمی‌خوردیم». وقتی رسول خدا (ص) عمار یاسر را دید گزارش خواستند. پس از گزارش عمار، رسول خدا (ص) فرمود: «رفیق تو که با آنها بحث نکرد آدم خوبی است. اما تو از دین خدا دفاع کردی و تو از «مجاهدین فی سبیل الله» که خدا آنان را بر دیگران برتری داده، هستی» (منسوب به امام عسکری (ع)، ۱۴۰۹: ۵۱۷).

#### ۸- آموزش اسوه بودن امام به عنوان یک «مؤمن متعبد انقلابی»

از راهکارهای انقلابی ماندن جامعه، آموزش اسوه بودن امام به عنوان یک «مؤمن متعبد انقلابی» به نسل‌های جدید است. استمرار این آموزش‌ها مانع آن می‌شود که با تجدید نسل‌ها در جامعه، انقلابی بودن از میان برود. برای همین اسوه قرار دادن رسول اکرم (ص) توصیه مستمر قرآن است که می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن يَرْجُو اللَّهَ» (احزاب / ۲۱)؛ این اسوه بودن رسول خدا (ص) در همه امور از جمله ایمان، تعبد و انقلابی بودن آن حضرت است. با توجه به اینکه سنت پیامبر (ص) انقلابی عمل کردن، بوده است، باید جامعه را بسوی عمل مطابق سنت آن حضرت، سوق داد. امام زین العابدین (ع) می‌فرماید: «إِنَّ أَفْضَلَ الْأَعْمَالِ عِنْدَ»



اللَّهِ مَا عَمِلَ بِالسُّنَّةِ وَإِنْ قَالَ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۷۰)؛ برترین کارها نزد خداوند، کاری است که طبق سنت (پیامبر) عمل شود، گر چه اندک باشد.

اِثْمَهُ (ع) به عنوان خلفای رسول الله (ص) و اولیای فقیه به عنوان نایبان عام حضرات معصومین (ع) نیز اسوه حسنه هستند. از این رو اسوه بودن حضرت امام خمینی (ره) در ایمان، تعبد و انقلابی بودن مورد توجه مقام معظم رهبری قرار گرفته و فرمودند: یکی از عناوین و اوصافی که درباره‌ی امام راحل عظیم الشان ما، کمتر به کار رفته است و کمتر از این عنوان استفاده کرده‌ایم، عبارت است از یک عنوان جامع که من این جور تعبیر می‌کنم: مؤمن متعبد انقلابی. ما امام را با صفات متعددی همواره توصیف می‌کنیم؛ اما این صفت، یک صفت جامع است؛ مؤمن است، متعبد است، انقلابی است (بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۱۴/۰۳/۱۳۹۵).

#### ۹- به روز شدن بصیرت جامعه در برابر توطئه‌های استکبار جهانی

مقام معظم رهبری فرمودند: بصیرت این است که شما بدانید با چه کسی طرفید، بدانید که او درباره‌ی شما چه فکری دارد، بدانید که اگر چشم خودتان را بستید و فکر نکردید، ضربه خواهید خورد؛ این بصیرت است (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم اصفهان، ۱۳۹۵/۸/۲۶).

از جمله بصیرت‌ها هوشیاری در برابر توطئه‌های فرهنگی، اعتقادی، سیاسی و اخلاقی دشمنان نظام اسلامی از خلط مسیر درست انقلاب و خطوط انحرافی که توسط دشمنان بزک شده، جلوگیری می‌نماید و باعث انقلابی ماندن جامعه می‌گردد. امام علی (ع) می‌فرماید: «وَاعْلَمُوا أَنكُمْ لَنْ تَعْرِفُوا الرُّشْدَ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي تَرَكْتُمْ وَ لَنْ تَأْخُذُوا بِبَيِّنَاتِ الْكِتَابِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي تَقْضَهُ وَ لَنْ تَمَسُّكُوا بِهِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي نَبَذَهُ» (رضی، ۱۴۱۴: خطبه ۱۴۷)؛ بدانید هرگز رشد و تحول سعادت‌مندان را نمی‌شناسید تا اینکه آن کسانی که این راه را ترک کرده‌اند، بشناسید و هرگز

نمی‌توانید به میثاق کتاب جنگ بزیند تا آنکه آنها که آنها را نقض کردند، بشناسید و هرگز به حق درست متمسک نمی‌شوید تا اینکه آن کسی که آن را رها کرده شناخته باشید. یعنی شناخت دشمن و مسیر دشمن می‌تواند به صورت دقیق، راه درست را که در برابر آن است، بشناسید.

امام علی (ع) در نامه‌ای که به معاویه می‌نویسند، با تشریح فتنه‌ای که او برپا کرده است تنها «اهل البصائر» یعنی صاحبان بصیرت را رها شونده از این فتنه می‌خواند (رضی، ۱۴۱۴: نامه ۳۲). ایشان کسانی را که به جنگ جمل دامن زدند، بی‌بصیرت و حزب شیطان خوانده و بصیرت خود را عامل آن دانسته است که در جبهه حق قرار گرفته است (همان، خطبه ۱۰). آری امام (ع) بصیرت را، موجب رهایی از جهالت، تردید و سبب ایجاد یقین و نوری می‌داند که هدایت‌کننده دوستان خدا در شبهات» و فتنه‌هاست (همان: خطبه ۳۸). و اثر اخروی بصیرت دینی سربلندی در قیامت است (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۶۳۹).

رهبر فرزانه انقلاب درباره دستیابی به بصیرت نگاه توحیدی به جهان طبیعت را پایه‌ی اساسی بصیرت معرفی کرده و تأکید می‌کنند بر اینکه «حوادث را درست نگاه کردن، درست سنجیدن، در آنها تدبیر کردن، در انسان بصیرت ایجاد می‌کند؛ یعنی بینائی ایجاد می‌کند و انسان چشمش به حقیقت باز می‌شود. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «فَإِنَّمَا الْبَصِيرُ مَنْ سَمِعَ فَتَفَكَّرَ وَ نَظَرَ فَأَبْصَرَ» (رضی، ۱۴۱۴: خطبه ۱۵۳) «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم، ۱۳۸۹/۰۸/۰۴». ایشان فرمودند: «راه نجات کشورهای اسلامی از زورگویی، اشغال و سلطه‌گری استکبار جهانی بازگشت به اسلام ناب محمدی (ص) و بصیرت کامل نسبت به دشمن واقعی است» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۶۹/۰۵/۲۴). از پیامدهای بصیرت جامعه، استمرار بخشی به استکبار ستیزی و مقابله با ابرقدرت‌ها و در نتیجه تقویت روحیه انقلابی مردم است. آنان که بهنگام تهدید دشمن نه تنها نمی‌ترسند بلکه



ایمانشان برای پاسداری از دین و مقاومت در برابر دشمن بیشتر شده و می گویند خدا ما را کافی است «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ». (آل عمران / ۱۷۳). جامعه با بصیرت بر سردمداران کفر و استکبار پیمان شکن می - شورد «فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ». (توبه / ۱۲) و با کفار و منافقین، سرسختانه «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ». (توبه / ۷۳) و بدون ترس جهاد می کند و از کمی نفرات، هرگز وحشت ندارد «أَيُّهَا النَّاسُ لَا تَسْتَوْحِشُوا فِي طَرِيقِ الْهُدَى لِقَلْبَةِ أَهْلِهِ». (رضی، ۱۴۱۴: خطبه ۲۰۱)، و می داند مشمول نصرت خدا می شود «إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ». (آل عمران / ۱۶۰).

به نظر امام خمینی (ره) بصیرت نسبت به دسیسه های دشمن و قدرت پوشالی وی، مانع آن است که مؤمنان از وی بترسند بلکه مصمم به گرفتن حقوق خود خواهند شد (خمینی، بی تا: الف)، (۱۳/۳۰۴ و ج ۲۱، ص ۴۴۸).

#### ۱۰- پرورش روحیه حمایت از مظلومان و محرومان

پرورش روحیه مبارزه با ظالمان، و حمایت از مظلومان و محرومان موجب انقلابی ماندن جامعه می شود. امام خمینی (ره) فرمودند: «و از امور مهمی که لازم است وصیت نمایم اعانت نمودن به بندگان خدا، خصوصاً محرومان و مستمندان که در جامعه ها مظلوم و بی پناهند، هر چه توان داری در خدمت اینان - که بهترین زاد راه تو است و از بهترین خدمت ها به خدای تعالی و اسلام عزیز است - به کاربر و هر چه توانی در خدمت مظلومان و حمایت آنان در مقابل مستکبران و ظالمان کوشش کن» (خمینی، بی تا: الف)، (۱۶/۲۲۴). مقام معظم رهبری معتقد است اگر کسی، کسانی یا جریانی نسبت به محرومین بی تفاوت باشد، یا نسبت به مظلومان عالم بی تفاوت باشد، این شاخص انقلابی در او وجود ندارد (بیانات مقام معظم رهبری در مراسم



بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۱۳۹۵/۰۳/۱۴). از این روست امام علی (ع) به این وظیفه دینی امر می‌فرماید که: «وَكُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَلِلْمَظْلُومِ عَوْنًا» (رضی، ۱۴۱۴، نامه ۴۷).

### ۱۱- ساده زیستی و نفی اشرافیت مسئولان

ساده زیستی مسئولان و مدیران جمهوری اسلامی و روحانیون حوزه‌های علمیه که خاستگاه وجودی آنان جذب مردم به اسلام و انقلاب است، راهکاری برای انقلابی ماندن جامعه اسلامی است. و باعث می‌شود مردم فقیر از فقرشان ناراحت نباشند. امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ عَلَى أُمَّةِ الْعَدْلِ [الْحَقِّ] أَنْ يُقَدِّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ، كَيْلًا يَتَّبِعَ بِالْفَقِيرِ فَقْرَهُ». (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۴۱۱)؛ خداوند بر پیشوایان حق و عدل فرض کرده است که خود را با تهیدستان برابر نهند تا فقر، آنان را به نگرانی و پریشانی نکشاند. امام خمینی (ره) فرمود: «اگر بخواهید بی‌خوف و هراس در مقابل باطل بایستید و از حق دفاع کنید و ابرقدرتان و سلاح‌های پیشرفته آنان و شیاطین و توطئه‌های آنان در روح شما اثر نگذارد و شما را از میدان به در نکند خود را به ساده زیستن عادت دهید و از تعلق قلب به مال و منال و جاه و مقام بپرهیزید...» (خمینی، بی‌تا: الف) / ۱۸ / ۴۷۱).

### ۱۲- تلاش برای اقامه عدالت و قسط در جامعه

اقامه عدالت و قسط در جامعه، از آن جهت که از مهم‌ترین اهداف انبیاء است «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ». (حدید / ۲۵)، انقلاب اسلامی را در جامعه زنده نگه می‌دارد. انقلاب اسلامی با عدالت گره خورده است و به فرموده مقام معظم رهبری قطعاً عدالت، یکی از برترین یا شاید بشود گفت برترین آرمان و ارزشی است که دنبالش بایستی باشیم. با لفاظی هم عدالت درست نمی‌شود. عدالت البته چیز سختی است؛ اجرای عدالت جزو سخت‌ترین کارها است (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۷/۰۳/۰۷).



همچنین می‌فرماید: عدالت، اساس کار حیات طیبه‌ی انسانی است. شما برای تعجیل فرج امام زمان (ارواحنا فداه) هم که دعا می‌کنید، می‌گویید ایشان بیایند که عدالت را برقرار کنند؛ این است دیگر. «يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا» (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۲/۴۲۳) با اینکه آن بزرگوار دین را هم، تقوا را هم، اخلاق را هم به جامعه تزریق خواهد کرد؛ اما شما نمی‌گویید: «یملأ الله به الارض دیناً»؛ [بلکه] می‌گویید: «عدلاً»؛ این نشان‌دهنده‌ی این است که عدل، نیاز اصلی حیات طیبه‌ی انسانی است (بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه، ۱۳۹۸/۰۴/۰۵).

### ۱۳- حفظ وحدت کلمه در جامعه در عین شفاف‌سازی مسائل اختلافی

حفظ وحدت کلمه در جامعه در عین شفاف‌سازی مسائل اختلافی گروه‌های سیاسی از راهکارهای پایبندی جامعه به انقلاب است. قرآن مهم‌ترین وظایف اسلامی را برای مؤمنان، اتحاد و وحدت کلمه دانسته است «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا» (آل عمران/ ۱۰۳) و رسول‌الله (ص) مؤمنان را برادر خوانده و جامعه اسلامی را دعوت به اتحاد کرده «الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ تُكَافُونَ دِمَائِهِمْ وَهَم يَدٌ عَلَى مَنْ سِوَاهُمْ». (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۴۰۴) «وحدت» را مایه رحمت و تفرقه را موجب عذاب دانسته «الْجَمَاعَةُ رَحْمَةٌ وَالْفُرْقَةُ عَذَابٌ». (پاینده، ۱۳۸۲: ۴۳۳) و امام علی (ع) دست یاری خدا را بر سر جماعت دانسته و افراد و گروه‌ها را از تفرقه بر حذر داشته است «فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ عَلَى [مَعَ] الْجَمَاعَةِ وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّاذَّةَ مِنَ الْغَنَمِ لِلذَّبِّ». (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۸/۱۱۲).

امام خمینی (ره) سیادت اسلام را بر جهان در وحدت کلمه مسلمین دانسته و بر وحدت کلمه رؤسای اسلام در میان خودشان تأکید کرده است (خمینی، بی تا: الف)، ۲/۳۵. مقام معظم



رهبری، نیز، می‌فرماید: یکی از اساسی‌ترین کارها حفظ اتحاد و وحدت کلمه است. اتحاد ملت مراقب باشند به خاطر اختلاف نظرهای کوچک و اختلاف سلیقه‌های کوچک، در مقابل هم قرار نگیرند. بدانند که قدرت این ملت در اتحاد است؛ اتحاد آحاد مردم، اتحاد گروه‌های اجتماعی گوناگون، اتحاد اقوام مختلفی که در کشور زندگی می‌کنند، اتحاد مسئولین کشور با مردم، مردم با مسئولین کشور؛ این است که به این کشور اقتدار می‌بخشد و تا حالا اقتدار بخشیده و بحمدالله این اقتدار هست؛ این [اقتدار] را حفظ کنند (بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۸/۰۲/۱۱).

### ۱۳- پیشگیری از امور آسیب‌زا به انقلابی ماندن جامعه

اموری که به انقلابی ماندن جامعه آسیب وارد می‌سازد عبارتند از:

#### الف- افراطی‌گری

مقام معظم رهبری ضمن اینکه انقلابی بودن را با افراطی‌گری ناسازگار دانسته فرمودند: این را هم به همه توصیه کنیم که نیروهای انقلابی را متهم به افراطی‌گری نکنند؛ بعضی هم این‌جوری دوست می‌دارند. عنصر انقلابی، جوان انقلابی، طلبه‌ی انقلابی، فاضل انقلابی، مدرس انقلابی در هر سطحی از سطوح را متهم کنند به افراطی‌گری؛ نه، این هم انحرافی است که به دست دشمن انجام می‌گیرد (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۰۷/۲۹).

#### ب- منفعل عمل کردن در برابر ایده‌ها و سیاست‌های دشمنان

مقام معظم رهبری فرمودند: در مقابل فرهنگ مهاجم، بدترین کار، انفعال است؛ زشت‌ترین کار، انفعال است؛ خسارت‌بارترین کار، انفعال است. فرهنگ مهاجم نباید ما را منفعل بکند؛ حداکثر این است که بگوییم خیلی خوب، ما در مقابل این نمی‌توانیم یک حرکتی انجام بدهیم،



اما منفعل هم نمی شویم. منفعل شدن و پذیرفتن تهاجم دشمن، خطایی است که بایستی از آن پرهیز کرد (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۰۲/۱۹).

### ج- هرج و مرج و بی قانونی

امام خمینی (ره) فرمودند: «اسلام ضوابط دارد. اسلام هرج و مرج نیست که هر که هر کاری بخواهد بکند. اسلام قوانین دارد. روی قوانین باید عمل بشود» (خمینی، بی تا: (الف)، ۱۱/۳۱۴).

### د- تبلیغ یأس و ناامیدی به هنگام پدیده‌های نامطلوب

مقام معظم رهبری فرمودند: «... من آینده را در همه‌ی زمینه‌ها روشن می‌بینم؛ بعضی‌ها گاهی اوقات یک چیزی یا پدیده‌ای را می‌بینند که مثلاً برایشان پدیده‌ی نامطلوبی است، فوراً دل‌هایشان مأیوس می‌شود؛ بنده اصلاً این جور نیستیم. هر پدیده‌ای، ممکن است پدیده‌های نامطلوبی هم یک گوشه کناری به وجود بیاید؛ هست، همه‌جا هست، زمان‌های گذشته هم بوده؛ زمان خود پیغمبر و امیرالمؤمنین (علیهما السلام) هم بوده، در اینکه تردیدی نیست؛ لکن جهت کلی، حرکت کلی، ان شاء الله حرکت خوبی است و من امیدوارم که خدای متعال کمک کند تا هم شما و هم ما بتوانیم ان شاء الله به وظایفمان عمل کنیم» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای مجمع نمایندگان طلاب و فضلای حوزه علمیه قم، ۱۳۹۴/۱۲/۲۵).

### ه- رفتار غیر عزتمندانه

مؤمن انقلابی از رفتارهای غیر عزتمندانه به دور است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ قَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ أَمْرَهُ كُلَّهُا وَلَمْ يُفَوِّضْ إِلَيْهِ أَنْ يَكُونَ ذَلِيلًا أَمَا تَسْمَعُ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: «وَاللَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون / ۸) «فَالْمُؤْمِنُ يَكُونُ عَزِيْزًا وَلَا يَكُونُ ذَلِيْلًا قَالَ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَعَزُّ مِنَ الْجَبَلِ لِأَنَّ الْجَبَلَ يُسْتَقَلُّ مِنْهُ بِالْمَعَاوِلِ وَالْمُؤْمِنُ لَا يُسْتَقَلُّ مِنْ دِيْنِهِ بِشَيْءٍ» (طوسی، ۱۴۰۷: ۶/۱۷۹)؛ خدا امور

مؤمن را تماماً به خودش واگذار کرده است، اما حق ندارد خود را ذلیل کند. آیا کلام خدا را نشنیده‌اید که فرمود: عزت برای خدا، رسول خدا و مؤمنان به خدا است. پس مؤمن همیشه در رفتار عزت خود را حفظ می‌کند و عملکردی ذلیلانه ندارد. سپس امام اضافه فرمود: مؤمن در حفظ عزت دینی سرسخت‌تر از کوه است زیرا کوه با کلنگ‌های آهنین و انفجار تکه می‌شود ولی مؤمن هیچ چیزی وی را از عزت ایمانی اش نمی‌تواند جدا سازد.

### و- تأخیر در اقدام و عمل

مقام معظم رهبری از شرایط پیروزی بر دشمن را عدم تأخیر در اقدام و عمل دانسته و فرمودند: «من و شما وقتی... ایستادگی کنیم، بصیرت به خرج بدهیم، به موقع اقدام بکنیم، درست حرف بزنیم، درست عمل بکنیم، صادقانه وارد میدان بشویم، ... پیروزی مال ما است (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مردم قم، ۱۹/۱۰/۱۳۹۴).

### ز- وابستگی به قدرت‌های خارجی

بر اساس آیه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء/ ۱۴۱) و حدیث «الاسلامُ یعلو ولا یُعلی علیهِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۴/۳۳۴)؛ وابستگی به قدرت‌ها و حکومت‌های کافر به ویژه مستکبر به هیچ وجه جایز نیست. و اگر دولت‌های اسلامی که وابسته شده‌اند باید آنان را رها کنند و بر ملت‌های خودشان تکیه کنند. امام خمینی (ره) فرمودند: «و علمای اعلام و خطبای محترم کشورهای اسلامی دولت‌ها را دعوت کنند که از وابستگی به قدرت‌های بزرگ خارجی خود را رها کنند و با ملت خود تفاهم کنند؛ در این صورت پیروزی را در آغوش خواهند کشید» (خمینی، بی تا: الف)، ۲۱/۴۲۸).



## آثار تربیت جامعه انقلابی بر تمدن سازی نوین اسلامی

با توجه به مباحث مطرح شده در تربیت جامعه انقلابی بر اساس آیات و روایات و رهنمودهای امام و رهبری، نقش راهکارهای آموزشی تربیتی سیزده گانه را در فراهم سازی تمدن نوین اسلامی، می توان در امور زیر خلاصه کرد:

آموزش اسلام به عنوان دین جامع و کامل در حوزه و دانشگاه، چارچوب های تمدن نوین اسلامی را مشخص می کند و تصویر مطلوب از آن را به جامعه می دهد.

ترویج اسلام ناب محمدی (ص) در مقابل اسلام آمریکائی، درباره تمایز تمدن نوین اسلامی از تمدن غربی شفاف سازی می کند.

توسعه فقه حکومتی، وظایف امروز و فردای روحانیت، دولت، سازمان ها و مردم را در ساختار اجتماعی مشخص می نماید. همچنین با توسعه فقه حکومتی، در مسیر تمدن سازی نوین اسلامی هیچ ابهامی بدون روشنگری و هیچ سؤالی بدون پاسخ باقی نمی ماند. از این رو بستر را برای انواع پیشرفت های مادی و معنوی و ساخت تمدن نوین اسلامی فراهم می سازد.

تکیه بر محوریت اسلام و جمهوریت، باهم، تأکید بر این حقیقت دارد که اسلام به عنوان دین جامع برای هدایت بشر، به خوبی می تواند واقعیات و تکوین وجود انسان را پرورش دهد و جامعه اسلامی را ید واحد کند که با تکیه بر مقدرات و امکانات داخلی و ظرفیت های پیشرفته خود ملت اسلام، تمدن سازی نوین را امکان پذیر نماید.

هنگامی که در حوزه های علمیه اقدام به تربیت رهبران انقلابی می شود و جامعه اسلامی با دست با کفایت چنین اسوه هایی، بصیر، مؤمن، متعبد و انقلابی چون حضرت امام خمینی (ره)، تربیت و هدایت می شوند، و بصیرت جامعه بروز می شود، امت اسلامی برای حفظ نظام اسلامی و ساخت «تمدن نوین اسلامی» احساس وظیفه می کند. و تلاش های خود را ساماندهی می کند و

در برابر توطئه‌ها و اقدامات خصمانه استکبار جهانی مقاومت می‌کنند و با اطمینان به پیش می‌روند «وَأِنْ تَصَبَّرُوا وَتَتَّقُوا لَأَيُّرُكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا، إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ» (آل عمران / ۱۲۰).

با استقامت در دین و اصول و آرمان‌های انقلاب، همه شئون زندگی مادی و معنوی مردم، صبغه اسلامی داشته و با تکیه بر پایه‌های اساسی دینی و توان ملی، از دانش جهان و از ابزارهای موجود جهانی هماهنگ باروح و معنویت اسلامی بهره می‌برد و این زمینه را فراهم می‌کند تا نه تنها جلوه‌های زیبایی از فناوری و سرعت و سهولت و ابزارهای زندگی در اختیار مردم گذاشته شود، بلکه خوشبختی انسان‌ها را، نیز، تأمین نماید (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی رشد، ۱۰/۰۸/۱۳۹۴).

ساده زیستی و نفی اشرافیت مسئولان جمهوری اسلامی، از یکسو، و تلاش آنان برای اقامه عدالت و قسط در جامعه، از سوی دیگر، آمادگی رشدی جامعه اسلامی را ارتقا می‌دهد تا در راه خدا، آنگونه جهاد کند که به تعبیر پیامبر اسلام (ص) جزء بهترین مردم باشند (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۱۷). سختی‌ها در عصر غیبت، امتحان و ابتلاء تفسیر شود و انتظار به معنی کاملش برترین عبادت تلقی گردد «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَنْتَظَرُ الْقَرَجِ» (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۱/ ۲۸۷) و برای ایجاد روابط عدالت محور جهانی و بسترسازی برای انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) و تمدن سازی نوین اسلامی، تلاش مستمر داشته باشند.

حفظ وحدت کلمه در جامعه در عین شفاف سازی مسائل اختلافی گروه‌های سیاسی، موجب می‌گردد جریان‌های مقابل انقلاب اسلامی مانند کف روی آب از بین رفتنی شوند «فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُتُ فِي الْأَرْضِ» (رعد / ۱۷) و تاب مقاومت در برابر حق را نداشته باشند امام صادق (ع): «لَيْسَ مِنْ بَاطِلٍ يَفُومُ بِإِرَاءِ الْحَقِّ إِلَّا غَلَبَ الْحَقُّ الْبَاطِلَ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ». (کلینی، ۱۴۰۷: ۸ / ۲۴۲)؛ زیرا حق مداران با اتحاد و همبستگی، از فعالیت‌ها بر اساس هوای نفس و خواسته‌های حزبی دست می‌شویند و تمام



فعالیت‌هایشان را بصورت بهترین فعالیت‌ها و در راه خدا و خالصاً لله بسیج می‌کنند. امام علی (ع): «أَفْضَلُ الْعَمَلِ مَا أُرِيدُ بِهِ وَجَهَ اللَّهِ». (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۱۹۱). خداوند هم بهترین راه‌ها را پیش روی آنان قرار می‌دهد. فاطمه زهرا (س): «أَهْبِطَ اللَّهُ إِلَيْهِ أَفْضَلَ مَصْلَحَتِهِ». (منسوب به امام عسکری (ع)، ۱۴۰۹: ۳۲۷).

و با پیشگیری از امور آسیب‌زا به انقلاب اسلامی، رهبران جامعه انقلابی، زمانه و سیستم‌های اجتماعی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن را می‌شناسند و سعی می‌کنند امور بر آنان مشتبّه نشود و در دام‌های گسترده دشمنان نیفتند. «الْعَالَمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللّٰوَأِسُّ». (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/ ۲۷). آنان از افراطی‌گری‌ها، بی‌قانونی‌ها، یأس و ناامیدی‌ها، وابستگی‌ها به قدرت‌های خارجی، انفعالی عمل کردن در برابر سیاست‌های دشمنان و رفتارهای غیر عزتمندانه، پرهیز می‌کنند زیرا مدیران انقلابی جامعه اسلامی به تعلیم و تربیت خویش پرداخته و خود را وارسته ساخته و سپس به هدایت دیگران همت گمارده‌اند. «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّائِبِ إِمَاماً فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ». (رضی، ۱۴۱۴: حکمت ۷۳).



## نتیجه

برای ساخت تمدن نوین اسلامی، می‌بایست جامعه به گونه‌ای پرورش یابد که ساختار و نظام حکومتی و مردم انقلابی باشند. با توجه به اینکه انقلابی شدن و انقلابی ماندن جامعه با شاخص‌ها و ویژگی‌های خاصی که اسلام به عنوان خاتم ادیان برای آن مشخص کرده، مورد توجه حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری قرار گرفته، آنان مبتنی بر آیات و روایات، رهنمودهای تربیتی فراوانی را برای تربیت جامعه انقلابی مطرح کرده‌اند.

از نتایج تحقیق در رهنمودهای حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری در این زمینه سیزده راهکار تربیتی زیر می‌تواند جامعه انقلابی نگهدارد: آموزش اسلام به عنوان دین جامع و کامل در حوزه و دانشگاه، ترویج اسلام ناب محمدی (ص) در مقابل اسلام آمریکائی، توسعه فقه حکومتی، تکیه بر محوریت اسلام و جمهوریت باهم، تربیت رهبران انقلابی در حوزه‌های علمی، استقامت در دین و اصول و آرمان‌های انقلاب، تبیین وظیفه دانستن حفظ نظام اسلامی برای مردم، آموزش اسوه بودن امام به عنوان یک «مؤمن متعبد انقلابی»، به روز شدن بصیرت جامعه در برابر توطئه‌های استکبار جهانی، ساده زیستی و نفی اشرافیت مسئولان، تلاش برای اقامه عدالت و قسط در جامعه، حفظ وحدت کلمه در جامعه در عین شفاف‌سازی مسائل اختلافی گروه‌های سیاسی و پیشگیری از امور آسیب‌زا به انقلابی ماندن جامعه مانند افراطی‌گری، منفعل عمل کردن در برابر ایده‌ها و سیاست‌های دشمنان، هرج و مرج و بی-قانونی، تبلیغ یأس و ناامیدی به هنگام پدیده‌های نامطلوب، رفتار غیر عزتمندانه، تأخیر در اقدام و عمل، وابستگی به قدرت‌های خارجی که هر کدام نقش مؤثری در فراهم‌سازی بستر برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی ایفا می‌کنند.

از این رو پیش‌بینی می‌شود که عملیاتی‌سازی این راهکارها، می‌تواند تصویر واقع‌بینانه از پایه‌های اساسی تمدن نوین اسلامی را به جامعه ارائه دهد و آن را از تمدن غربی متمایز سازد. و



هر دسته از روحانیت، دولت، سازمان‌ها و مردم، با وظایف امروز و فردای خویش آگاه شوند و در مسیر تمدن سازی نوین اسلامی هیچ ابهامی بدون روشنگری و هیچ سؤالی بدون پاسخ باقی نماند. و جامعه برای نیل به انواع پیشرفت‌های مادی و معنوی در راستای ساخت تمدن نوین اسلامی بر توانمندی‌ها و ظرفیت‌های ملی و اسلامی تکیه کند و با اتحاد و همبستگی همه گروه‌ها و احزاب، در برابر توطئه‌های استکبار جهانی مقاومت نموده و با اطمینان به پیش بروند و با رشد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی دستیابی به تمدن نوین اسلامی را تسهیل نمایند. پیشنهاد می‌شود برای فراهم سازی زمینه آن، آموزش مبانی انقلابی بودن و نشانگان آن و راهکارهای تربیتی جامعه انقلابی برای تمدن سازی در برنامه‌ریزی‌های درسی حوزه های علمیه و دانشگاه‌ها قرار گیرد.



## منابع

- \*قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران، دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵.
- ۱- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، قم، مکتبه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴.
- ۲- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیّه، قم، دار سید الشهداء للنشر، ۱۴۰۵.
- ۳- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث و الأثر، قم: اسماعیلیان، ۱۳۶۷.
- ۴- ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸.
- ۵- ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳.
- ۶- ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۵.
- ۷- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴.
- ۸- بیانات مقام معظم رهبری بیانات در دیدار جمعی از جوانان استان اردبیل، ۱۳۷۹/۰۵/۰۵.
- ۹- بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در حرم امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹/۰۳/۱۴.
- ۱۰- بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۸/۰۶/۲۰.
- ۱۱- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۰۲/۱۹.
- ۱۲- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای مجمع نمایندگان طلاب و فضلای حوزه علمیه قم، ۱۳۹۴/۱۲/۲۵.
- ۱۳- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۶۹/۰۵/۲۴.
- ۱۴- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت (ع)، ۱۳۷۰/۰۷/۰۴.



- ۱۵- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مردم قم، ۱۳۹۴/۱۰/۱۹.
  - ۱۶- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان در یازدهمین روز ماه رمضان، ۱۳۸۹/۰۵/۳۱.
  - ۱۷- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم، ۱۳۸۹/۰۸/۰۴.
  - ۱۸- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۹۴/۰۶/۰۴.
  - ۱۹- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۰۷/۲۹.
  - ۲۰- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم اصفهان، ۱۳۹۵/۰۸/۲۶.
  - ۲۱- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۳/۰۴/۱۶.
  - ۲۲- بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۱۳۹۵/۰۳/۱۴.
  - ۲۳- بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیعت طلاب و روحانیون، ۱۳۶۸/۰۳/۲۲.
  - ۲۴- پاینده، ابو القاسم، نهج الفصاحه، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۲.
  - ۲۵- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دار الکتب الإسلامی، ۱۴۱۰.
  - ۲۶- جزائری، نعمت الله بن عبدالله، کشف الأسرار فی شرح الإستبصار، قم، مؤسسه دار الکتب، ۱۴۰۸.
  - ۲۷- جواهری، محمدرضا، ۱۳۸۸، امام باقر (ع) و عوامل پایداری انقلاب اسلامی، ۸۸/۱۰/۲۳.
- <http://rasekhoon.net>
- ۲۸- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹.
  - ۲۹- حمیری، عبد الله بن جعفر، قرب الإسناد (ط- الحدیثه)، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۳.
  - ۳۰- خمینی، روح الله، بی تا (الف)، صحیفه نور، تهران، مرکز نشر و حفظ آثار امام خمینی (ره).

- ۳۱- خمینی، روح‌الله، بی تا (ب)، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، تهران، مرکز نشر و حفظ آثار امام خمینی (ره).
- ۳۲- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۴۱.
- ۳۳- رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه صبحی صالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴.
- ۳۴- طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
- ۳۵- طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳.
- ۳۶- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷.
- ۳۷- فراهیدی، خلیل بن أحمد، کتاب العین، قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹.
- ۳۸- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷.
- ۳۹- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳.
- ۴۰- مصباح یزدی، محمد تقی، بیانات حضرت آیت‌الله مصباح در سی و یکمین نشست انجمن فارغ‌التحصیلان مؤسسه امام خمینی (ره)، ۹۵/۰۲/۲۴، <http://www.mesbahyazdi.ir/node/>.
- ۴۱- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
- ۴۲- مفید، محمد بن محمد، الإختصاص، قم، المؤتمر العالمی للقیة الشیخ المفید، ۱۴۱۳.
- ۴۳- منسوب به امام عسکری (ع)، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری (ع)، قم، مدرسه الإمام المهدي (عج)، ۱۴۰۹.
- ۴۴- نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۸.



## مستندات قرآنی دیدگاه مقام معظم رهبری در عرصه سیاست خارجی

میر عزیز امینی\* علی آقا صفری\*

### چکیده

حفظ عزت مسلمین از مهم‌ترین اهداف و ره‌آورد‌های انقلاب اسلامی بوده و در ضمن داشتن روابط فعال با دولت‌ها و ملت‌ها، عدم اعتماد به استکبار از سیاست‌های جمهوری اسلامی بوده و پایه‌ای سیاست خارجی خود را بر سه اصل عزت، حکمت و مصلحت مبتنی نموده است. رهبر انقلاب اسلامی هم در حوزه نظر و هم در حوزه عمل آن را تئوریزه نموده، به بیان شاخصه و ویژگی‌های سیاست خارجی پرداخته است. با توجه به اینکه جامعه اسلامی امروز با چالش فراوان در روابط خود با جهان روبرو است، ضروری است که مستندات قرآنی دیدگاه رهبر انقلاب در مورد سیاست خارجی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. نگارندگان با مراجعه به آثار رهبری و آیات کلام وحی و دیدگاه مفسران و با بهره‌گیری از روش توصیفی و تحلیلی به بررسی و مستندسازی دیدگاه رهبر انقلاب پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که اسلام از داشتن روابط با کشورها غیر محارب و غیر متخاصم منع نکرده، بلکه استقبال نموده است. همچنین از بررسی آیات کلام وحی به دست آمد که مرزبندی با دشمن و عدم اعتماد به آن و نیز حمایت از ملت‌های مسلمان و مستضعف وظیفه‌ی حکومت اسلامی است و همان‌طور از آیات قرآن بدست می‌آید، که عدم سازش با استکبار و مقابله با آن از مسلمات سیاست خارجی اسلام است که مقام معظم رهبری در بیانات و سخنرانی‌های مختلف خود طی سالیان ممتد به آن اشاره نموده و الگویی عملی از سیاست خارجی اسلامی را نیز به نمایش گذاشته‌اند.

**واژگان کلیدی:** قرآن، مستندات قرآنی، مقام معظم رهبری، سیاست خارجی، بیانیه گام

دوم.

\*. دانش‌پژوه دکتری فقه و حقوق (گرایش جزا و جرم‌شناسی) جامعه المصطفی العالمیه، مجتمع آموزش عالی فقه،

نویسنده مسئول: mamini2793@gmail.com

\*. استادیار جامعه المصطفی العالمیه: a.a.safari1364@gmail.com

## مقدمه

بحث سیاست خارجی از مهم‌ترین مباحث در عرصه‌ی سیاست‌گذاری کشورها است، جمهوری اسلامی ایران از ابتدایی تشکیل آن با اتخاذ سیاست نه شرقی و نه غربی و مبتنی نمودن سیاست خارجی خویش بر سه اصل عزت، حکمت و مصلحت، چارچوب آن را مشخص نمود و نشان داد که در پی قطع روابط به جهان نیست. ولی روابط با دیگر کشورها به معنای پذیرش سلطه و سیطره‌ی سلطه‌گران و سیطره جویان نیست. نظام اسلامی در سیاست خارجی خود به دنبال احیای عزت از دست رفته‌ی مسلمانان است.

علاوه بر این چون سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی ایران بر گرفته از قرآن و سنت است، دفاع از مستضعفین را از اولویت‌های خود می‌داند. در اصل (۱۵۲) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است که «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است». چنانچه ملاحظه می‌شود در این اصل چند امر مهم از جمله دفاع از حقوق همه‌ی مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و داشتن رابطه‌ی صلح‌آمیز متقابل با کشورهای غیر محارب به‌عنوان اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پذیرفته شده است.

در اصل (۱۵۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است که «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه‌ی مردم می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه‌ی حق طلبانه‌ی مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه‌ی از



جهان حمایت می‌کند». برابر این اصل جمهوری اسلامی ضمن اینکه مداخله در امور داخلی دیگران بر نمی‌تابد، حمایت از مبارزه حق طلبانه‌ی مستضعفان جهان را حق خود می‌داند.

رهبر عظیم‌الشأن انقلاب اسلامی که سکاندار نظام اسلامی است و بعد از رحلت بنیان‌گذار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران امام خمینی (ره)، رهبری نظام و امت اسلامی بر عهده‌ی ایشان گذاشته شد، به سه اصل عزت، حکمت و مصلحت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی تأکید داشته و اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی را غیر قابل تغییر می‌داند. و بر حمایت از مستضعفان جهان و نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری اصرار دارند. چنانچه در بیانات ایشان آمده است که «در امر سیاست خارجی، اصول اعلام شده‌ی جمهوری اسلامی و تأکید بر عناوین عزت، حکمت و مصلحت مورد توجه قرار گیرد». (پیام به رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام برای رسیدگی به موارد پیشنهاد دولت، ۱۳۷۸/۱/۱۹). ایشان می‌فرمایند: «ثبات در سیاست خارجی بر اساس اصول: عزت، حکمت و مصلحت و تعقیب هدف‌های زیر: گسترش همکاری‌های دوجانبه و منطقه‌ای و بین‌المللی و ادامه پرهیز از تشنج در روابط با کشورهای غیر متخاصم، بهره‌گیری از روابط برای افزایش توان ملی، مقابله به افزون‌خواهی و اقدام متجاوزانه در روابط خارجی، تلاش برای رهایی منطقه از حضور نظامی بیگانگان، مقابله با تک‌قطبی شدن جهان، حمایت از مسلمانان و ملت‌های مظلوم و مستضعف، تلاش برای ایجاد نزدیکی بیشتر میان کشورهای اسلامی و تلاش برای اصلاح ساختار سازمان ملل». (ابلاغ سیاست‌های کلی نظام، برنامه سوم توسعه، ۱۳۷۸/۲/۳۰).

رهبر انقلاب در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران توجه نموده و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را مبتنی بر سه اصل عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن دانسته‌اند. بنابراین در این مقاله دیدگاه رهبر انقلاب در مورد سیاست خارجی به آیات قرآن کریم مستندسازی می‌شود.





## مفهوم شناسی

### الف) معنای سیاست

برای سیاست معانی مختلفی ذکر شده است که تا (۲۰۰) معنا بالغ می‌شود. ولی در این جا بطور مختصر به چند نمونه اشاره می‌شود و جهت طولانی شدن بحث از ذکر بقیه خودداری می‌گردد. در یک معنا سیاست عبارت است از، «مجموعه تدابیری که حکومت به منظور اداره امور کشور اتخاذ می‌کند». خوب در اینجا مجموعه‌ی راه، روش و تدابیر حکومت برای اداره امور را سیاست نامیدند.

یا گفته شده است که «هر امری مربوط به دولت، مدیریت، تعیین شکل، مقاصد و چگونگی فعالیت دولت باشد از مقوله امور سیاسی است». (نگاه به مفهوم سیاست، ۲۱/۱۳۷۸). معنای دوم هم از جهاتی بامعنای اول موافق است اگرچه از عبارت و الفاظ باهم فرق دارند. سیاست از نظر رهبر انقلاب نگاه به حرکت عمومی جامعه و تشخیص جهت حرکت جامعه است، چنانچه ایشان می‌فرماید: «معنای سیاست فقط این نیست که انسان طرفدار زید و عمر باشد یا به‌عکس؛ سیاست، یعنی نگاه به حرکت عمومی جامعه که کدام طرف داریم می‌رویم، آیا به سمت هدف‌های داریم حرکت می‌کنیم یا زاویه گرفته‌ایم و داریم از هدف‌ها دور می‌شویم». (دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران، ۱۳۹۵/۵/۳۱).

در جای دیگر رهبر انقلاب سیاست را اداره‌ی جامعه می‌دانند آنجا که می‌فرمایند: «سیاست، یعنی اداره‌ی درست جامعه؛ این جز دین است». (دیدار اعضای ستادهای نماز جمعه، ۱۳۸۱/۵/۵). که معنای دومی را که رهبر انقلاب برای سیاست ذکر کردند، سیاست اسلامی است که در مقابل آن سیاست شیطانی است.



## ب) تعریف سیاست خارجی

قبل از پرداختن به بیان دیدگاه رهبر انقلاب در مورد سیاست خارجی جمهوری اسلامی و مستندهای قرآنی آن، شایسته است که سیاست خارجی تعریف شود. تا موضوع بحث روشن باشد. برای سیاست خارجی معانی مختلف ذکر شده است و برخی برای آن دو است معنا ذکر نمودند، منتها ما در این جا به چند معنا که به مقصود ما نزدیک است اشاره می‌کنیم؛ زیرا این نوشتار گنجایش پرداختن به آنها را ندارد.

از جمله، معنای که برای سیاست خارجی ذکر شده است معنای ذیل است که گفته شده است: سیاست خارجی عبارت است از یک استراتژی یا یک رشته اعمال از پیش طرح ریزی شده توسط تصمیم‌گیرندگان حکومتی که مقصود آن دستیابی به اهدافی معین، در چارچوب منافع ملی و در محیط بین‌المللی است. (مباحثی پیرامون سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی، ۱۳۵۸/۱۳۱-۱۳۲).

در این تعریف چند رکن برای سیاست خارجی ذکر شده است: یک اعمال از پیش طرح‌ریزی شده است، یعنی از قبل روی آن اعمال برنامه‌ریزی شده است. دوم هدف از این اعمال دستیابی به اهداف معین دانسته شده است. سوم این اهداف معین باید در چارچوب منافع ملی و در محیط بین‌الملل باشد، زیرا اگر در محیط بین‌الملل نباشد به آن سیاست خارجی صدق نمی‌کند. معنای دومی که برای سیاست خارجی گفته شده است، این می‌باشد که سیاست خارجی عبارت است از جهتی که یک دولت بر می‌گزیند و در آن از خود تحرک نشان می‌دهد و نیز شیوه‌ی نگرش دولت را نسبت به جامعه بین‌المللی سیاست خارجی آن دولت می‌گویند. (تجزیه و تحلیل در تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، ۱۳۷۵/۱۴۵).

این معنا از سیاست با معنای اول حداقل در لفظ و عبارات به کار رفته متفاوت است، چون در معنای اول به اعمال از پیش طرح‌ریزی شده تعریف شد، در حالی که در معنای دوم



جهت و نگرش دولت نسبت به جامعه بین‌الملل سیاست خارجی قلمداد شده است. به نظر ما هر دو معنا درست است، چون بین آنها تضاد وجود ندارد که قابل جمع نباشند.

**تبیین مستندات قرآنی دیدگاه مقام معظم رهبری در عرصه سیاست خارجی**  
رهبر انقلاب اسلامی با این که باید و نبایدهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی را تعیین می‌کنند و برای سیاست خارجی اهمیت زیاد قائل هستند، تعریف خاصی از سیاست خارجی ارائه نکرده‌اند؛ اما از بیانات و رهنمودها و هدایت‌گری‌های ایشان می‌توان دیدگاه ایشان در حوزه سیاست خارجی را فهمید و تعریف کرد.

### ۱- عزت ملی

از جمله مباحثی که رهبر انقلاب در سیاست خارجی در بیانیه گام دوم انقلاب مطرح نموده‌اند عزت ملی است ایشان در تبیین عزت ملی در سیاست خارجی می‌فرمایند: «عزت ملی روابط خارجی و مرزبندی با دشمن: این هر سه، شاخه‌های از اصل عزت، حکمت و مصلحت در روابط بین‌الملل‌اند». (بیانیه گام دوم).

بنابراین اصل عزت را که به‌عنوان شاخه‌ای از سه اصل عزت، حکمت و مصلحت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مطرح است، رهبر انقلاب از ارکان سیاست خارجی جمهوری اسلامی می‌داند و معتقدند که عزت ملی در سیاست خارجی حفظ شود.

ایشان می‌فرمایند: «ما بر اساس عزت اسلامی، عزت توحیدی و عزت ملت خود حرکت می‌کنیم». (دیدار مسئولان وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰/۴/۱۸). رهبر انقلاب بر اساس این بیانات مبنای حرکت خود را عزت اسلامی، توحیدی و عزت مردم می‌داند.

در بیانیه گام دوم آمده است: «از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد؛ و در همه حال، عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد و حکیمانه و مصلحت‌جویانه و البته از موضوع انقلابی، مشکلات قابل حل خود را با آنان حل کند. و در مورد آمریکا حل هیچ مشکلی متصور نیست



و مذاکره با آن جز زیان مادی و معنوی محصولی نخواهد داشت». (بیانه‌ی گام دوم). خوب رهبر انقلاب تهدیدهای دشمنان را پوچ می‌داند و به دولت مردان تأکید می‌کند که در همه عزت کشور و ملت را لحاظ کنند. به هر صورت رهبر حکیم انقلاب بر حفظ عزت ملی اصرار دارند که این خواسته‌ی اسلام و قرآن است. قرآن به مسلمین دستور می‌دهد که «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ». (آل عمران/۱۳۵).

در این آیه مؤمنین برتر دانسته شده‌اند و برای برتری آنها خداوند از ضعف و سستی و اندوه آنها را نهی فرموده است. رهبر انقلاب هم می‌فرماید: در سیاست خارجی از خود ضعف نشان ندهید و کاری نکنید که عامل ذلت مسلمانان شود.

اگرچه این آیه در مورد جنگ با کفار است ولی اولاً مورد مخصوص نیست. دوم، دیپلماسی در سیاست خارجی هم جهاد است، چنانچه در این مورد رهبر انقلاب می‌فرماید: «میدان دیپلماسی، میدان یک نبرد واقعی است، منتها نبردی که پشت میز و با لبخند و با گفتن صبح بخیر و شب بخیر انجام می‌گیرد!...». (دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۴/۱۹).

در جای دیگر می‌گوید: «دیپلماسی یک جنگ است، شما آن را به خوبی می‌دانید و آن را مثل جنگ‌های نظامی و برخوردهای اقتصادی که تاکتیک و عقب‌نشینی حمله و جابجایی و فریب‌جنگی دارد، لمس کرده‌اید، همه دیپلمات‌ها دنیا مشغول جنگند. ارزش تأثیر آن جنگ هم گاهی از جنگ‌های نظامی کمتر نیست، بلکه در مواردی هم بیشتر است، البته همیشه این‌گونه نیست. منظور من از جنگ یک مبارزه معمولی نیست که این کار همه دیپلمات‌هاست». (دیدار وزیر و مسئولان وزارت خارجه و رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، ۱۳۶۸/۵/۳۱).

پس این آیه هر نوع مبارزه با دشمن را در بر می‌گیرد. بنابراین از جمله مستندات دیدگاه رهبری در مورد حفظ عزت ملی در سیاست خارجی این آیه است. و رهبر انقلاب در مورد امام



خمینی می‌فرمایند: همت امام که رهبر این انقلاب و پیشوای این انقلاب بود، بر این گماشته شد که روح عزت ملی را در این مردم احیاء کند؛ عزت آنها را برگرداند. امام بزرگوار فرهنگ ما می‌توانیم را به دهان مردم انداخت و در دل آنها جایگزین کرد؛ این همان فرهنگ قرآنی است که فرمود: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ». (بیست و سومین سالگرد رحلت امام (ره)، ۱۳۹۱/۳/۱۴).

از منظر رهبر انقلاب باور داشتن به این که ما هم می‌توانیم پیشرفت و توسعه داشته باشیم و توان دست رسی به علم و تکنولوژی را داریم و اعتقاد بر این که ما توان نداریم نشانه‌ی حقارت است. رهبر انقلاب در معنای عزت ملی می‌فرماید: «معنای عزت ملی این است که جامعه و نظام اسلامی، در هیچ‌یک از برخوردهای بین‌المللی خود، نباید طوری حرکت کند که منتهی به ذلیل شدن اسلام و مسلمین شود. البته، ذلیل شدن غیر از ضعیف بودن است. ممکن است کسی ضعیف باشد، اما ذلیل نباشد». (دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۶۸/۱۱/۹). چنانچه خداوند در آیه‌ی مذکور از پذیرش سستی و ذلت منع می‌کند و ما را به دلیل ایمان به خدا برتر می‌داند، یعنی ما عزتمند هستیم.

در جای دیگر عزت ملی را این طور معنا می‌کنند «عزت ملی عبارت است از اینکه یک ملت در خود و از خود احساس حقارت نکند، نقطه‌ی مقابل احساس عزت، احساس حقارت است؛ یک ملت وقتی به درون، به سرمایه‌های خود، به تاریخ خود به موجودی انسانی و فکری خود، نگاه می‌کند، احساس عزت و غرور کند، احساس حقارت و ذلت نکند». (دیدار مردم کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۲).

پس اولین بحث در سیاست خارجی جمهوری اسلامی از منظر رهبر انقلاب حفظ عزت ملی است و عزت ملی آن است که مسئولین در برخورد با دیگران به گونه‌ی رفتار کنند که

موجب ذلت اسلام و مسلمین نشود. این سیاست رهبر انقلاب برگرفته از آیات قرآن کریم است. «أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ». (مانده/۵۴).

در این آیه خداوند سبحان در توصیف مؤمنین می‌فرماید: در مقابل مؤمنین ذلیل هستند که کنایه از تواضع آنها در برابر یکدیگر است. در برابر کفار عزتمند هستند که دقیقاً سخن رهبری هم برگرفته از همین آیه و آیات دیگر است. اینکه رهبر انقلاب می‌فرماید: در روابط بین‌الملل عزت ملی حفظ شود، مضمون این آیه و دیگر آیات قرآن کریم است؛ زیرا قرآن مسلمین را از پذیرش ذلت بر حذر داشته است.

در فرهنگ و منطق قرآن عزت از آن خدا، رسول خدا و مؤمنین است، ادعای عزت در غیر خدا، رسول و مؤمنین از روی جهل است «يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ». (منافقون / ۸).

در این آیه منافقین ادعای عزت دارند و مسلمانان را ذلیل می‌دانند، چون می‌گویند: عزتمندان افراد ذلیل را از مدینه اخراج می‌کنند که مراد از عزتمندان منافقان و از اهل ذلت مسلمین هستند، اما خدا می‌فرماید: عزت از آن خدا، رسول خدا و مؤمنین است، اما منافقان جاهل هستند خداوند عزیز دانستن منافقان و ذلیل خواندن مسلمانان از جانب منافقین را دلیل جهل آنها می‌داند.

در جای دیگر خداوند عزت را مخصوص خدا می‌داند و می‌فرماید: کسانی که عزت را در دوستی با غیر مؤمنین می‌دانند، غیر مستقیم آن را نفی می‌کند و می‌فرماید: عزت به یک‌باره از آن خدا است. «الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَيْبَتُّعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا». (نساء / ۱۳۹). کسانی که کفار را دوست انتخاب می‌کنند آیا از دوستی با کفار عزت را خواهان هستند، پس عزت به یک‌باره از آن خدا است. عزت مال خدا است اگر کسی به دنبال عزت است آن را باید از خدا و در ارتباط با خدا بخواهد.

پس حفظ عزت مسلمانان از سیاست خارجی اسلام و حکومت اسلامی است. حکومت اسلامی کارگزاران آن در برخورد با بیگانگان، وظیفه دارند که از عزت اسلام و مسلمین پاسداری کنند. رهبر انقلاب با توجه آیات قرآن بر حفظ عزت مسلمانان در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تأکید دارند.

## ۲- روابط خارجی

رهبر انقلاب در بیانیه‌ی گام دوم به داشتن روابط خارجی اشاره نموده است. چنانچه به آن اشاره شد.

ایشان در جای دیگر در مورد روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌فرمایند: «هیچ محدودیتی در چارچوب اصول برای ما در سیاست خارجی وجود ندارد». چنانچه ملاحظه می‌شود که رهبر انقلاب برای داشتن روابط خارجی در سیاست خارجی جمهوری اسلام ایران محدودیت قایل نیستند.

البته این روابط از منظر رهبر انقلاب در چارچوب اصول جمهوری اسلامی ایران مجاز است که از جمله اصول پذیرفته شده در سیاست خارجی جمهوری اسلامی استکبارستیزی و زیر بار زور نرفتن است. چنانچه در ادامه بیان فوق رهبر انقلاب می‌فرمایند: «ما هیچ گردن کلفتی و ژست ابرقدرتی را از هیچ کس قبول نمی‌کنیم. هر کس بخواهد برخورد قلدر مآب ابر قدرتی با ما حرف بزند، ما حرف او را به خودش بر می‌گردانیم» (۱۳۶۶/۲/۱۸).

در جای دیگری رهبر انقلاب می‌فرمایند: «ما راه تعامل و مذاکره و تبادل نظر و نشست و برخاست و معامله با هیچ کشوری در دنیا را جز همین رژیم صهیونیستی و آمریکا نسبتیم». (دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۸/۷/۴).



پس رهبر انقلاب معتقدند به داشت رابطه‌ی فعال با کشورهای جهان به جز آمریکا به دلیلی داشتن روحیه‌ای استکباری و رژیم‌ی صهیونیستی به خاطر تجاوز بر ملت مظلوم فلسطین و غصب سرزمین‌های اسلامی هست.

### ۳- مرزبندی با دشمن

از جمله موارد مطرح شده از جانب رهبر انقلاب در مورد سیاست خارجی جمهوری اسلامی مرزبندی با دشمن است. رهبر انقلاب در مورد مرزبندی با دشمن می‌گوید: «مرزبندی با دشمن به معنای این نیست که ما رابطه‌مان را قطع کنیم؛ توجه بکنید، مغالطه نکنند که شما می‌گویید: ما با همه‌ی دنیا دشمنیم؛ نه، مرزبندی کنید، مرزها مخلوط نشود». (دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۱۵).

«جمهوری اسلامی، متحجر و در برابر پدیده‌ها و موقعیت‌های نو به نو، فاقد احساس و ادراک نیست؛ اما به اصول خود بشدت پایبند و به مرزبندی با رقیبان بشدت حساس است. با خطوطی اصلی خود هرگز بی‌مبالاتی نمی‌کند و برایش مهم است که چرا بماند و چگونه بماند؟». (بیانه‌ی گام دوم، ۱۳۹۷).

مرزبندی با دشمن از منظر رهبر انقلاب عامل مصونیت نظام و انقلاب در مقابل جنگ نرم با دشمن است و ایشان باور دارند که غفلت از مرزبندی با دشمن موجب نفوذ، خدعه و تسلط دشمنان بر محیط‌های مجازی و فرهنگی است.

رهبر حکیم انقلاب می‌فرمایند: «یک مسئله‌ی دیگر که باز این را هم عرض کنیم، مرزبندی با دشمن برای مصونیت از تهاجم نرم است. یکی از کارهای بسیار لازم همین که ما نگذاریم مرزمان با دشمن کم رنگ بشود. اگر مرزبندی با دشمن نبود و مرز، برجسته نبود، عبور از این مرز چه از این طرف به آن طرف، چه از آن طرف به این طرف، ممکن می‌شود،





درست مثل مرزهای جغرافیایی، اگر مرز جغرافیایی نباشد و برجسته نباشد، خب از آن طرف یک نفری بلند می‌شود، می‌آید اینجا نفوذ پیدا می‌کند؛ آدم قاچاقچی، آدم دزد، آدم جاسوس از آن طرف می‌آید این طرف، از این طرف هم یک آدم غافل، آدم خواب آلوده از مرز عبور می‌کند می‌رود آنجا گیر می‌افتد مرز اعتقادی و مرز سیاسی هم عیناً همین جور است؛ وقتی که مرز روشن نبود، دشمن می‌تواند نفوذ کند، می‌تواند خدعه کند، می‌تواند فریبنده عمل بکند، می‌تواند بر فضای مجازی مسلط بشود. اگر مرز با دشمن روشن بود، تسلط او بر فضای مجازی، بر محیط فرهنگی به این آسانی نخواهد بود». (دیدار اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۹۷/۱۲/۲۳).

رهبر انقلاب در بیانیه‌ی گام دوم خطاب به ملت ایران می‌فرماید: «دولت جمهوری اسلامی باید، مرزبندی خود با دشمن را با آنها با دقت حفظ کند؛ از ارزش‌های انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند، از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد». (بیانیه‌ی گام دوم).

در بیان رهبر انقلاب هم بر مرزبندی با دشمن تأکید شده است. پس از جمله مواردی که رهبر انقلاب آن را از سیاست خارجی نظامی اسلامی می‌دانند مرزبندی با دشمن است که این دیدگاه رهبر حکیم و فرزانه انقلاب هم مستند با آیات قرآن است که قرآن کریم حضرت ابراهیم و قوم ایشان را الگو برای مؤمنین معرفی می‌کند و دلیل الگو بودن ابراهیم و قوم او را این می‌داند که با دشمن مرزبندی داشتند و از قوم خودش برائت جستند. «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ». یعنی ما از شما و آنچه غیر از خدا می‌پرستید، بیزاریم. این معنای مرزبندی با دشمن است، سیاست ما حرکت ما بر مبنای توحید و خدامحوری است و به شما اقتدا نمی‌کنیم «كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ». کافر شدیم بشما، یعنی می‌گویند بایشان که ما انکار کردیم دین شما را و انکار کردیم معبود شما را و ظاهر شد بین ما و بین شما دشمنی و خصومت همیشگی، پس میان ما موالاتی در دین نمی‌باشد.



در صدر سوره‌ی ممتحنه آمده است که «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمُودَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ». ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید! شما نسبت به آنان اظهار محبت می‌کنید، در حالی که آنها به آنچه از حق برای شما آمده کافر شده‌اند.

این آیات سیاست خارجی اسلام را بیان می‌کنند و اینکه رهبر انقلاب به مرزبندی با دشمن در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تأکید دارند برگرفته از این آیات است. قابل یادآوری است که آیات زیادی بر مرزبندی با دشمن دلالت دارند ولی به جهت عدم گنجایش این نوشتار از ذکر آنها صرف نظر می‌شود.

#### ۴- عدم اعتماد به دشمن

رهبر انقلاب معتقدند که در سیاست خارجی اعتماد به دشمن خطا است، دشمن اهل نیرنگ و خدعه و فریب است. چنانچه ایشان می‌فرمایند: «به ظالم اعتماد نکنید. نتیجه‌ی اعتماد کردن به ظالم همین می‌شود که شما می‌بینید دولت‌های مسلمان، مجموعه‌های اسلامی به ظالم‌ترین عناصر عالم اعتماد می‌کنند و نتیجه‌اش را دارند مشاهده می‌کنند و می‌بینند». (سخنرانی تلویزیونی در پایان محفل انس با قرآن کریم، ۱۳۹۹/۲/۶).

در جای دیگری فرمودند: «هر ملت و دولتی به آمریکا اعتماد کند ضربه خواهد خورد حتی اگر از دوستان آمریکا باشد، تصریح کردند: توصیه‌ی قبلی خود را یک بار دیگر تکرار می‌کنم؛ نباید به دشمنی که لبخند می‌زند، اعتماد کرد». (دیدار دانش آموزان و دانشجویان، ۱۲/آبان/۱۳۹۲).

«این توصیه‌ی قبلی خودمان را بازهم تکرار می‌کنیم: به دشمنی که لبخند می‌زند، اعتماد نکنید؛ این را ما به مسئولینمان، به بچه‌های خودمان، فرزندان خودمان، این‌هایی که در مسئله‌ی

دیپلماسی مشغول کار هستند، بچه‌های ما، جوان‌های خود ما، توصیه می‌کنم، توصیه می‌کنم، توصیه می‌کنم، توصیه می‌کنم؛ به این‌ها این است: مراقب باشید، لبخند فریبگرانه شما را دچار اشتباه نکنند، دچار خطا نکنند؛ ریزه‌کاری‌های کار دشمن را ببینید». در ابتدای دولت یازدهم، ۱۳۹۲/۸/۱۲). به هر صورت از سیاست‌های رهبر انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران عدم اعتماد به دشمن است که بارها و بطور مکرر رهبر انقلاب آن را تبیین نمودند.

رهبر انقلاب در بیانیه‌ی گام دوم می‌فرماید: «سردمداران نظام سلطه نگراند، پیشنهادهای آنها عموماً شامل فریب و خدعه و دروغ است. امروز ملت ایران علاوه بر آمریکای جنایت‌کار، تعدادی از دولت‌های اروپایی را نیز خدعه‌گر و غیر قابل اعتماد می‌داند». (بیانیه‌ی گام دوم). خوب همچنانکه مشاهده می‌شود رهبر انقلاب در این بیان زیبا که بخشی از بیانیه‌ی گام دوم انقلاب است عدم اعتماد ملت ایران به آمریکا و اروپا را به دلیل فریب‌کاری و نیرنگ‌بازی آنها می‌داند.

در قرآن کریم آیات زیادی دلالت بر عدم اعتماد به دشمن دارند که به چند نمونه اشاره می‌شود «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةَ مَنْ دُونِكُمْ لَا یَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُوَا مَا عٰتٰتُمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ اَفْواهِهِمْ وَ مَا تُخْفِیْ صُدُورُهُمْ اَكْبَرُ». (آل عمران / ۱۱۸). در این آیه خداوند مؤمنین را مخاطب قرار داده است و از آنها می‌خواهد که دشمنان خویش را مورد اعتماد قرار ندهند و به آنها مشورت نکنند، چون از هیچ خیانتی در مورد شما دریغ نخواهند نمود، دوست دارند که شما را در رنج ببینند و گاهی آثار کینه و دشمنی از دهان آنها ظاهر و آشکار می‌شود و آنچه در سینه‌های پنهان می‌کنند بزرگ‌تر است. این آیه به روشنی بر عدم اعتماد به دشمن و دلایل آن دلالت دارد که بر اهل خرد و اندیشه آشکار است.

رهبر انقلاب بعنوان یک فقیه و اسلام‌شان به درستی این آیات را در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تبیین نموده و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر این

نمودند و مستند سخنان ایشان در عدم اعتماد به لبخند دشمن این آیات است که تجزیه و تحلیل بیشتر آنها در توان این مقاله نیست. «وَ إِذَا لَقَوْكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْعَضُوا عَلَيْكُمْ الْأَنَامِلَ مِنَ الْعَيْظِ». (آل عمران / ۱۱۹).

دشمن وقتی با شما صحبت می کند لبخند می زند و سخنان شما را تصدیق می کند ولی فریب این تصدیق و لبخند را نخورد و به آن اعتماد نکنید، وقتی خلوت می کنند و از شما دور می شوند از قهر و غضب انگشتان شان را می گزند آیا دلالت این بر عدم اعتماد به دشمن جای تردید باقی می گذارد؟ آیا اینکه رهبر انقلاب بر عدم اعتماد به دشمن را در سیاست خارجی تأکید می کنند برگرفته از این آیات نیست؟ آیا در اینکه مستند سخنان رهبر انقلاب در مورد عدم اعتماد به لبخند دشمن مستند به این آیه ی قرآن نیست؟ «إِنْ تَسْأَلْكُمْ حَسَنَةً تَسْأَلْهُمْ وَإِنْ تُصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا». (آل عمران/۱۲۰). دشمن خوبی شما را نمی خواهد بلکه از رنج و مشقت شما خوشحال است. فریب شعارهای غرب به خصوص آمریکا را نخورید، آمریکا خیر خواه شما نیست. این سخن خدا است.

پس فرموده ی رهبر انقلاب مبنی بر عدم اعتماد به دشمن مستند به آیات قرآن کریم است. «وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ». (هود/۱۱۳). در این آیه خداوند متعال بر عدم اعتماد به دشمن تصریح نموده است و نتیجه اعتماد به دشمن را جز ضرر و زیان چیزی دیگری نمی داند، چنانچه رهبر انقلاب فرمودند: «هر ملت و دولتی به آمریکا اعتماد کند ضربه خواهد خورد، حتی اگر از دوستان آمریکا باشد». (دیدار دانش آموزان و دانشجویان، ۱۲ / آبان / ۱۳۹۲).

قرآن: هم می فرماید: نتیجه ی اعتماد به ظالم آتش است. بحث عدم اعتماد به دشمن را در سیاست خارجی در همین جا به پایان می بریم؛ زیرا گنجایش بیش از این در این نوشتار وجود ندارد.



## ۵- پرهیز از تشنج در روابط با کشورها غیر متخاصم

رهبر انقلاب بر پرهیز از تشنج در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای غیر متخاصم تأکید دارند، چنانچه در ذیل بندی (۳۱) از سیاست‌های کلی نظام ابلاغی رهبر انقلاب اسلامی می‌فرمایند: «ثبات در سیاست خارجی بر اساس اصول: عزت، حکمت و مصلحت و تعقیب هدف‌های زیر: گسترش همکاری‌های دو جانبه و منطقه‌ای و بین‌المللی. ادامه پرهیز از تشنج در روابط با کشورهای غیر متخاصم».

رهبر ضمن اینکه معتقدند، ثبات در سیاست خارجی بر اساس سه اصل مذکور باشد، اهدافی را در سیاست خارجی پیگیری نمود که از جمله‌ی این اهداف دوری کردن از تشنج در روابط با کشورهای غیر متخاصم است. «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ». (عنکبوت/۴۶).

البته این آیه در مورد صحبت و گفتگو با اهل کتاب است ولی می‌شود از آن پرهیز از تشنج را در روابط دولت‌های غیر متخاصم استفاده نمود؛ زیرا در همین آیه جدال احسن با ظالمین از اهل کتاب را استثنا می‌کند و با اهل کتاب جدال احسن داشته باشید، مگر ستمکاران آنها که جدال احسن با آنها را شایسته نمی‌داند. «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ». (ممتحنه/ ۸).

رهبر انقلاب در تفسیر این آیه می‌فرمایند: «جهاد در اسلام برای تحمیل عقیده نیست، برای مبارزه با کسانی است که انسان‌ها را به بردگی می‌کشند، جهاد اسلام جنگ با ملت‌ها نیست؛ بلکه جنگ با قدرت‌های ستمگر و ظالم است... در ادامه می‌فرمایند: این دستور قرآن است با کفار، با کسانی که با شما هم عقیده نیستند، اما به شما تجاوز نکردند؛ تعرض نکردند، تعدی نکردند؛ با شما ظالمانه برخورد نمی‌کنند، به اینها اعمال قسط کنید، نیکی کنید». (دیدار دست‌اندرکاران ستاد اقامه‌ی نماز، ۱۳۸۵/۶/۲۷).



خداوند متعال در این آیه داشتن روابط نیک و حسنه با کسانی را که به شما متخاصم ندارند، منع نمی‌کند. اگر کفار به جامعه‌ی اسلامی ضرر نمی‌رسانند و بر علیه مسلمین توطئه نمی‌کنند، خداوند از داشتن رابطه‌ی مسالمت‌آمیز با آنها شما را باز نداشته است.

به هر صورت این آیه از آیاتی است که بر پرهیز از تشنج با کشورهای غیر متخاصم دلالت می‌کند. در واقع این آیه بخشی از سیاست خارجی اسلام را تبیین می‌کند. «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا». (انفال / ۶۱). «اگر آنها به ترک جنگ و آشتی کردن، تمایلی نشان دهند، تو هم تقاضای صلح را بپذیر و به آن تمایل باش و کار خود را بخدا واگذار». (مجمع‌البیان، ۲۵۲/۱۰/۱۳۶۰).

این آیه دلالت برداشتن روابط مسالمت‌آمیز و دوری از تشنج با افراد غیر متخاصم و کشورها غیر محارب دارد، چون می‌فرماید: در صورتی داشتن تمایل به صلح و آشتی از جانب کفار تو هم به آن تمایل داشته باش. پس اسلام از داشتن روابط حسنه با کفار نه تنها نهی نمی‌کند بلکه اگر آنها علاقمند باشند به داشتن روابط حسنه با مسلمین، اسلام هم به آن تشویق می‌کند و رهبر انقلاب هم به پرهیز از تشنج در روابط خارجی با کشورهای غیر متخاصم دستور می‌دهند و آن را از اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌دانند که برگرفته از این آیات است.

رهبر انقلاب می‌فرماید: «آن کفاری که با شما مسئله و دعوا و سابقه‌ی سویی ندارند و به شما ظلم نکردند و اخراجتان نکردند، شما می‌توانید با آنها ارتباط حسنه داشته باشید». (دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۶۸/۱۱/۹).

#### ۶- حمایت از مسلمانان و ملت‌های مظلوم و مستضعف

یکی از مباحث ذیل بند (۳۱) سیاست‌های کلی نظام ابلاغی از سوی رهبر انقلاب حمایت از مسلمانان و ملت‌های مظلوم و مستضعف به‌ویژه ملت فلسطین است. از اصول مسلم و پذیرفته



شده در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و دیدگاه رهبر انقلاب که بارها و در موارد گوناگون آن را مورد تأکید قرار داده‌اند حمایت و دفاع از مستضعفان جهان است. ایشان می‌فرمایند: «سیاست نه شرقی و نه غربی حمایت از مستضعفان و مظلومان، دفاع از وحدت و حرکت بزرگ امت اسلامی و فائق آمدن بر عوامل اختلاف و دوگانگی مسلمین در سطح جهان و مجاهدان... از خطوط اصلی برنامه‌های ماست». (پیام به حجاج بیت‌الله الحرام، ۱۴/۴/۱۳۶۸). رهبر انقلاب در این بیانات چند چیز از جمله دفاع از مستضعفان و مظلومان جهان را از خطوط اصلی نظام می‌داند.

و در جای دیگر رهبر انقلاب می‌فرماید: «ما برای مقابله با توطئه‌های استکبار، نسبت به این کشور و این منطقه و همه‌ی ملت‌های مستضعف، وظایف و تکالیف بسیاری داریم که باید آن‌ها را انجام دهیم». (سالگرد قیام نوزدهم دی‌ماه، ۱۹/۱۰/۱۳۶۹).

چنانچه ملاحظه می‌شود رهبر حکیم انقلاب مقابله با توطئه استکبار نسبت به مردم ایران، منطقه و همه‌ی مستضعفان را از وظایف و تکالیف خود می‌داند. بازهم از بیانات رهبر انقلاب است که می‌فرماید: «آن اسلامی هم که طبقان مستضعف و محروم به آن امیدوار نشوند و دل ندهند، اسلام نیست. اسلامی که نتواند آرزوهای خفته و فرو کشته‌ی قشرهای مظلوم را در سطح دنیا نه فقط در سطح کشور خودمان، زنده و احیا کند، شک کند در این که این دین اسلام باشد». (سالروز میلاد امام حسین (ع) و روز پاسدار، ۱۰/۱۲/۱۳۶۸).

در پیام به حجاج بیت‌الله می‌فرماید: «از جمله خطاهای بزرگی که همیشه می‌شنفتیم، حالاهم گاهی از بعضی از زبان‌های بی‌مبالات نسبت به حقایق اسلامی صادر می‌شود، این است که حج را سیاسی نکنید! یعنی چه سیاسی نکنید؟ آنچه ما در حج لازم داریم از امور سیاسی، عین اسلام است؛ ... ما اگر در حج از ملت فلسطین یا مظلومین دنیای اسلام مثل مظلومین یمن و دیگران دفاع می‌کنیم و حمایت می‌کنیم، البته این یک سیاسی است اما سیاستی عین تعالیم



اسلامی، دفاع از مظلوم خودش یک فریضه است، یک واجب است، این واجب اتفاق می افتد. یا برائت از مشرکین؛ اگر چنانچه روی مسئله ای برائت تکیه می کنیم و اصرار می ورزیم و آن را انجام می دهیم که باید به بهترین وجهی ان شاء الله همه ساله انجام بگیرد، این به خاطر این است که یک فریضه ی اسلامی است...». دیدار کارگزاران حج، ۱۲/۴/۱۳۹۸).

چنانچه ملاحظه می شود رهبر انقلاب دفاع از مظلوم را واجب می دانند و کسانی را که با دفاع از مظلومین و مستضعفین در ایام حج مخالفت می کنند، مورد عتاب قرار می دهد و معتقد است که انجام این امور در حج لازم است و مسائل سیاسی مطرح شده در ایام حج را عین دین می دانند.

هرچند در این مورد سخن از رهبر انقلاب زیاد است ولی این نوشتار گنجایش همه ی سخنان رهبر انقلاب ندارد. آنچه در اینجا مهم است بیان مستندهای قرآنی دیدگاه رهبر انقلاب در مورد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است.

قرآن کریم حمایت از مظلومین و مستضعفین در برابر ستمگران و ظالمین را وظیفه ی مسلمانان می داند و از آنها می خواهد به دفاع از مظلوم به پا خاسته و آنها را مورد حمایت قرار دهند و در این مورد کوتاهی نکنند و با کلمه ی (مالکم) مسلمانان را مورد سرزنش قرار می دهد که چرا وقتی فریاد مستضعفین را شنیدید به یاری آنها برخواستید؟ در این مورد بیان رسای علی (ع) دارند که در آخرین ساعات عمر شریف خویش از حمایت مظلوم و دشمنی با ظالم سخن راندند و خطاب به فرزندانش فرمودند: «وَكُونُوا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَّ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا». دشمن ظالم و یار مظلوم باشید (نهج البلاغه نامه ۴۷).

آنچه از اطلاق این عبارت بر می آید، این است که در دفاع از مظلوم و دشمنی با ظالم، مذهب، دین، قوم و جغرافیای مطرح نیست. در بیان قرآن کریم ملاک و معیار این است که ظلم نسبت کسی صورت گرفته باشد، در این صورت وظیفه ی همگانی ما است، حمایت از





ملت وظیفه‌ی هر مسلمان است و سیاست خارجی اسلامی بر دفاع از هر کسی است عنوان مظلوم و مستضعف بر آن اطلاق شود.

برای نمونه به یک آیه‌ی قرآن اشاره می‌شود «وَمَا لَكُمْ لَأْتِقَاتُوهٖ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا». (نساء/۷۵). وقتی انسان این آیه را می‌خواند و احوال مسلمانان و دولت‌های اسلامی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد، تنش می‌لرزد، چون تنها چیزی که برای آنها مهم نیست شنیدن فریاد مستضعفین است، دولت‌های اسلامی به جای یاری ملت مظلوم فلسطین برای عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی مسابقه دارند و افتخار می‌کنند که با استکبار جهانی متحد هستند.

در حالی که قرآن کریم می‌فرماید: چه شده است شما را و چه مانعی وجود دارد که در راه خدا و در راه نجات مستضعفان جهاد نمی‌کنید؟ در حالی که آنها طلب یاری و نصرت دارند. آیا این آیه مخصوص مسلمانان و مستضعفان صدر اسلام است؟ یا عام بوده و مستضعفان را در هر عصر و زمانی شامل است؟ آیا مسلمانانی که در مقابل تجاوز و تعدی رژیم صهیونیستی بر ملت مسلمان و مظلوم فلسطین سکوت کرده‌اند و یا حتی دست دوستی به سوی رژیم غاصب صهیونیستی دراز می‌کنند از مخاطبان مورد سرزنش در این آیه نیستند؟ و آیا جمله «و مالکم» چه مانع وجود دارد که به یاری مسلمانان مظلوم و مستضعف نمی‌شتابید، متوجه آنها نیست؟

علامه طباطبایی می‌گوید: «در این آیه شریفه تحریک و تهییجی است برای تمامی مؤمنین، چه آنهایی که ایمانشان خالص است و چه آنهایی که ایمانشان ضعیف و ناخالص است، اما آنهایی که ایمانشان خالص و دل‌هایشان پاک است، برای به حرکت در آمدنشان به سوی قتال همان یاد خدای عز و جل کافی است، تا برای اقامه حق، و لیبیک گفتن به ندای



پروردگارشان، و اجابت دعوت داعی او، به پا خیزند، و اما آنهایی که ایمانشان ناخالص است، اگر یاد خدا تکانشان داد که هیچ، و اگر یاد خدا کافی نبود این معنا تکانشان می‌دهد که اولاً این قتالشان قتال در راه خدا است، و ثانیاً قتال در راه نجات مشتی مردم ناتوان است، که به دست کفار استضعاف شده‌اند، و خلاصه کلام این که آیه شریفه به این دسته از مردم می‌فرماید اگر ایمان به خدایتان ضعیف است، حداقل غیرت و تعصب که دارید، و همین غیرت و تعصب اقتضا می‌کند از جای برخیزید و شر دشمن را از سر یک مشت زن و بچه و مردان ضعیف کوتاه کنید». (طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۴: ۴/ ۶۷۲).

و قابل توجه کسانی که بر سیاست جمهوری اسلامی ایران در دفاع از ملت مظلوم فلسطین و دیگر مستضعفان جهان خرده می‌گیرند، قرآن می‌فرماید چرا چه شده است شما را که در راه خدا. و در راه مستضعفان جنگ نمی‌کنید؟ آیا سیاست خارجی جمهوری اسلامی در دفاع از مظلومین قابل ستایش است یا قابل نیکویش؟ بدون شک بر پیروان قرآن است که از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دفاع نموده و آن را ستایش کنند و سکوت کنند و یا دراز کنندگان دست دوستی به سوی ستمکاران را نیکویش نمایند، چون قرآن آن را نیکویش کرده است.

## ۷- استکبارستیزی و مقابله با افزون‌خواهی

از جمله مواردی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و هم در بیانات رهبر انقلاب و در سیاست‌های کلی نظام ابلاغی از سوی رهبر انقلاب، در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به آن پرداخته و تأکید شده است، استکبارستیزی، عدم سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و مقابله با افزون‌خواهی و اقدام متجاوزانه در روابط خارجی است، چنانچه در اصل (۱۵۲ و ۱۵۴) قانون اساسی آمده است و در مقدمه به آن اشاره گردید.



رهبر انقلاب می‌فرماید: «آنچه ما با آن مخالفیم، عبارت است از حاکمیت ظلم و طغیان و استکبار؛ آمریکا که می‌گوییم، یعنی این، مخصوص آمریکا هم نیست. امروز البته قلّه‌ی طغیان و استکبار و طاغوت، آمریکا است که در واقع در دست صهیونیست‌ها نه دولت صهیونیستی؛ در دست ثروتمندان و کمپانی دارهای صهیونیست، دارد می‌چرخد. هر کشور دیگری هم همین رفتار را داشته باشد، این طور است ما با هیچ ملّتی به عنوان ملّت مخالفتی نداریم؛ با هیچ نژادی، با هیچ ملّتی، ما با استکبار مخالفیم، با ظلم مخالفیم، با طغیان علیه ارزش‌های انسانی و الهی مخالفیم. امروز آمریکا مظهر اینها است؛ مظهر ظلم است، مظهر استکبار است، لذا است که در دنیا هم منفور است.» (دیدار مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۹۸/۱۱/۲۹).

همچنانکه ملاحظه می‌شود رهبر انقلاب دلیل مخالفت با آمریکا را ظلم و طغیان آن می‌داند و معتقد است که هرکسی ظلم کند ما با آن مخالف هستیم دلیل مخالفت آمریکایی بودن یا اروپایی بودن نیست، بلکه ظالم بودن است که آمریکا سبب آن است. در بیان دیگر ایشان آمده است:

«اینکه ما راجع به مسائل خارجی و سیاست خارجی و استکبار و نمی‌دانم از این حرف‌های مکرر می‌گوییم، تکرار می‌کنیم در حرف‌های عمومی، در حرف‌های خصوصی، این به خاطر این است. نه اینکه ما با ارتباط با فلان کشور حالا کشور اروپایی، کشور آسیایی، آفریقایی، مخالفیم نه آنهایی که با بنده کار کردند می‌دانند بنده هیچ مخالفت که ندارم بلکه از اول مشوق این جور ارتباطات بودم...» (دیدار عیدانه جمعی از مسئولان کشور، ۱۳۹۵/۱/۲۴).

خلاصه‌ی کلام رهبر انقلاب این است که ما با داشتن روابط با کشورها مخالف نیستیم بلکه با ظلم و استکبار مخالف هستیم.

در قرآن هم سلطه‌گری نفی شده است و هم سلطه‌پذیری، چنانچه می‌فرماید: «لَا تَطْلُبُونَ  
 وَلَا تُظْلَمُونَ». (بقره/ ۲۷۹). خداوند متعال بر مبنای این آیه ستمگری و ستم‌پذیری را نفی نموده

است. اگرچه این آیه در مورد ربا است ولی می‌شود از آن یک حکمی کلی استخراج نمود و نتیجه گرفت که هر نوع ستمگری و ستم‌پذیری در اسلام نفی شده است، چنانچه آیت‌الله مکارم می‌گوید: «جمله «لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» گرچه در مورد رباخواران آمده ولی در حقیقت یک شعار وسیع پرمایه اسلامی است که می‌گوید: به همان نسبت که مسلمانان باید از ستمگری به پرهیزند از تن دادن به ظلم و ستم نیز باید اجتناب کنند، اصولاً اگر ستم کش نباشد ستمگر کمتر پیدا می‌شود و اگر مسلمانان آمادگی کافی برای دفاع از حقوق خود داشته باشند کسی نمی‌تواند به آنها ستم کند باید پیش از آنکه به ظالم بگوییم ستم مکن به مظلوم بگوییم تن به ستم مده». (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴/۵/۳۷۷).

از دیگر آیات قرآن که می‌شود با آن بر عدم پذیرش سلطه‌ی سلطه‌گران در سیاست خارجی مورد استناد قرار آیه ۱۴۱ سوره نساء است «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا». در این خداوند سبیل برای کافران بر علیه مؤمنان قرار نداده است. اگرچه در معنای این آیه بین مفسرین اختلاف است ولی علامه جوادی آملی می‌فرماید: «اگر اراده تشریحی مراد باشد، مضمون این جمله مخصوص دنیا خواهد بود؛ زیرا در قیامت مجال تشریح نیست. اما در صورت اراده تکوینی، مصداق کامل آن قیامت است؛ ولی در دنیا اگر مسلمانان با دو عنصر توحید مداری و وحدت محوری زندگی کنند، مصداق آیه‌ی مزبور خواهند بود». (جوادی آملی، تسنیم، ۱۳۹۸/۲۱/۱۷۵).

«مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ». (فتح / ۲۹) از خصوصیات مؤمنین ایستادگی در مقابل ظلم است با کفار به شدت در ستیز است، مراد هر کافری نیست بلکه مقصود کفاری است که طغیان می‌کنند، ستمگر و ظلم پیشه‌اند. به دنبال سلطه‌گری هستند، زیرا در آیه ۸ ممتحنه خواندیم که اگر کفاری که با شما در ستیز نیستند، شما را از شهر و دیارتان اخراج نمی‌کنند و علیه دین شما توطئه نمی‌کنند، خداوند شما را از نیکی به آنها منع

نکرده است. که از جمع این دو آیه نتیجه گیری می شود که مراد از کفاری که محکم ایستادند در مقابل آنها از اوصاف اهل ایمان است، کفاری هستند که علیه مسلمین ستم روا می دارند و قصد سلطه بر آنها را دارند. بعد می فرماید: در بین خود مهربان هستند.

پس اینکه رهبر انقلاب مقاومت و ایستادگی در مقابل استکبار و مقابله با زیاده خواهی و اقدام متجاوزانه در روابط خارجی را از اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی می دانند، ریشه در قرآن دارد که نمونه ای قرآنی آن همین آیه است. «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا». (قصص/۸۳). خداوند در این به کسانی که ستم و ظلم می کنند غیر مستقیم می فهماند که آنها از بهشت محروم هستند؛ زیرا اگر آنها محروم نبودند قرار دادن بهشت برای کسانی که گردن فرازی و فساد را اراده نکردند، معنا ندارد. البته آنچه از این آیه استفاده می شود بلکه صریح در آن است، این می باشد که حتی اگر مرتکب فساد نشده باشد، همین که قصد فساد و طغیان را داشته باشد، از بهشت محروم می شود، چون می گوید: «لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا». اراده ی برتری طلبی و فساد نداشته باشند.

علامه طباطبایی در تفسیر «علوا و فسادا». می گوید: «منظور از گردن فرازی این است که: بر بندگان خدا استعلا و استکبار بورزند، و منظور از فساد انگیزی این است که: خواستار گناهان و نافرمانی خدا باشند، چون خدای تعالی شرایعش را، که انسان ها را به آنها مکلف فرموده، بر اساس آنچه که فطرت و خلقت آنان اقتضاء دارد بنا نهاده، و فطرت انسان تقاضا ندارد مگر آن کار و آن روشی را که موافق با نظام اتم و احسن در حیات زمینی انسانهاست، پس هر معصیتی، بی واسطه و یا با واسطه در فساد این زندگی اثر دارد». (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴/۱۶/۱۲۰).

آیت الله مکارم می گوید: «نه تنها برتری جوی و مفسد نیستند که «اراده» آن را نیز نمی کنند، قلبشان از این امور پاک، و روحشان از این آلودگی ها منزّه است. آنچه سبب



محروریت انسان از مواهب سرای آخرت می‌شود در حقیقت همین دو است، برتری جویی (استکبار) و فساد در زمین که همه گناهان در آن جمع است، چرا که هرچه خدا از آن نهی کرده حتماً برخلاف نظام آفرینش انسان و تکامل وجود بوده، بنابراین ارتکاب آن نظام زندگی او را بر هم می‌زند لذا مایه فساد در زمین است. حتی مسئله استعلاء و برتری جویی خود یکی از مصادیق فساد در ارض است، ولی اهمیت فوق‌العاده آن سبب شده است که به خصوص مطرح گردد». (نمونه، ۱۷۸/۱۶/۱۳۷۴).

خوب به هر صورت معنای هرچه که باشد، از ظاهر آن مبارزه و مقابله با استکبار به عنوان یک وظیفه برای امت و دولت اسلامی، قابل استخراج نیست برخلاف آیات قبل که وظیفه‌ی مسلمین و حکومت اسلامی را در برخورد با استکبار تعیین می‌کنند.

«یا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ». (توبه / ۷۳). قرآن کریم در این آیه به پیامبر اکرم (ص) خطاب می‌کند با کفار و منافقین جهاد کن و بر آنها سخت‌گیری کن. آنچه قابل توجه است این است که در این آیه از کلمه جهاد استفاده شده است نه از کلمه قتال و دلیلی آن این است که قتال مختص به جنگ و جهاد مسلحانه است ولی جهاد عام است و هر نوع رودرروی با کفار و دشمنان را در بر می‌گیرد.

اگرچه مفسرین در تفسیر این آیه اختلاف دارند ولی به نظر ما این آیه از آیاتی است که بر مقابله با متجاوزان و قلدران و زورگویان دلالت دارد و وظیفه‌ی مسلمین در برخورد با استکبار و ستم‌پیشگان را تعیین می‌کند. از نظر قرآن نه تنها با ستمگر سازش روا نیست بلکه مسلمان مکلف به جهاد است.

«إِنَّمَا يَنْهَاكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ». (ممتحنه/۹). خداوند متعال از دوستی با کسانی که مشخصات مذکور در آیه مبارکه را دارند منع می‌کند. اول اینکه تنها مخالف اعتقادی شما



نیستند بلکه به خاطر دینتان با شما می‌جنگند و شما را از شهر و دیارتان بیرون می‌رانند و یا با کسانی که شما را از سرزمین تان بیرون می‌رانند همکاری می‌کنند. شما منع شده‌اید از دوستی با این افراد که به دنبال سلطه هستند، چه سلطه‌ی فرهنگی باشد و یا سلطه بر سرزمین و خاک تان. اگر با آنها دوست شدید بدانید که شما هم ظالم و ستمگر به حساب می‌آید. «وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ». مسلمان از داشتن رابطه‌ی ولای با کفار منع شده است و در این آیه کسانی را که با کفار سلطه‌گر دوستی برقرار می‌کنند، ظالم قلمداد نموده است. پس بر اساس این آیه حکومت اسلامی و ملت‌های مسلمان وظیفه دارند که با رژیم صهیونیستی و با کسانی که با این رژیم همکاری می‌کنند، مقابله کنند نه این که با آنها دوست شوند و افتخار کنند که توانسته‌اند با آمریکا و رژیم صهیونیستی رابطه برقرار کنند و آمریکا با آنها دوست است. اگرچه داشتن رابطه‌ی مسالمت‌آمیز با کفار و کسانی که با مسلمانان هم عقیده نیستند، ممنوع نیست ولی با سلطه‌گرو متجاوز ممنوع است. پس اگر رهبر انقلاب می‌گویند که ما با ظلم و طغیان مخالف هستیم، مستند به این آیه و آیات دیگر قرآن کریم است.

«وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَتِمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ». و اگر برخلاف قسم‌ها و عهدهایی که بسته بودند رفتار کردند و رخنه کردند و طعنه زدند در دین شما پس مقاتله کنید با پیشوایان کفر محققاً آنها پایبند به قسم و عهد خود نیستند، شاید در اثر مقاتله دست از پیمان شکنی و نقض عهد و رخنه در دین و اعتقادات شما و از ایجاد شبهه بردارند. باره در این مقاله اشاره شد که جنگ با کفار و مقابله با آن از جهت کفر آن نیست بلکه اگر قرآن دستور جهاد و ستیز و نبرد با کفار را صادر می‌کند و دستور به جهاد داده است، به جهت سلطه‌گری و خوی استکباری و نقض عهد و پیمان است که آنها مرتکب می‌شوند.



در اطبیب البیان آمده است که «وَطَعْنُوا فِي دِينِكُمْ» طعنه نیزه را گویند که سوراخ می کند بدن را و طعن در دین القاء شبهه است در قلوب مؤمنین و رخنه در دین است که امروز مبلّغین سوء نسبت بضعفاء اهل ایمان دارند و از این آیه استفاده می شود که واجب است با اینها مقاتله نمود بالخاص کسانی که در شئون ائمه القاء شبهه می کنند. «فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ» رؤساء کفار که بقیه کفار تابع آنها هستند «إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ» پای بند به هیچ قرارداد و عهد و قسم نیستند «لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ» از ترس شمشیر دست از مخالفت بردارند و رخنه در دین نکنند و برخلاف عهد و یمین قیام نکنند و لو اینکه ایمان نیاورند و اسلام اختیار نکنند و سرگذشت که تعبیر بلعل در کلام الهی بمعنی ترجیحی نیست، بلکه بمعنی ینبغی است که سزاوار است که منتهی شوند» (اطبیب البیان، ۱۳۷۸/۶/۱۸۵)

آنچه که در بیانات رهبر انقلاب بارها به آن اشاره گردید، این است که کافر به خاطر کافر بودنش قابل مجازات نیست بلکه از این جهت به آن مبارزه و مقابله رواست که طغیانگری و ستم پیشگی می کند و اگر خوی استکبار نداشته باشد و مستکبر نباشد، مبارزه و ستیز با آن روا نیست، چون زندگی مسالمت آمیز با آن ممکن است. در این مورد علامه جوادی آملی بیان زیبایی دارند. ایشان می فرمایند: «در عین حال که در سوره مبارکه «ممتحنه» رابطه با کافران را امضاء کرده است، در سوره «توبه و انفال» رابطه با مستکبران را امضاء نکرده است، چون با کافران زندگی مسالمت آمیز ممکن هست، زیرا وی گرچه اصول الهی را نمی پذیرد، اصولی انسانی را می پذیرد، اما مستکبر نه اصولی الهی را می پذیرد و نه اصول انسانی را. خوی استکباری پیمان شکنی است، از این رو قرآن در عین حال که فرمود شما می توانید با کافران زندگی مسالمت آمیز داشته باشید، خواسته است با مستکبران همواره در نبرد باشید؛ زیرا خوی آنها نقض عهد است». (روابط بین الملل در اسلام، ۱۳۸۸/۱۷۱).



پس این که رهبر انقلاب استکبارستیزی و مقابله با افزون‌خواهی و اقدام متجاوزانه در روابط خارجی و به عبارت دیگر مقاومت را در سیاست خارجی جمهوری اسلامی برگزیده‌اند، پشتوانه‌ی قرآنی دارد و بیش از ده‌ها آیه بر آن دلالت می‌کند.

### نتیجه

موضوع این نگارش به مستندسازی قرآنی دیدگاه رهبر انقلاب در مورد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پرداخته شد که نتایج ذیل بدست آمد: یک سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبتنی به سه اصل عزت، حکمت و مصلحت است که از اصولی ثابت و غیر قابل تغییر هستند. دوم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی حفظ عزم و ملی ضروری بوده و نباید سیاست خارجی جمهوری اسلامی به ذلت اسلام و مسلمین بی‌انجامد. سوم داشتن روابط خارجی برخلاف تبلیغاتی که علیه رهبر انقلاب صورت می‌گیرد از نظر رهبر انقلاب داشتن رابطه و گفتگو با هیچ کشوری جز آمریکا و رژیم صهیونیستی ممنوع نیست. چهارم مرزبندی با دشمن در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه رهبر انقلاب لازم است و غفلت از آن موجب ضرر و زیان است. پنجم پرهیز از تشنج روابط با کشورهای غیر متخاصم از نظر رهبر انقلاب از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. ششم حمایت از مسلمانان و ملت‌های مظلوم و مستضعف به خصوص ملت مظلوم فلسطین. هفتم استکبارستیزی، مقابله با افزون‌خواهی و اقدام متجاوزانه در روابط خارجی است که تمام این موارد از بیانات رهبر انقلاب بدست آمده و مستند به آیات قرآن کریم می‌باشند.



## منابع

### قرآن کریم

### نهج البلاغه

- ۱) اسکندری، محمد، نگاه به مفهوم سیاست، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۸.
- ۲) بیانات رهبر انقلاب در بیست و سومین سالگرد رحلت امام (ره)، ۱۳۹۱/۳/۱۴.
- ۳) \_\_\_\_\_ در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج، ۱۳۸۸/۲/۲۲.
- ۴) \_\_\_\_\_ در دیدار دانش آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۲/۸/۱۲.
- ۵) \_\_\_\_\_ در دیدار عیدانه جمعی از مسئولان کشور، ۱۳۹۵/۱/۲۴.
- ۶) \_\_\_\_\_ در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۴/۱۹.
- ۷) \_\_\_\_\_ در دیدار وزیر و مسئولان وزارت خارجه و رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، ۱۳۶۸/۵/۳۱.
- ۸) \_\_\_\_\_ در سالروز میلاد امام حسین (ع) و روز پاسدار، ۱۳۶۸/۱۲/۱۰.
- ۹) \_\_\_\_\_ در ابتدای دولت یازدهم، ۱۳۹۲/۸/۱۲.
- ۱۰) \_\_\_\_\_ در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۱۵.
- ۱۱) \_\_\_\_\_ در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۸/۷/۴.
- ۱۲) \_\_\_\_\_ در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران، ۱۳۹۵/۵/۳۱.
- ۱۳) \_\_\_\_\_ در دیدار کارگزاران حج، ۱۳۹۸/۴/۱۲.
- ۱۴) \_\_\_\_\_ در دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۶۸/۱۱/۹.
- ۱۵) \_\_\_\_\_ در دیدار مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۹۸/۱۱/۲۹.
- ۱۶) \_\_\_\_\_ در دیدار اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۹۷/۱۲/۲۳.
- ۱۷) \_\_\_\_\_ دیدار دست‌اندرکاران ستاد اقامه‌ی نماز، ۱۳۸۵/۶/۲۷.
- ۱۸) جوادی آملی، عبد الله، روابط بین الملل در اسلام، قم، اسراء، ۱۳۸۸.



- ۱۹) جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم، اسراء، چاپ پنجم، ۱۳۹۸.
- ۲۰) خامنه‌ای، سید علی، بیانیه‌ی گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷.
- ۲۱) \_\_\_\_\_، پیام به حجاج بیت‌الله الحرام، ۱۳۶۸/۴/۱۴.
- ۲۲) \_\_\_\_\_، پیام به رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام برای رسیدگی به موارد پیشنهاد دولت، ۱۳۷۸/۱/۱۹.
- ۲۳) \_\_\_\_\_، سخنرانی تلویزیونی رهبر انقلاب، در پایان محفل انس با قرآن کریم، ۱۳۹۹/۲/۶.
- ۲۴) \_\_\_\_\_، سیاست‌های کلی نظام ابلاغی از سوی رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۵/۹/۱۵.
- ۲۵) \_\_\_\_\_، سیاست‌های کلی نظام، برنامه سوم توسعه، ۱۳۷۸/۲/۳۰.
- ۲۶) خوشوقت، محمدحسین؛ تجزیه و تحلیل تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵.
- ۲۷) سید طیب، عبدالحسین، اطیب‌البیان، تهران، انتشارات اسلام، چاپ دوم، ۱۳۷۸.
- ۲۸) طباطبایی، محمدحسین، المیزان، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴.
- ۲۹) طبرسی، فضل بن حسن، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰.
- ۳۰) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب، ۱۳۵۸/۸/۲۴.
- ۳۱) مقتدر، هوشنگ؛ مباحثی پیرامون سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی، تهران، انتشارات دانشکده علوم سیاسی و اجتماعی، ۱۳۵۸.
- ۳۲) مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب السلامیه، ۱۳۷۴.
- ۳۳) پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر و آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ی

Khamenei.ir



## بررسی ابعاد فرهنگی بیانیه گام دوم انقلاب با قاعده نفی سبیل

عقیل یوسفی زارمی\* مریم طوسی\*

### چکیده

بیانیه گام دوم انقلاب با هدف تبیین چشم انداز چهل ساله دوم انقلاب تدوین و ابلاغ گردید. بی شک فقرات این بیانیه مبتنی بر مبانی قرآنی است و اگر بخواهد این بیانیه مبتنی بر داده‌های قرآن و سنت مورد بررسی قرار گیرد، یکی از موارد آن بررسی آن با قواعد فقهی است و به مناسبت روح حاکم بر این بیانیه از جمله این قواعد، «قاعده نفی سبیل» است؛ چرا که استناد مسائل و مباحث سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و... به این قاعده و دیگر قواعد با توجه به منشأ و حیاتی بودن آنها موجب اطمینان خاطر خواهد شد. این قاعده به طور مستقیم برگرفته از آیات و روایات است و می‌توان ابعاد مختلف بیانیه از جمله ابعاد فرهنگی آن را با آن مورد بررسی قرار داد. تحقیق حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با اسناد کتابخانه‌ای در پی آن است تا با استناد به «قاعده نفی سبیل» هرگونه تسلط و برتری بیگانگان در ابعاد فرهنگی بیانیه گام دوم را مورد تحلیل قرار دهد. یافته‌ها مبین این حقیقت است که: اولاً رهبر معظم انقلاب با ظرافت تمام، در ابعاد مختلف بیانیه، از جمله ابعاد فرهنگی به این قاعده پایبند بوده‌اند. ثانیاً، با بهره‌گیری از مبانی، اصول و قاعده یاد شده در صدد نفی هرگونه تسلط بیگانگان در ابعاد فرهنگی جامعه اسلامی همچون علم و دانش، رسانه و سبک زندگی بوده‌اند. به گونه‌ای که اگر این حساسیت‌ها، دقت‌ها و پایبندی‌ها به مبانی، اصول و قواعد اسلام و انقلابی نبود، پیامدهای جبران‌ناپذیری متوجه آتیه انقلاب و جامعه اسلامی و انقلابی ایران می‌بود.

واژگان کلیدی: فرهنگ، بیانیه گام دوم انقلاب، قواعد فقهی، قاعده نفی سبیل.

\* دانشجوی دکتری قرآن و مستشرقان، جامعه المصطفی، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث (نویسنده مسئول):

ayosefi1988@yahoo.com.

\*. طلبه سطح سه، جامعه الزهرا (سلام الله علیها)، تخصصی فقه و اصول: mt1372@yahoo.com



## مقدمه

در رابطه با میزان ارتباط کشورها و حکومت‌ها در طول تاریخ دیدگاه‌های مختلفی وجود داشته است. این اختلاف دیدگاه‌ها درباره نوع ارتباط حکومت و نظام انقلابی و اسلامی حاکم بر ایران با دیگر حکومت‌ها و کشور نیز وجود داشته و دارد. در طول چهل سال گذشته موافقان و مخالفان، درباره اصل این ارتباط و یا چگونگی و حد و اندازه آن دیدگاه‌های متفاوتی داشته و ابراز کرده‌اند که البته سزاوار کنکاش و بررسی علمی است. بیانات و تراش به جای مانده از معمار انقلاب اسلامی ایران، یعنی حضرت امام خمینی رضوان‌الله علیه و نیز بیانات و موضع‌گیری‌های خلف صالح ایشان مقام معظم رهبری حفظه الله، حاوی رویکرد و دیدگاه شفاف و روشنی است. این دیدگاه روشن می‌تواند چراغ راه کسانی باشد که در این حوزه به دنبال راه درست ارتباط با بیگانگان می‌باشند.

در این میان، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که به عنوان دکترین این انقلاب برای چهل ساله دوم می‌باشد، طبیعتاً به همه ابعاد انقلاب، از جمله سیاست‌های کلی در زمینه نوع و چگونگی ارتباط با بیگانگان ورود داشته است. بررسی علمی این بیانیه که یکی از مهم‌ترین اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد بر صاحب نظران این حوزه فرض است. از جمله این بررسی‌های علمی، مطالعه تطبیقی در ارتباط با این بیانیه و اصول و قواعد دینی است. نوشتار حاضر متکفل بررسی و تطبیق ابعاد فرهنگی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با «قاعده نفی سیل» است. هدف، بررسی این مسئله است که، مقام معظم رهبری به عنوان سکان‌دار کشتی انقلاب در دریای پرتلاطم عصر حاضر، چگونه با بهره‌گیری از قاعده فقهی نفی سیل، راه نفوذ بیگانگان در ارکان این نظام مقدس اسلامی، به ویژه در ابعاد فرهنگی آن را سد کرده است. به گونه‌ای که هم نظام اسلامی در چارچوب مبانی و اصول پذیرفته شده اسلام و راهبردهای



حکمت، عزت و مصلحت، با نظام‌های بین‌الملل تعامل داشته و از آن سود برد و هم استقلال نظام، به ویژه در ابعاد یاد شده محفوظ بماند.

قاعده «نفی سبیل» یک اصل پذیرفته شده نزد اندیشمندان بزرگ به ویژه فقیهان و اصولیون و مفسران گران‌قدر در معارف اسلامی است. این قاعده مبتنی بر دو منبع غنی آیات شریفه قرآن و سنت معتبر بوده و بررسی تطبیقی ابعاد فرهنگی بیانیه گام دوم با این قاعده و میزان دلالت قاعده فقهی مذکور در این ابعاد، گامی در جهت شناسایی نقاط قوت بیانیه و معرفی آن به اندیشمندان و محققان در این حوزه مطالعاتی و نیز زمامداران و کارگزاران نظام اسلامی است. به همین منظور، ابتدا به بررسی قاعده نفی سبیل و طرح دیدگاه‌ها درباره آن خواهیم پرداخت و سپس ابعاد فرهنگی بیانیه گام دوم را بر اساس آن قاعده مورد بررسی قرار خواهیم داد.

### پیشینه پژوهش

۱. کتاب «بررسی مبانی فقهی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» که نویسنده آن هادی خوشنودی و سید محمد حیدری خورمیزی می‌باشد و انتشارات مصباح اندیشه وابسته به دانشکده شهید محلاتی سپاه پاسداران به چاپ آن پرداخته است. در این کتاب مبانی ریشه‌ای بیانیه، فقه و اخلاق، فقه و اقتصاد، مبانی فقهی عدم تسلط کفار، مبانی فقهی عدالت و مبارزه با فساد و مبانی فقهی سبک زندگی مطرح شده و در آن به بررسی تطبیقی ابعاد فرهنگی بیانیه با قاعده نفی سبیل پرداخته نشده است.
۲. مقاله «بررسی بیانیه گام دوم انقلاب بر اساس قاعده نفی سبیل» که نویسنده آن آقای محمد کاکاوند می‌باشد و در کنفرانس ملی مؤلفه‌های تمدن ساز در بیانیه گام دوم اراده شد. در این مقاله با توجه به قاعده نفی سبیل به بررسی مباحثی چون روی پای خود ایستادن، عزت ایران و ایرانی، عدم میل و اعتماد به غرب و نداشتن رابطه



صمیمانه با غرب پرداخته شد و بحثی از مباحث فرهنگی بیانیه در آن صورت نگرفته است.

## مفهوم شناسی

### ۱- فرهنگ

فرهنگ به معنای «علم، دانش، ادب، معرفت و تعلیم و تربیت» (عمید، ۱۳۸۶: ج ۲، ص ۱۵۳۶) و همچنین به معنای «نیکویی تربیت و پرورش، بزرگی و عظمت و بزرگواری، دانش و حکمت و هنر، علم و معرفت» (نفیسی، ۱۳۱۸: ۲۵۵۷/۴) تعریف شده است.

جامعه شناسان تعاریف بسیاری از مفهوم فرهنگ ارائه داده‌اند. اولین بار «ادوارد تایلر» انگلیسی فرهنگ را «مجموعه پیچیده و به هم پیوسته‌ای از دانش اعتقادات، قوانین، هنر، آداب و رسوم و عادات و تمام آنچه فرد به عنوان عضوی از جامعه از اجتماع افراد خود می‌گیرد» تعریف کرده و «بواس» فرهنگ را «آن دسته از رفتارهای مشترک بین گروهی از انسان‌ها که از نسلی به نسل دیگر و از جامعه‌ای به جامعه دیگر قابلیت انتقال دارد» تعریف نمود و «مایرس» «چیزی را که از گذشته آدمیان باز مانده، در حال حاضر ایشان به آن عمل می‌کند و آینده خود را شکل می‌دهد» فرهنگ نامیده است. (صداقتی فرد، ۱۳۸۶: ص ۷۳). بر این اساس، فرهنگ از نگاه جامعه شناسان، شامل تمام اعتقادات، علم، هنر، آداب و رسوم، رفتارهای مشترک، و ... در هر جامعه‌ای می‌شود.

### ۲- قاعده فقهی

قاعده فقهی یا قاعده فقیه، عبارت است از یک حکم کلی که در همه ابواب گوناگون فقه جاری است. و به تعبیر دیگر، مقصود از قواعد فقهیه، آن دسته از احکام کلی است که در ابواب گوناگون فقهی و موضوعات فقهی جاری و منشأ استنباط احکام جزئی است. به اعتقاد



مرحوم شیخ انصاری، قاعده فقهی برخلاف قاعده اصولی، مختص مجهد نبوده و اجرای آن مشترک بین مجتهد و مقلد است. (شیخ انصاری/ ج ۲/ ص ۵۴۴)

### ۳- بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

بیانیه گام دوم انقلاب، نوشتاری با عنوان بیانیه است که از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران حضرت آیه الله العظمی امام خامنه‌ای حفظه الله، به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی رضوان الله علیه در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ صادر گردید. ایشان در این بیانیه با تأکید بر استمرار راه انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، به تبیین دستاوردهای چهل سال گذشته می‌پردازند. رهبر معظم انقلاب در این بیانیه با هدف جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی توصیه‌هایی را خطاب به قشرهای مختلف جامعه انقلابی ایران، به ویژه جوانان بیان فرمودند.

### بررسی قاعده نفی سبیل

قاعده نفی سبیل، از جمله قواعدی است که فقها با تمسک به آن به استنباط حکم و افتاد اقدام می‌کنند. خود این قاعده مهم، با استفاده از مجموعه‌ای از آیات شریفه قرآن و روایات معصومین سلام الله علیهم قابل اثبات و استفاده است. از آنجا که با بررسی ادله این قاعده مراد از آن روشن خواهد شد، ابتدا به بیان ادله اثبات قاعده خواهیم پرداخت.

### ادله قاعده

#### ۱- مستند قرآنی

خداوند متعال در قرآن کریم در رابطه با تسلط و برتری کافران بر مؤمنان می‌فرماید:

«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُفْرٍ فَإِنَّ كَانَ لَكُمْ فِتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعُكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء/ ۱۴۱)؛ «منافقان همانها هستند که پیوسته انتظار می‌کشند و مراقب





شما هستند؛ اگر فتح و پیروزی نصیب شما گردد، می گویند: مگر ما با شما نبودیم؟ (پس ما نیز در افتخارات و غنایم شریکیم!) «و اگر بهره‌ای نصیب کافران گردد، به آنان می گویند: مگر ما شما را به مبارزه و عدم تسلیم در برابر مؤمنان، تشویق نمی کردیم؟ (پس با شما شریک خواهیم بود!)» خداوند در روز رستاخیز، میان شما داوری می کند؛ و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان سیطره و برتری نداده است». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: نساء، ۱۴۱).

### دیدگاه‌ها

برای توضیح و روشنگری مراد از آیه ابتدا به بیان دیدگاه‌ها خواهیم پرداخت تا مراد از آیه روشن گردد.

#### الف: دیدگاه علامه طباطبایی (ره)

به نظر مرحوم علامه (ره) آیه: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء/۱۴۱) به این معناست که حکم در روز قیامت به نفع مؤمنین است و به ضرر کفار و هرگز مطلب برعکس نخواهد شد. و ممکن است آیه هم مربوط به آخرت و هم مربوط به دنیا باشد، زیرا مؤمنین تا زمانی که ملتزم به لوازم ایمان باشند به اذن الهی همیشه پیروز و غالب خواهند بود «فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» خطاب «کم» در این جمله متوجه مؤمنین است، هرچند که پر آن منافقین و کفار را نیز می گیرد و اما اینکه فرمود: و خدای تعالی هرگز کفار را ما فوق مؤمنین و مسلط بر آنان قرار نمی دهد، معنایش این است که حکم از امروز به نفع مؤمنین و علیه کافران است و تا ابد نیز چنین خواهد بود و هرگز به عکس نمی شود و این خود اعلامی است به منافقین که دیگر برای ابد از اینکه به هدف شوم خود برسند مأیوس باشند و به حکم این آیه در همه دوره‌ها بالآخره فتح و پیروزی از آن مؤمنین و علیه کافران خواهد بود.



احتمال هم دارد که نفی سبیل اعم از تسلط در دنیا باشد یعنی منظور این باشد که کفار نه در دنیا مسلط بر مؤمنین می‌شوند و نه در آخرت، و مؤمنین به اذن خدا دائماً غالب‌اند، البته مادام که ملتزم به لوازم ایمان خود باشند، هم چنان که در جای دیگر این وعده را صریحاً داده است». (طباطبایی، ۱۴۱۷: جلد ۵، ص ۱۱۶)

### ب: دیدگاه آیت‌الله مکارم شیرازی

حضرت آیت‌الله مکارم آیه: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» را صرفاً عدم پیروزی و تسلط کفار از نظر منطق بر افراد با ایمان و یا پیروزی‌های نظامی و مانند آن نمی‌داند. بلکه معتقدند کلمه «سبیلاً» به اصطلاح ادبیات عرب از قبیل نکره در سیاق نفی است و معنی عموم را می‌رساند. بر این اساس کافران نه تنها از نظر منطق و گفتار و یا از نظر نظامی، بلکه علاوه بر آن، از بعد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، هنری، اقتصادی و خلاصه از هیچ نظر بر مؤمنین، چیرگی و سیطره نخواهند شد.

البته اگر اکنون و در عصر حاضر شاهد پیروزی و تسلط آنها بر مسلمانان و بلاد اسلامی در میدان‌های مختلف هستیم به خاطر آن است که بسیاری از مسلمانان مؤمنان واقعی نیستند و راه و رسم ایمان و وظائف و مسئولیت‌ها و رسالت‌های خویش را به کلی فراموش کرده‌اند، نه خبری از اتحاد و اخوت اسلامی در میان آنان است و نه جهاد به معنی واقعی کلمه انجام می‌دهند، و نه علم و آگاهی لازم را که اسلام آن را از لحظه تولد تا لحظه مرگ بر همه لازم شمرده است دارند، و چون چنانند طبعاً چنینند! جمعی از فقهاء در مسائل مختلف به این آیه برای عدم تسلط کفار بر مؤمنان از نظر حقوقی و حکمی استدلال کرده‌اند و با توجه به عمومیتی که در آیه دیده می‌شود این توسعه زیاد بعید به نظر نمی‌رسد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴:

ج ۴، ص ۱۷۶)



### ج: دیدگاه حضرت امام خمینی (ره)

حضرت امام رضوان الله علیه علاوه بر نگاه فقهی به قاعده نفی سبیل، نگاه سیاسی و حکومتی نیز به آن دارند و این قاعده را یکی از قواعد مهم استنباط آموزه‌های سیاسی اسلام می‌دانند. ایشان آیه شریفه: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» را که مستند اصلی این قاعده است محور و اساس همه آموزه‌های سیاسی اسلام بر شمردند. از دیدگاه حضرت امام رضوان الله علیه حاکمیت قاعده نفی سبیل بر رفتار مسلمانان در جوامع اسلامی به این معناست که هر عملی که منجر به تسلط کافر بر مسلم شود خواه عمل فردی و شخصی باشد یا جمعی و عمومی شرعاً جایز نبوده و حرام است. از دیدگاه ایشان در آیه شریفه، مطلق سبیل نفی شده چه مربوط به مقام تکوین باشد و چه مربوط به مقام تشریح. (موسوی خمینی، ۱۴۲۱: ج ۲، ص ۷۲۲). بر اساس دیدگاه‌های بیان شده، آیه شریفه: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»، اولاً، مهم‌ترین دلیل اثبات قاعده نفی سبیل می‌باشد. ثانیاً، این آیه و نیز قاعده نفی سبیل بر نفی هر نوع برتری و تسلط کافر بر مسلمان در عالم تشریح و علاوه بر آن در عالم تکوین دلالت داشته و بر این اساس می‌توان از آن در عدم جواز هر نوع تسلط کافر بر مسلم در عالم تکوین و نیز در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، حاکمیتی، علمی، اقتصادی و ... تمسک جست.

### ۲- مستند روایی

دومین دلیل برای اثبات قاعده نفی سبیل روایتی از امام صادق علیه السلام است. ایشان از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کنند که فرمودند: «الْإِسْلَامُ يَعْلُو وَلَا يُعْلَى عَلَيْهِ وَالْكَفَارُ بِمَنْزِلَةِ الْمُؤْتَى لَأَ يَحْجُبُونَ وَلَا يَرْتُونَ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۴، ص ۳۳۴)؛ خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است و کافران به منزله مرده‌اند؛ مانع از ارث دیگران نمی‌شوند و خودشان نیز ارث نمی‌برند.



اولاً، روایت از جهت سند تمام و غیر قابل خدشه است. زیرا، هر چند فاقد سند است ولی مشهور و معروف است (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱/۱۹۰) چرا که به صورت مرسل نقل شده است همچنین مرحوم شیخ صدوق رضوان الله علیه این روایت را در کتاب شریف من لا یحضره الفقیه نقل کرده است. مرحوم صدوق در مقدمه کتاب تذکر داده است که تمام روایات این کتاب معتبر است. البته اگر کسی احیاناً نسبت به سند آن دغدغه‌ای داشته باشد ضعف سند آن با عمل اصحاب جبران می‌شود. زیرا جمع کثیری از فقها به آن استناد کرده و بر اساس آن فتوی داده‌اند. (طاهری، ۱۳۸۷: ص ۳۴۴. بجنوردی، ۱۴۱۹: ج ۱، ص ۱۹۰) ثانیاً، از جهت دلالت، عبدالمهی معتقد است که «مراد رسول خدا (ص) مقام تشریح بوده است، نه مقام اخبار از برتری اسلام از جهت حجت و برهان. بیان رسول خدا صلی الله علیه و آله دال بر این است که اسلام قوانین آن به گونه‌ای است که در مقام اجرا و عمل باید علو و برتری مسلمان بر کافر مراعات شود و نباید عمل و اجرای این قوانین سبب فراهم شدن زمینه هیچ نوع سلطه و برتری کافر بر مسلمان شود. بر این اساس، هر عقد، ایقاع و رابطه‌ای که سبب هر نوع برتری و علو کافر بر مسلمان باشد، باطل و اقدام و التزام به آن برای مسلمان حرام است» (عبدالمهی، ۱۴۰۰: ص ۱۶۴).

### ۳- تناسب حکم و موضوع

یکی دیگر از ادله اثبات قاعده نفی سبیل تناسب حکم و موضوع است. با این توضیح که خداوند در قرآن می‌فرماید: «يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَرَسُولُهُ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَ لَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (منافقون / ۸): آنها (پنهانی) می‌گویند اگر به مدینه مراجعت کردیم البته باید اربابان عزت و ثروت (یهودیان) مسلمانان ذلیل را از شهر بیرون کنند و حال آنکه عزت مخصوص خدا و رسول و اهل ایمان است ولیکن منافقان از این معنی آگاه نیستند.



در این آیه شریفه خداوند عزت را صرفاً به خود و رسول خود و مؤمنین نسبت داده و از دیگران نفی کرده است. در این صورت چگونه ممکن است خداوند حکمی را جعل، تشریح و یا امضاء کند که سبب برتری کافر بر مؤمن و مسلم شود!

به بیان مرحوم آیه الله فاضل لنکرانی، از دیدگاه فقها، چنین استدلالی از باب عمل به ظن نبوده بلکه از باب تنقیح مناط قطعی است و بالاتر از آن، به طور مستقیم از ادله لفظیه به دست می‌آید. (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳: ص ۲۴۱). بنابراین، تناسب حکم و موضوع، با توضیحی که داده شد، دلالتی قوی برای اثبات قواعدی مانند قاعده نفی سبیل خواهد داشت.

#### ۴- اجماع

چهارمین دلیل در جهت اثبات «قاعده نفی سبیل» اجماع است. همه فقها اجماعاً بر این امر مهم اتفاق نظر دارند که در اسلام هیچ حکمی نباید موجب هر نوع برتری و تسلط کافر بر مسلمان شود. (بجنوردی، ۱۳۷۷: ص ۱۹۱)

از مجموع آنچه در رابطه با ادله «قاعده نفی سبیل»، خصوصاً آیه شریفه، یعنی مهم‌ترین دلیل اثبات قاعده به دست می‌آید که، این قاعده به صورت قطعی بر نفی هرگونه برتری و تسلط کافران بر مسلمانان دلالت دارد. هرچند در نگاه اولیه احياناً این قاعده مربوط به عالم تشریح است، اما از دیدگاه مفسران و فقها می‌توان آن را مربوط به عالم تکوین نیز دانست. حضرت امام (ره) آن را مربوط به مباحث سیاست و حاکمیت نیز می‌دانند و آیت‌الله مکارم معتقدند که کافران نه تنها از نظر منطق بلکه از نظر نظامی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و خلاصه از هیچ نظر بر افراد با ایمان، چیره نخواهند شد.

در نتیجه بر اساس قاعده نفی سبیل، هرگونه برتری و تسلط کافر بر مسلمان و هرگونه سلطه و سیطره بیگانگان، به ویژه در ابعاد فرهنگی بر سرنوشت مسلمانان منتفی است. بر همین



اساس، هم در مقام تقنین و قانون گذاری و هم در مقام اجرا، هر نوع سیاست گذاری و تصمیم گیری و عملی در همه ابعاد فردی و اجتماعی و فرهنگی که دارای چنین پیامدی برای مسلمانان و جامعه اسلامی باشد جایز نخواهد بود.

### تطبیق سازی قاعده نفی سبیل

تطبیق قاعده نفی سبیل بر ابعاد فرهنگی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی همچنان که پیش از این در مقام تعریف واژه‌ها و مفاهیم گذشت، از جمله مهم ترین مصادیق و عناصر فرهنگ، مواردی نظیر علم و دانش، رسانه و سبک زندگی است. به همین جهت، در این بخش مطالعه‌ای تطبیقی خواهیم داشت تا ببینیم در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی چگونه قاعده فقهی نفی سبیل بر عناصر و ابعاد مهم فرهنگی تطبیق داده شد.

### الف) علم و دانش

یکی از مهم ترین ابعاد فرهنگ علم و دانش است و یکی از عناصر فرهنگی در هر جامعه و هر حاکمیتی و تمدنی بعد علمی آن می باشد. مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم در این رابطه می فرماید: «دانش، آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دوپست ساله فراهم کند و باوجود تهیدستی در بنیان های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد. ما به سوءاستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمی کنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه های دانش در میان خود اصرار می ورزیم» (متن بیانیه گام دوم).

ایشان در این قسمت از بیانیه، از علم و دانش به عنوان آشکارترین وسیله عزت و قدرت نام بردند. وسیله ای که داشتن آن یک کشور را از سلطه پذیری و ذلت باز داشته و باعث تولید قدرت و ثروت می شود. بر این اساس، وجود علم و دانش، به عنوان یکی از عناصر مهم



فرهنگ در یک مملکت، از بهترین ابزار برای نفی سلطه‌پذیری و نفی تسلط بیگانگان بر آن مملکت می‌باشد. ت. در واقع رهبر معظم و بیدار انقلاب، در این فقره با تکیه بر قاعده نفی سبیل، تولید دانش در مملکت اسلامی را وسیله مناسبی برای نفی هرگونه سیطره و سلطه بیگانگان کافر و دشمنان جامعه اسلامی و انقلابی می‌دانند.

روی دیگر بیان رهبری انقلاب، علاوه بر تأکید بر لزوم علم‌آموزی و تولید دانش، بحث با اهمیت اسلامی سازی علوم انسانی است. ایشان می‌فرمایند «اینکه بنده درباره‌ی علوم انسانی در دانشگاه‌ها و خطر این دانش‌های ذاتاً مسموم هشدار دادم - هم به دانشگاه‌ها، هم به مسئولان - به خاطر همین است. این علوم انسانی‌ای که امروز رائج است، محتواهایی دارد که ماهیتاً معارض و مخالف با حرکت اسلامی و نظام اسلامی است؛ متکی بر جهان‌بینی دیگری است؛ حرف دیگری دارد، هدف دیگری دارد. وقتی این‌ها رائج شد، مدیران بر اساس آنها تربیت می‌شوند؛ همین مدیران می‌آیند در رأس دانشگاه، در رأس اقتصاد کشور، در رأس مسائل سیاسی داخلی، خارجی، امنیت، غیره و غیره قرار می‌گیرند». (دیدار طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۲۹/۰۷/۱۳۸۹)

در واقع تأکید حضرت ایشان بر علم‌آموزی و تولید دانش از سویی و اسلامی سازی علوم و دانش‌های موجود، برای تولید قدرت و ثروت در ممالک اسلامی، خود محصول توجه به قاعده نفی سبیل از سوی ایشان است. به اعتقاد حضرت آقا، بیگانگان هم در بعد محتوی علوم وارداتی و هم در بعد هدف‌گذاری این علوم، در اندیشه تربیت نیروهایی هستند تا از این طریق به مقدرات جوامع اسلامی مسلط شوند. توجه به این امر مهم و چاره‌اندیشی درباره اصلاح آن و تغییر روند یاد شده باعث خواهد شد تا علو و برتری مسلمین در برابر کفار و بیگانگان حفظ شده و دچار رخوت و سستی و توسری خوردن توسط بیگانگان و در نتیجه انحراف و



روی آوری به باطل نشوند. این همان حقیقتی است که قرآن کریم نسبت به آن به اهل کتاب هشدار داده است.

در قرآن کریم در رابطه با منحرف ساختن اهل حق از مسیر حق و جایگزینی باطل به جای حق به اهل کتاب چنین هشدار داده است: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (آل عمران / ۷۱). آیت‌الله مکارم شیرازی در تفسیر این آیه می‌فرماید که این آیه و آیه ما قبل آن اشاره به گمراهی کردن دیگران از روی علم آگاهی دارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲/۶۱۳).

همچنین رهبر معظم انقلاب با در نظر داشتن این مهم که همیشه دانشمندان و مراکز علمی پیشتاز و راهبر و پیشران رشد و توسعه در هر جامعه‌ای هستند، به این قشر مهم و تأثیرگذار در جامعه اسلامی و انقلابی ایران هشدار داده‌اند تا مسیر درست توسعه و پیشرفت را منحصراً مسیر موجود در دست دشمنان غرب و شرق ندانند و به گونه‌ای دیکته شده از دشمنان نگیرند. زیرا نتیجه طی این مسیر جز وابستگی و تسلط بیشتر غرب و دشمنان بر مقدرات ممالک اسلامی به ویژه جامعه اسلامی و انقلابی ایران نیست. ایشان به‌خصوص به این نکته توجه داده‌اند که تشتت رسوایی دشمنان غرب و شرق به صدا درآمده و بسیاری از عقلای آن جوامع خود به آن اذعان کرده‌اند. ایشان می‌فرمایند: «مسیر پیشرفت، مسیر غربی نیست، مسیر منسوخ و برافتاده‌ی اردوگاه شرق قدیم هم نیست. بحران‌هایی که در غرب اتفاق افتاده است، همه پیش روی ماست، میدانیم که این بحران‌ها گریبان‌گیر هر کشوری خواهد شد که از آن مسیر حرکت کند. پس ما بایستی مسیر مشخص ایرانی - اسلامی خودمان را در پیش بگیریم و این را با سرعت حرکت کنیم؛ با سرعت مناسب». (بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز، ۱۴/۰۲/۱۳۸۷)





از دیگر بیانات رهبری انقلاب که به درستی اشاره به نیاز به استقلال علمی و عدم وابستگی علمی به غرب و لزوم توجه به تولید علم دارد این است که می‌فرمایند: «باید دنبال این باشیم که ما تولید علم بکنیم؛ تا کی مصرف کنیم علم این‌و آن را؟ بله، مانعی ندارد که مثل کالایی که خودمان نداریم، دیگری دارد و از او می‌گیریم و استفاده می‌کنیم، از علم دیگران استفاده بکنیم اما این نمی‌تواند دائمی باشد، این نمی‌تواند همیشگی باشد؛ گاهی علم دیگران درست به ما منتقل نمی‌شود، گاهی آن بخش خویش را به ما نمی‌دهند، گاهی نو و به‌روز شده‌اش را به ما نمی‌دهند و این اتفاق در کشور ما متأسفانه در سال‌های حکومت طاغوت بارها افتاده؛ ما که نباید تجربه‌ها را مجدداً تکرار بکنیم؛ بنابراین بایستی تولید علم بکنیم». (بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها، ۲۰/۰۳/۱۳۹۷).

تأکید حضرت مقام معظم رهبری بر لزوم تولید علم و به روز بودن در حوزه‌های مختلف دانشی به این محور استوار است که، غریبان با محروم نگه داشتن مجامع علمی ما از علوم حقیقی و همه ابعاد علوم و علوم به روز و جدید، همیشه در صدد وابسته نگاه داشتن ما در این حوزه‌ها هستند. این حساسیت‌ها و تأکیدها برای آن است که بر اساس قاعده نفی سیل یکی از مواردی که باید مراقب نفوذ و تسلط کافر بر مسلمانان بود بحث علم و دانش است. زیرا در صورت فقدان حساسیت‌ها و مراقب‌های لازم و کافی، همانند گذشته خسارات جبران ناشدنی را در پی خواهد داشت. رهبری معظم انقلاب نیز به این خسارات هشدارهایی داده‌اند: «مهندسی فرهنگی و موضوع تحول و نوسازی در نظام آموزشی و علمی کشور اعم از آموزش عالی و آموزش و پرورش و نیز تحول در علوم انسانی که در دوره‌های گذشته نیز مورد تأکید بوده است، هنوز به سرانجام مطلوب نرسیده است، به تعویق افتادن این امور خسارت بزرگی متوجه انقلاب اسلامی خواهد کرد، لذا باید این امور جدی‌تر گرفته شده و با یک بازنگری و



برنامه‌ریزی جدید طی مدت زمان معقول و ممکن به سرانجام خود برسد». (حکم آغاز دوری جدید شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۳/۰۷/۲۶)

به عنوان نمونه سند ۲۰۳۰ یکی از بارزترین مصادیق نفوذ و تسلط استکبار و غرب در آموزش و پرورش کشور، به عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز فرهنگی هر کشوری به حساب می‌آید. متأسفانه در سال‌های اخیر بر اثر خیانت و یا کم‌کاری مسئولین، این سند در برخی موارد در آموزش و پرورش کشور حتی به مرحله اجرا نیز رسیده است. اجرای این سند در آموزش و پرورش مصداق بارز تسلط کافر بر مسلمان و سپردن فرهنگ کشور به بیگانگان و به تبع آن از بین بردن فرهنگ غنی کشور است که به شدت در آیات و روایات از آن نهی شده است.

#### (ب) رسانه

یکی دیگر از ابعاد فرهنگی که تأثیر بسیار زیادی در فرهنگ هر جامعه دارد رسانه‌ها می‌باشند. رسانه همان‌گونه که ابزار مهمی در تأثیر گذاری فرهنگی بر دیگر جوامع می‌باشد می‌تواند باعث تأثیر پذیری از دیگر فرهنگ‌ها نیز بشود. از این جهت باید بر اساس قاعده نفی سبیل مراقب نفوذ و تسلط مستکبران بر رسانه‌ها شد. زیرا بر اساس بیانات رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم، رسانه خطرناک‌ترین ابزار تأثیر گزار بر ارزش‌های دینی و فرهنگی یک کشور است: «ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضدّ معنویّت و ضدّ اخلاق نهاده است و هم اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتّی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم. دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد. و این البته به معنی رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیر حکومتی نیست».

(متن بیانیه گام دوم)



صنعت رسانه و جنگ و رسانه‌ی یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین ابزارهای جنگ و تهاجم فرهنگی در عصر حاضر است. در رابطه با جنگ رسانه‌ای و تهاجم فرهنگی برخی به این آیه از قرآن کریم استناد می‌کنند: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَ لَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ» (انعام/۱۱۲)؛ بدین گونه هر پیغمبری را دشمنی نهادیم از دیونهادان انس و جن که برای فریب، گفتار آراسته به یکدیگر القا می‌کنند، اگر پروردگار تو می‌خواست چنین نمی‌کردند پس ایشان را با چیزهایی که می‌سازند واگذار. آن‌ها معتقدند به بیان قرآن کریم، در برابر تمام پیامبران دشمنانی از شیاطین جن و انس وجود داشته است تا میدان آزمایش و تکامل مردم باز باشد و مردم با اختیار خود راه درست را برگزینند. در ادامه به نوع فعالیت شیاطین اشاره شده که کار آنها این بوده که سخنان فریبنده‌ای برای اغفال یکدیگر به‌طور سری و درگوشی به هم می‌گفتند «یُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا» استفاده از سخنان زیبا و خوش ظاهر اما بی باطن و بی مغز کار شیاطین است تا دیگران را بفریبند.

این همان تهاجم گسترده فرهنگی است که، همانند خود فرهنگ، در گستره وسیعی از زمان و مکان توسط گروه‌های مختلفی بر علیه بشریت جریان داشته است. رهبر انقلاب در دیدار مدیران رسانه کشور در این رابطه می‌فرماید: «امروز رسانه‌ها در دنیا فکر، فرهنگ، رفتار و در حقیقت هویت فرهنگی انسان‌ها را القاء می‌کنند و تعیین‌کننده هستند. رسانه‌ها می‌توانند در بهبود وضعیت زندگی انسان مؤثر باشند؛ می‌توانند در گسترش صلح و امنیت جهانی مؤثر باشند؛ می‌توانند در ارتقای اخلاق و معنویت در میان انسان‌ها مؤثر باشند و می‌توانند انسان‌ها را خوشبخت‌تر کنند؛ متقابلاً می‌توانند وسیله‌ی برافروختن جنگ‌های خانمان‌سوز باشند؛ می‌توانند عادات و آداب و رفتارهای مضر را در میان مردم رایج کنند؛ می‌توانند ملت‌هایی را از هویت انسانی خودشان و هویت ملی‌شان تهی کنند و می‌توانند احساس تبعیض را در انسان‌ها زنده



کنند. رسانه‌ها امروز نقششان خیلی زیاد است. اگر در سطح بین‌المللی مدیریت و برنامه‌سازی رسانه‌ای بر اساس معیارهای اخلاق، فضیلت، برابری و تکیه‌ی بر مفاهیم واقعی انسانی باشد، ملت‌ها سود خواهند برد. اگر رسانه‌ها برنامه‌سازی و مدیریتشان بر اساس منافع کمپانی‌های اقتصادی، ثروتمندان بین‌المللی، قدرتمندان تمامیت‌خواه و انحصارطلب باشد، یقیناً بشر زیان خواهد کرد». (بیانات در دیدار مدیران و برنامه‌سازان رسانه‌ای کشورهای مختلف ۲۶/۰۲/۱۳۸۵).

در این بیانات به روشنی پیداست که رهبری عظیم‌الشان انقلاب با بهره‌گیری از مبانی و اصول مسلم دینی از جمله قاعده فقهی نفی سبیل به تسلط بیگانگان بر مقدرات فرهنگی و ارزشی ملل مسلمان و مملکت اسلامی ایران هشدار داده‌اند.

ایشان همچنین هرگونه تعلل و سستی در این امر که فراهم‌کننده سلطه فرهنگی بر مملکت اسلامی است را به شدت محکوم و گناهی نابخشودنی می‌دانند. امروزه می‌توان گسترش روز افزون شبکه‌های ماهواره‌ای و خصوصاً شبکه‌های فارسی زبان و شبکه‌های اجتماعی خارجی را که با کم‌کاری و خیانت برخی از مسئولین به‌راحتی در دسترس همگان بوده و هیچ‌گونه نظارتی نیز بر آن وجود ندارد را از مصادیق بارز تسلط رسانه‌ای و فرهنگی کفار بر مسلمانان دانست.

عمده هدف این شبکه‌ها تسلط بر فکر و ذهن جوانان و نوجوانان در جهت تغییر افکار و در نتیجه تغییر فرهنگ و عقاید آنان بوده و علاوه بر این می‌توان از فیلم‌ها و برنامه‌های کودک و انیمیشن و بازی‌های رایانه‌ای نام برد که در کمپانی‌های بزرگ غربی با اهداف خاص ساخته شده و با کمترین قیمت در اختیار کشورهای هدف قرار داده تا بتوانند از این طریق مبانی فرهنگی خود را غالب کنند. و این با مبانی و اصول حاکم بر روح اسلام و مرام مسلمین سازگار نیست.



## ج) سبک زندگی

یکی دیگر از ابعاد بسیار مهم و ضروری فرهنگی هر جامعه سبک زندگی می‌باشد. سبک زندگی یا «life style» در علوم اجتماعی غیر از شیوه زندگی یا «way of life» است؛ چراکه شیوه زندگی، مفهومی عام و کلی است که هرگونه شیوه و اسلوب زندگی را در همه تمدن‌ها و ادوار تاریخ بشر اعم از دوران‌های ماقبل مدرن و دوران جدید و حتی پسا مدرن را نیز در بر می‌گیرد». (مهدوی کنی، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۲۰۱). اما «سبک زندگی، مجموعه‌ای از رفتارها و الگوهای کنش هر فرد است که به بُعدهای هنجاری و معنایی زندگی اجتماعی نظر داشته باشد. چنین مجموعه‌ای می‌تواند کلی متمایز را پدید آورد که در کنار دلالت بر ماهیت و محتوای خاص تعاملات و کنش‌های اشخاص، نشان‌دهنده کم و کیف نظام باورها و ارزش‌های افراد نیز باشد گستره سبک زندگی عرصه وسیعی از رفتار آدمی باخدا، خود، خانواده، جامعه و حتی طبیعت را در بر می‌گیرد. سبک زندگی اسلامی، توجه به اجرای اسلام با همه ابعاد آن در تمام عرصه‌های زندگی آدمی است و می‌توان در دسته‌بندی مشخص و با ملاحظه ارتباطات سه‌گانه انسان باخدا و خود و خلق، زندگی پرهیزگاران‌ای ساخت و با تکیه بر متن سخن و سیره معصومان شیوه زیستن را مشق کرد» (پورامینی، ۱۳۹۲: ج ۱، ص ۱۷-۱۸)

با این تعریف و رویکرد به سبک زندگی که تعریف و رویکرد تقریباً پذیرفته شده‌ای است، سبک زندگی یکی از مهم‌ترین مصادیق و عناصر تشکیل دهنده فرهنگ یک جامعه است. به همین جهت، از دیدگاه رهبری انقلاب سبک زندگی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. ایشان به بهانه‌های مختلف و به گونه‌های متنوع درباره سبک زندگی و اهمیت آن و نقشه‌های دشمنان در ارتباط با رخنه در سبک زندگی جامعه اسلامی و انقلابی و جایگزینی سبک زندگی غربی به جای آن، هشدار داده و روشنگری کردند. از جمله این هشدارها و روشنگری‌ها، تذکرات ایشان در همین ارتباط در بیانیه گام دوم می‌باشد. ایشان در



این ارتباط می‌فرماید: «تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان‌های غیرقابل جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوانها است». (متن بیانیہ گام دوم)

به روشنی پیداست که این هشدارهای به جا و از سر دغدغه ایشان ناظر به مبانی و اصول و قواعد دینی از جمله قاعده نفی سبیل است.

همچنین در روایات ما هم به این مسئله پرداخته شده است از جمله روایت: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَمَمَاتِي مَمَاتِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» (ابن قولیه، ۱۴۱۳: ص ۱۶۳) و این همان سبک زندگی است که از خداوند می‌خواهیم سبک زندگی ما مثل زندگی پیامبر اکرم و اهل بیت سلام الله علیهم اجمعین باشد.

رهبر انقلاب درجایی دیگر در رابطه با تسلط غریبان بر سبک زندگی و تقلید از غرب می‌فرماید: «تقلید از غرب برای کشورهایی که این تقلید را برای خودشان روا دانستند و عمل کردند، جز ضرر و فاجعه به بار نیاورده؛ حتی آن کشورهایی که به ظاهر به صنعتی و اختراعی و ثروتی هم رسیدند، اما مقلد بودند. علت این است که فرهنگ غرب، یک فرهنگ مهاجم است. فرهنگ غرب، فرهنگ نابودکننده‌ی فرهنگ‌هاست. هر جا غربی‌ها وارد شدند، فرهنگ‌های بومی را نابود کردند، بنیان‌های اساسی اجتماعی را از بین بردند؛ تا آنجائی که توانستند، تاریخ ملت‌ها را تغییر دادند، زبان آنها را تغییر دادند، خط آنها را تغییر دادند. هر جا انگلیس‌ها وارد شدند، زبان مردم بومی را تبدیل کردند به انگلیسی؛ اگر زبان رقیبی وجود داشت، آن را از بین بردند. (بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۰۷/۲۳)

در این بیانات نیز ایشان به مضرات و تبعات شوم سلطه بیگانگان به خصوص غربی‌های استعمارگر بر فرهنگ ممالک اسلامی و محروم، از جمله سبک زندگی به روشنی اشاره



فرمودند. بیان این تبعات منفی و ویرانگر فلسفه و چرایی نفی و طرد این سلطه و سیطره و لزوم مبارزه با آن می‌باشد.

همچنین ایشان علت تسلط غرب بر سبک زندگی ممل محروم و مسلمان، از جمله در کشور ما را، علاوه بر هشیاری و زیرکی و تلاش مضاعف دشمن، خیانت و ضعف و کم‌کاری مسئولان این ممالک دانسته و در این رابطه می‌فرماید: «دشمن متأسفانه با استفاده‌ی از ضعف و خیانت سران وابسته‌ی نظام‌های اسلامی، از جمله در کشور ما در طول سال‌های پیش از انقلاب، توانسته سبک زندگی خودش را رایج کند. ما اگر بی‌مبالاتی مشاهده می‌کنیم، اگر اسراف مشاهده می‌کنیم، اگر مشکلات گوناگون را در داخل کشور مشاهده می‌کنیم، این به خاطر دور افتادن از اخلاق اسلامی و از سبک زندگی اسلامی است. اگر بخواهیم سبک زندگی اسلامی را حاکم کنیم، باید فرهنگ‌سازی بشود. فرهنگ‌سازی به این وسیله انجام می‌گیرد و شما بهترین کسانی هستید که می‌توانید در میان مردم فرهنگ‌سازی کنید و به معنای واقعی کلمه جریان را به سمت اسلام برگردانید». (بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم‌السلام: ۲۶/۱۱/۱۳۹۸)

این بیانات نشانگر آن است که سبک زندگی در جامعه اسلامی و انقلابی ایران از جمله مهم‌ترین مصادیق فرهنگ است که از گذشته‌های دور مورد هجوم دشمنان اسلام و کفار اجانب بوده و هست و خواهد بود. اما مع‌الاسف، بی‌توجهی به این امر مهم باعث شد دشمن با رخنه در آن توانست تغییرات زیادی هم در بنیادها و هم ظواهر و مظاهر آن ایجاد کند. در مرحله بعدی این خود یکی از کانال‌های ورود و تسلط همه جانبه دشمن بر مقدرات جامعه بوده است. اکنون و س از سال‌های متمادی ما شاهد حضور بسیار پررنگ فرهنگ اجنبی و کفار بر ارکان فرهنگ جامعه اسلامی، از سبک زندگی خود هستیم. توجه به این مطلب در بیانات رهبر معظم انقلاب، به ویژه در بیانیه گام دوم را می‌توان از مهم‌ترین مصادیق توجه به قاعده فقهی نفی سبیل دانست.



## نتیجه

همچنانکه گفته شد، قاعده نفی سبیل از جمله مهم‌ترین قواعد فقهی و در بسیاری موضوعات و مسائل علمی و حوزه‌های مطالعاتی از مبانی و اصول زیربنایی محسوب می‌شود. فرهنگ و عناصر و مظاهر گسترده آن در جوامع بشری از جمله جوامع اسلامی و نیز جامعه انقلابی ایران، یکی از حوزه‌های مطالعاتی است که قواعد فقهی، می‌تواند از مبانی و اصول آن شمرده شود. زیرا دست آوردهای علمی، به خصوص در حوزه‌های کاربردی نظیر، اخلاق، آموزش و پرورش، سبک زندگی، و...، که از مظاهر فرهنگ به حساب می‌آیند، همگی مبتنی به مجموعه‌ای از مبانی و اصول هستند که قاعده نفی سبیل از جمله مهم‌ترین آنهاست.

از سویی دیگر، فرهنگ و عناصر و مظاهر آن در یک جامعه، به خصوص جامعه اسلامی و انقلابی مانند ایران، در گذر زمان به علل گوناگون دستخوش تغییرات می‌شود. اگر دست اندرکاران امر در جوامع مراقب این تغییرات نباشند، پس از مدتی آرام آرام مغلوب فرهنگ‌های غالب می‌شوند. حال اگر جامعه‌ای مانند جامعه اسلامی و انقلابی ایران دارای دشمنانی با برنامه‌های دقیق برای تهاجم فرهنگی باشند، این مسئله از حساسیت بیشتری برخوردار خواهد بود. به همین جهت رهبری معظم انقلاب، مانند نگهبانی بیدار و هشیار دائماً در حال رصد امورات فرهنگی جامعه بوده‌اند. ایشان در همه تصمیم‌گیری‌ها و بیانات، از جمله در بیانیه گام دوم انقلاب به این امر مهم توجه دوچندان و فوق‌العاده‌ای را مبذول داشته‌اند. ایشان با دقت و حساسیت زیادی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بر مسئله فرهنگ و نیز نگاه تهاجمی دشمن به این حوزه را رصد کرده و با توجه به مبانی دینی و اصول و قواعد پذیرفته شده در دین مقدس اسلام، از جمله قاعده نفی سبیل تذکرات و توصیه‌های لازمی را بیان داشتند. مسائل مربوط به علوم، رسانه و سبک زندگی، از جمله مهم‌ترین اموری بود که به عنوان مصادیق و مظاهر فرهنگ جامعه اسلامی، مورد توجه رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم بوده است.





در حوزه علوم، وارداتی بودن مبانی و روش‌های پژوهش در آن و حتی شیوه‌های رایج در دانش‌ها، به گونه‌ای که این از حالت وابستگی محض خارج شده و به صورتی بومی‌سازی و اسلامی‌سازی شود، مورد توجه ایشان بوده است.

در حوزه رسانه، به عنوان بارزترین و تأثیرگذارترین ابزار دشمن برای تسلط همه جانبه، و چگونگی مقابله با آن و نیز مجهز کردن جامعه و به ویژه جوانان و نوجوانان، به گونه‌ای که مقهور آن نشده و برخورد فعالی با آن داشته باشند، مورد توجه ایشان در بیانیه بوده است.

و بالاخره، در حوزه سبک زندگی، به عنوان بارزترین صحنه تأثیرپذیر از دشمن در جامعه، که هم گستره وسیع‌تری نسبت به دیگر مظاهر فرهنگ را داشته و همه اعضای اجتماع را در بر می‌گیرد و هم تأثیرپذیری آن بسیار بیشتر از دیگر مظاهر فرهنگ جامعه است، نیز مورد توجه ویژه ایشان بوده است. به بیان ایشان، تأثیر تسلط غربیان بر سبک زندگی مسلمانان در بسیاری از کشورهای اسلامی و از جمله کشور ایران به صورت تغییر در خوراک، پوشاک، رفتارهای درون خانواده، اعتقادات و باورهای دینی و مذهبی، مباحث اخلاقی و... به وضوح قابل مشاهده است که باید هشیار و نسبت به آن حساس بود.

در مجموع تأثیرپذیری مجموعه بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، از قاعده فقهی نفی سیل غیرقابل انکار است. البته ما در این نوشتار تنها یکی از ابعاد آن، یعنی فرهنگ و مظاهر و عناصر فرهنگ در جامعه اسلامی و انقلابی ایران را بررسی کرده‌ایم. اما جای پژوهش بیشتر و بررسی تأثیرپذیری بیانیه در ابعاد دیگر از قاعده فقهی نفی سیل هنوز باز است.



## منابع

### قرآن کریم.

- (۱) ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم، نشر دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.
- (۲) ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، نجف اشرف، نشر دار المرتضویة، ۱۳۵۶.
- (۳) بجنوردی، سید محمد حسن، القواعد الفقیهیه، قم، نشر الہادی، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- (۴) پورامینی، محمدباقر، سبک زندگی؛ منشور زندگی در منظر امام رضا علیه السلام، مشهد، انتشارات: قدس رضوی، ۱۳۹۲.
- (۵) خمینی، سید روح الله موسوی، کتاب البیع، تهران، نشر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۱۴۲۱ ق.
- (۶) سیاح، احمد، ترجمه المنجد لويس محلوف، تهران، انتشارات اسلام، چاپ هفتم، ۱۳۸۷.
- (۷) صداقتی فرد، مجتبی، جامعه شناسی (کلیات، مفاهیم، پیشینه)، تهران، نشر ارسباران، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
- (۸) طاهری، حبیب الله، قواعد فقه، قم، انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۷.
- (۹) طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، نشر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ هفتم، ۱۴۱۷ ق.
- (۱۰) عبدالمهی، رسول، مبانی نظری و آثار عملی قاعده نفی سبیل، قم، نشر المصطفی، ۱۴۰۰.



- ۱۱) عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۸۶.
- ۱۲) فاضل موحدی لنگرانی، محمد، القواعد الفقهیه، قم، نشر مرکز فقه الاثمه الطهار (ع)، ۱۳۸۳.
- ۱۳) مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیه، قم، نشر مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۷۰.
- ۱۴) مکارم شیرازی، ناصر، ترجمه قرآن، قم، دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، چاپ دوم، ۱۳۷۳.
- ۱۵) مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، نشر دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
- ۱۶) مهدوی کنی، محمد سعید، مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره ۱، ۱۳۸۶.
- ۱۷) نفیسی، علی اکبر، فرهنگ نفیسی، تهران، نشر کتاب فروشی خیام، ۱۳۱۸.



## تحلیل مبانی قرآنی تداوم انقلاب اسلامی با رویکرد بیانیه گام دوم

علی کریم پور قراملکی\*

### چکیده

انقلاب اسلامی، تحولی عمیق در ابعاد عقیدتی، روحی و رفتاری مردم مسلمان ایران به شمار می‌آید. تحول مذکور، بر اساس دارائی‌های اعتقادی، روحی و رفتاری ایجاد شد که در قرآن کریم، به آنها در آیات مختلف اشاره گردیده است. پیش فرض‌هایی که به نوبه خود، هر کدام به تنهایی ایجاب تداوم و استمرار انقلاب اسلامی را به همراه خود دارند. آموزه‌های عقیدتی، اخلاقی و عملی، از جمله مبانی قرآنی محسوب می‌شوند که مفاد صریح برخی از آیات متعدد قرآن هستند. در این نوشتار، سعی می‌شود با بهره‌گیری از شیوه توصیفی و تحلیلی به تبیین مبانی فوق پرداخته شود. با تأمل در آیات فوق، معلوم می‌گردد مبانی قرآنی محسوب در پیدایش انقلاب، همانند: حق تعیین سرنوشت، حق بهره‌مندی از فیوضات پیامبر (ص)، حق اجابت حیات معنوی و ... از جمله مبانی قرآنی در تداوم انقلاب هم به شمار می‌آیند. در نتیجه، استمرار انقلاب همانند پیدایش آن، منطبق بر مفاد و مقاصد آیات است.

**واژگان کلیدی:** تداوم انقلاب، مبانی قرآنی انقلاب، انقلاب اسلامی، تفسیر و جامعه.

---

\*. استادیار جامعه المصطفی العالمية: karimpoorali@yahoo.com



## مقدمه

کلمه «انقلاب»، عنوانی است که در برخی از مقاطع خاص در تاریخ حیات بشریت، برجستگی پیدا کرده است. معلوم است که مقصود از انقلاب، تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و ... است. ریشه‌یابی علل وقوع این دگرگونی‌ها و تداوم آنها، می‌تواند از موضوعات مهم در مباحث علوم سیاسی و اجتماعی به شمار بیاید. تبیین علل انقلاب اسلامی ایران در حدوث و بقا آن نیز، یکی از این نوع موضوعات قابل بحث و بررسی است؛ چرا که به قول مقام معظم رهبری: «برای همه‌چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است؛ آن‌ها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه‌ی عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری، هیچ یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمی‌توان مردمی را تصور کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند.» (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی)

در این میان، پرداختن به مبانی انقلاب با رویکرد قرآنی، از اهمیت دوچندانی برخوردار است؛ چرا که انقلاب‌هایی مانند انقلاب کبیر فرانسه در محیط مسیحیت در سال ۱۹۷۸ میلادی و انقلاب اکتبر روسیه، ۱۹۱۷ میلادی در تبدیل جامعه فئودالیت و تزاری به جامعه کمونیستی در محیط مسیحیت رخ دادند ولی انقلاب بزرگ ایران در محیط اسلامی اتفاق افتاد.

این در حالی است که هر دو انقلاب مسیحی، بعد از سالیانی چند از بین رفتند؛ چرا که انقلاب فرانسه، بعد از ۱۵ سال به فراموشی سپرده شد و انقلاب کمونیستی هم بعد از ۷۰ سال با فروپاشی مواجه گردید. (محمدی ۱۳۹۱/۱۲۳) اما انقلاب ایران هم چنان به بالندگی و طراوت



خود، بیشتر از گذشته، در شرایطی که از همه جهات با انواع هجوم‌های رسانه‌ای و تحریمی از سوی ایالات متحده و اروپایی‌ها مواجه است، پیش می‌تازد. شاهد بر آن، حاکمیت و پیروزی گروه‌های مقاومت در کشورهای کثیری مانند لبنان، فلسطین، عراق، یمن و سوریه است. حال، سؤال این است که دلایل این بقاء در انقلاب اسلامی با رویکرد قرآنی چیست؟ بدون شک، در بقاء انقلاب اسلامی عواملی همچون: قرآن کریم و سنت، حائز اهمیت و نقش اول دارند، لذا در این نوشتار سعی می‌گردد دلایل بقاء انقلاب اسلامی از منظر آیات قرآن مورد بازبینی قرار بگیرند.

### مبانی در لغت و اصطلاح

کلمه «مبانی» از نظر لغت، جمع است و مفردش، مبنی می‌آید. واژه مبنی هم، اسم مکان به معنای محل بنا است؛ چرا که لغت شناسان، کلماتی مانند بنی، بناء، بنیان و بنایه را به معنای بناء ساختن دانسته‌اند. (راغب اصفهانی ۱۴۲۶: ۱/۱۴۷؛ قرشی ۱۳۷۱: ۲/۲۳۲) از این رو، باید گفت که «مبانی» در لغت به معنای پایه‌ها، اصول و دلایلی است که ساخت چیزی را بر روی خود می‌پذیرد. همان‌طور که در احادیث آمده است: «الکلمات الذی بنی علیه الاسلام خمسة: سبحان الله، الحمد لله، لا اله الا الله و الله اکبر؛ کلماتی که اسلام بر روی آنها ساخته شده است، پنج چیز است: سبحان الله، الحمد لله، لا اله الا الله و الله اکبر». (طریحی ۱۳۶۷: ۱/۶۴)

واژه «مبانی» در اصطلاح هم، به آن پیش فرض‌ها و ادله‌ای اطلاق می‌گردد که وجود علمی را توجیه می‌نماید. به عنوان مثال، علم تفسیر قرآن، زمانی می‌تواند پدید بیاید که مفسر قبل از تفسیر، پایه‌هایی مانند امکان تفسیر، و حیانت، فهم‌پذیری و جاودانگی و جهانی بودن قرآن را مسلم و مدلل برای خود بکند.

لکن مقصود از کلمه «اصول»، آن پایه‌هایی است که به همراه روند تفسیر، بایستی از ناحیه مفسر مورد توجه قرار گرفته و مراعات گردد، مواردی از قبیل توجه به قرائن داخلی و خارجی،



عدم مخالفت با احکام عقلی و اخلاقی، دقت در ارتباط آیه با آیات قبل و بعد، شأن نزول و فضای آن و ... از گونه اصول به شمار می‌آیند. (رضایی اصفهانی ۱۳۸۴: ۹۸/۱)

در محل بحث نیز، که سخن از مبانی انقلاب اسلامی است مراد از مبانی، آن اصول و پایه‌هایی است که با توجه بر آنها، انقلاب رخ داده و به لحاظ آنها، تداوم و استمرار خواهد داشت. نوشتار کنونی، به دنبال تبیین موارد مذکور با رویکرد قرآنی است. البته، از آنجا که مبانی مزبور، در جهات عقیدتی، روحی و رفتاری قابل بررسی است، نوشته را در ابعاد فکری، روانی و عملی پی می‌گیریم

### بررسی مبانی عقیدتی و فکری با رویکرد قرآنی

خداوند در لابلای آیات قرآن، به آموزه‌هایی می‌پردازد که هر یک می‌توانند به تنهایی مبدأ خیزش امت اسلامی و تداوم آن به شمار بیاید. برخی از آنها، به شرح ذیل است:

#### ۱. حق آزادی و تعیین سرنوشت

بر اساس آموزه‌های قرآن کریم، خداوند انسان را آزاد آفریده است. تنها خداوند می‌تواند بر انسان سلطنت داشته باشد مگر اذنی از سوی او صادر گردد. خداوند، افراد مذکور را در آیات مربوط به ولایت‌پذیری خدا، رسول و امام توسط آحاد جامعه متذکر می‌گردد. به عنوان نمونه، خداوند در آیه ۵۵ سوره مائده «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» به والیان مذکور بعد از رسول‌الله (ص) به همراه اوصافشان اشاره می‌نماید هرچند برخی از مفسران، دلالت آیه را از روی تعصب انکار نموده‌اند. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۸۴/۱۲) لکن تقریباً همه بزرگان اهل سنت، ارتباط آیه با ولایت و امامت حضرت علی (ع) و شأن نزول آن را نقل نموده‌اند. (ابن جریر طبری: ۱۴۱۲: ۱۸۶/۶؛ حافظ ابوبکر الحصاص الرازی ۱۴۰۵: ۵۴۲/۲؛ حاکم نیشابوری / ۱۰۲؛ حافظ ابوالحسن الواحدی نیشابوری / ۱۴۸؛ زمخشری ۱۴۰۷: ۶۴۹/۱).



از آنچه بیان شده، معلوم گردید که افراد غیر معصوم، هیچ کسی نمی تواند فکر و روح و رفتار خود را بر فرد دیگری حاکم بکند مگر اینکه آن فرد از سوی آن حضرات معرفی شده باشد، خواه با اسم مشخص مانند نواب اربعه و خواه با اوصاف کلی که در شخص ولی فقیه ظهور و مصداق پیدا می کند.

روشن است، عرضه و تزریق چنین فکری به جامعه مسلمانان که در راستای تائید آزادی انسان در حیات حسی و معنوی خود است، می تواند زمینه و پایه ای برای طرد هرگونه فکر غیر دینی در بعد حکمرانی و ولایت در بین آحاد مسلمانان به شمار بیاید.

به عنوان نمونه، آیات مربوط به حق تعیین سرنوشت جامعه اسلامی به دست خود هم، در راستای همین حق آزادی است. آیاتی همانند: آیه: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (انفال/۵۳)، و نیز آیه: «... إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ آلٍ» (رعد/۱۱) به سنت قطعی خداوند درباره جامعه اشاره می کند. در آیه نخست، تبدیل نعمت به نعمت در اثر تغییر نفوس خود مردم با ارتکاب گناهان مورد اشاره قرار می گیرد. همان طور که در آیه دوم، به طور کلی تغییر مسیر مردم در سعادت و نکبت توسط خود آنان، بیان می شود. (طباطبایی ۱۴۱۷: ۱۰۱/۹؛ همو: ۳۱۰/۱۱) به عبارت دیگر، خداوند در آیه نخست با توجه به سیاق آیات قبل و بعد، به استمرار نعمت و ادامه آثار و برکات آن در جامعه اشاره می نماید که تا زمان خواهان مردم، ادامه می یابد لکن مفهوم آیه دوم بر اساس سیاق آن، دلالت بر این دارد که نعمت خواسته شده توسط مردم، به دست خداوند تأیید گشته و غیر از او، کسی توان تغییر آن را ندارد.

حال، اگر مفاد چنین آیاتی که بر آزاد بودن مردم در انتخاب مسیر خود دلالت دارند، با آیاتی که در آنها از ولایت پذیری غیر خداوند نهی گردیده است، مانند آیه: «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ





الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاءً وَ يُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ؛ افراد باایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند؛ و هر کس چنین کند، هیچ رابطه‌ای با خدا ندارد (و پیوند او بکلی از خدا گسسته می‌شود)؛ مگر اینکه از آنها پرهیزید (و به خاطر هدف‌های مهم‌تری تقیه کنید). خداوند شما را از (نافرمانی) خود، بر حذر می‌دارد؛ و بازگشت (شما) به سوی خداست» (آل عمران/۲۸)، در کنار هم بگذاریم، نتیجه گرفته می‌شود که انسان معتقد به خداوند، حق ندارد در حیات فردی یا اجتماعی خود، ولایت غیر خداوند را بپذیرد مگر ولایت آن کسی که او را به سمت خداوند رهنمون بکند؛ چرا که بر اساس آیات فوق، هر مؤمنی حق دارد که تنها، حاکمیت خداوند و فردی که مأذون از ناحیه او باشد را بپذیرد.

از اینجا، معلوم می‌شود که عدم جواز شرعی ولایت غیر خداوند در حوزه حیات فردی و اجتماعی، یکی از پیش فرض‌هایی است که انسان مؤمن را برای انتخاب نظام اسلامی و صیانت از آن سفارش می‌کند. به طوری که هرگونه تخطی از این، عذاب‌های دنیوی و اخروی خداوند را به دنبال دارد.

## ۲. حق بهره‌مندی از فیوضات پیامبر (ص)

خداوند در آیه: «رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا»، (طلاق / ۱۱) اخراج از ظلمات به سوی نور را از وظایف پیامبر اسلام معرفی می‌کند. در این آیه شریفه، دو نکته حائز اهمیت است:

الف- اختصاص اخراج از ظلمت‌ها به سوی نور به مؤمنان و نیکوکاران است. معنای اختصاص افراد مؤمن و نیکوکار به اخراج، این نیست که افراد دیگر رها می‌شوند؛ بلکه برای اشاره به این است که چون افراد مؤمن، زمینه را برای بهره‌مندی از فیوضات پیامبر در خود مهیا می‌کنند،



خداوند این اثرگذاری را، مختص آن‌ها نموده است. همانطور که خداوند در برخی از آیات خود، هدایت‌گری قرآن را منحصر به متقین می‌نماید. (طباطبایی ۱۴۱۷: ۲۲/۴)

ب- بخشش رزق توسط خداوند به افراد مؤمن و نیکوکار. خداوند در این آیه شریفه، رزی را از طرفی، نکره بیان نمود تا اشاره به عظمت و اهمیت آن رزق بکند و از طرف دیگر، مقید به چیزی نفرمود تا اشاره بکند بر اینکه رزق مذکور، می‌تواند هم رزق دنیوی باشد و هم رزق اخروی، و نیز می‌تواند اعم از رزق در حیات فردی باشد یا رزق در حیات جمعی. (ناصر مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۵۶/۲۴)

نتیجه دو نکته پیشین، این می‌شود که انسان معتقد و متقی، هنگامی می‌تواند از فیوضات رسول‌الله بهره‌بردار گردد که زمینه را در حیات فردی و جمعی خود آماده بکند و الا امکان معمولی ندارد که با ناسالم بودن محیط، انسان متقی بتواند به طور کامل متأثر از سفارشات رسول‌الله گردد. پس، برای اینکه انسان مؤمن بتواند در حوادث روزگار در ابعاد فکری و عملی از هدایت‌های خداوند یا پیامبر بهره‌مند گردد، در نوبت نخست لازم و ضروری است که نظام اسلامی موجود را تداوم بخشد تا بهره‌مندی از فیوضات را برای خود صیانت بخشد.

### ۳. حق اجابت حیات معنوی

بر اساس بیان مفسران اسلامی، مقصود از حیات در آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ» (سوره انفال/۲۴)، حیات مادی نیست که در آن، انسان به امکانات مادی برسد و به صورت مرفه زندگی نماید؛ بلکه حیات معنوی است به این معنا که انسان بداند در زندگی‌اش، بی‌هدف نیست، و تنها برای این زندگی دنیوی، مختص نیست، و زندگی دنیایی او باطنی دارد که در آخرت، زندگی ظاهری او را تشکیل خواهد داد و ... در یک کلام، منظور از حیات معنوی، نجات از



نگرانی‌های حاصل از دنیا و آرامش بخشی به انسان در سایه باور و اعتقاد به آورده‌های رسول‌الله است. (طوسی بی تا: ۱۰/۱/۵؛ صادقی تهرانی ۱۳۶۶۵: ۱۶۷/۱۲)

معلوم است، حیات مذکور، محدود به حیات فردی نیست که اگر انسان در حیات شخصی خود، در اثر فرامین رسول‌الله روحیه معنوی پیدا کرد، آن را تداوم بخشد؛ بلکه حیات جمعی را نیز شامل است به این معنا که در حیات گروهی هم وظیفه دارد که وضعیت پاکیزه حاکم بر محیط جمعی خود را نیز مسئولیت دارد حفظ و صیانت بکند تا بتواند در همه ابعاد، از حیات معنوی بهره‌مند گردد؛ چرا که انواع حیات‌ها به هم دیگر در حیات انسان گره خورده‌اند.

#### ۴. فلسفه انزال قرآن کریم

مطالعه و دقت در آیاتی که فلسفه انزال قرآن کریم را بیان می‌کنند، معلوم می‌شود که قرآن کریم به خاطر سه نکته مهم ذیل، از طرف خداوند نازل گردیده است:

**الف - وظیفه تشکیل حکومت و حکمرانی؛** خداوند در آیاتی مانند آیه ۴۸ سوره مائده:

«وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ...» (مائده/۴۸) و آیه: «إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا» (نساء/۱۰۵)، متذکر می‌شود که هدف از انزال آموزه‌های قرآن کریم، حکم در میان همه مردم است. به خصوص، اینکه در آیه نخست هم، ضمیر «هم»، به اهل کتاب بر نمی‌گردد؛ بلکه به خاطر قرینه مقامیه که سخن از منافقین در آیه قبلی بود، مردم غیر یهودی را هم شامل است. (طباطبایی ۱۴۱۷/۵: ۳۴۸)

حکمرانی توسط قرآن زمینه می‌خواهد و زمینه‌اش هم، تشکیل حکومت و آماده‌سازی محیط برای پیاده‌سازی احکام قرآن در متن آحاد مردم است.

**ب - هدایتگری و بصیرت افزایی؛** در آیه: «وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي

اِخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (نحل/۶۴)، ضمیر در «لهم»، به قریش بر نمی‌گردد؛ بلکه



همه مردم را شامل است به دلیل آنکه اختلاف در ابعاد زندگی، مختص قوم قریش نیست. (آلوسی ۱۴۱۵: ۴۱۳/۷) افزون بر اینکه، بیان توسط قرآن کریم نیز، منحصر به مورد خاصی نیست؛ بلکه شامل رفع همه شبهات، شکوک و اختلافاتی است که از ناحیه افکار مریض پدید می‌آید، است. (فضل‌الله ۱۴۱۹: ۲۵۲/۱۳)

روشن است، وقتی متولیان بیان، اعم از خود پیامبر یا اولیای الهی می‌توانند مردم را نسبت به آموزه‌های الهی آگاه بکنند که زمینه بیان؛ یعنی جامعه در دست صالحان باشد و ابزار بیان در اختیار آنها باشد. بنابراین، لزوم هدایتگری و مسئولیت متولیان دینی هم، به نوبه خود مقتضی ادامه حکومت و نظام اسلامی می‌باشد. به عبارت دیگر، به همان علتی که بر قراری حکومت به خاطر آن از ضروریات به حکم عقل است. همان عقل هم حکم می‌کند که جهد استمرار آگاهی‌بخش جامعه توسط عالمان دینی، بقاء نظام اسلامی نیز از اوجب واجبات می‌باشد.

مقام معظم رهبری در این باره، چنین بیان می‌دارند: «بیش سیاسی آحاد مردم و نگاه آنان به مسائل بین‌المللی را به گونه‌ی شگفت‌آوری ارتقاء داد. تحلیل سیاسی و فهم مسائل بین‌المللی در موضوعاتی همچون جنایات غرب بخصوص آمریکا، مسئله‌ی فلسطین و ظلم تاریخی به ملت آن، مسئله‌ی جنگ‌افروزی‌ها و رذالت‌ها و دخالت‌های قدرت‌های قلدر در امور ملت‌ها و امثال آن را از انحصار طبقه‌ی محدود و عزلت‌گزیده‌ای به نام روشنفکر، بیرون آورد؛ این گونه روشنفکری میان عموم مردم در همه‌ی کشور و همه‌ی ساحت‌های زندگی جاری شد و مسائلی از این دست حتی برای نوجوانان و نونهالان، روشن و قابل فهم گشت.» (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی).

**ج- برپایی عدالت اجتماعی؛** در آیه شریفه: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/۲۵)، طبق تفسیر مرحوم علامه طباطبایی، مقصود از «میزان»، دین نازل گشته توسط قرآن کریم است نه ترازوی محسوس که در بین مردم در هنگام



معاملات کاربرد دارد و نه عقل که مردم دارا می‌باشند. (طباطبایی ۱۴۱۷: ۱۷۰/۱۹) چون دین، همانطور که حیات فردی انسان را سامان می‌دهد، زندگی اجتماعی انسان را نیز نظم می‌بخشد و بدان قوام می‌دهد. پس، برای اینکه انتظام انسان در بعد جمعی هم ادامه پیدا بتواند بکند، نیاز به این است که دین در صحنه اجتماع نیز حضور داشته باشد تا مردم بتوانند با آموزه‌های دین، به عدالت برسند و حق هر صاحب حقی را به غیر او ندهند؛ بلکه به خود صاحب حق بدهند. از اینجا، معلوم می‌شود همانطور که دین در حدوث عدالت میان مردم محور اساسی است در بقاء عدالت نیز، اساس و پایه محسوب می‌گردد. از این رو، برپایی عدالت در حدوث و استمرار همیشه محتاج دین اجتماعی و فردی است تا عدالت در بین بشریت برقرار گردد؛ چرا که این، تنها دین است که در دل خود، عدالت‌پروری را تولید می‌کند. به بیان دیگر، دینداری حقیقی انسان، در وقتی حقیقت پیدا می‌کند که میوه دین؛ یعنی اقامه عدالت هم در میان آنها رؤیت بشود. پس، دین برای همیشه محل بروز و ظهور و نیز مقتضی عدالت در جامعه است.

### ۵. اقتضای عمومیت عمل صالح

می‌دانیم که در آیات متعددی از قرآن کریم، بر ایمان در کنار عمل صالح سفارش فراوان شده است. شاید، رمز اشاره به این دو محور اساسی، برای این باشد که برای نجات از آتش جهنم، ایمان و سلامتی ریشه، امر لازمی است. اما برای ورود به بهشت هم، داشتن عمل صالح نیاز محوری است. از طرف دیگر، عمل صالح، تنها مختص امور شخصی همانند روزه و خمس و نمازهای شبانه‌روزی نیست؛ بلکه کارهایی که در جمع وجود می‌تواند داشته باشد را نیز شامل است. از جمله آنها، تعاون بر برّ و تقوا و پرهیز از اثم و عدوان در حیات جمعی است که بر اساس آیه: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْاِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (مائده/۲) بدان اشاره شده است. (طباطبایی ۱۴۱۷: ۱۶۳/۵) همین‌طور، طبق ذیل آیه: «مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ ذَلِكَ



بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطْؤُنَّ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نَيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (توبه/۱۲۰)، شکل راهپیمایی و تظاهرات گروهی برای به خشم در آوردن دشمن، از مصادیق عمل صالح است که با رؤیت قدرت جمعی مسلمانان به آنها دست می‌دهد. (قرآنی ۱۳۸۳: ۵۲۰/۳)

بدیهی است، تشکیل نظام اسلام و نگه داری و حمایت از آن، از بارزترین و مهم‌ترین مصادیق تظاهراتی است که می‌تواند دشمنان اسلام را به وحشت بیندازد؛ چرا که قدرت و اقتدار اسلامی، همانطور که در راهپیمایی جمعی به نمایش گذاشته می‌شود، خود نظام اسلامی و مردم‌سالاری دینی هم می‌تواند آنها را به خشم و هراس بیندازد.

#### ۶. استمرار بخشی به اقتدار ایمان

ایمان در وجود مسلمان، همانطور که در بعد زندگی فردی او باید بروز داشته باشد در حیات اجتماعی او بایستی ظهور داشته باشد. از اینرو، همان‌گونه که انسان مسلمان باید خداوند را در شکل نماز و روزه و خمس عبادت بکند و معاملات را به شکل شرعی انجام بدهد، لازم و واجب است که حیات جمعی‌اش هم بر طبق رنگ ایمان باشد؛ یعنی ایمان هم در زندگی جمعی او ظهور و نمود داشته باشد. یکی از نمودهای ایمان، حس اقتدار در جامعه اسلامی است که از اعتماد به نفس و حس برتری مسلمانان ناشی می‌شود. این معنا، از مفاد آیاتی مثل آیه: «و لَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران/۱۳۹) و آیه: «فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكُمُ أَعْمَالَكُمْ» (محمد/۳۵)، قابل برداشت است.

کسب قدرت و حفظ آمادگی نیز، از ملزومات دیگر ایمان در جامعه اسلامی است که مفاد آیه: «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ» (انفال/۶۰)، بدان صراحت دارد.



معلوم است، حکومت دینی و نظام اسلامی از مهم‌ترین جلوه‌های کسب قدرت ظاهری و اقتدار دینی در مقابل دشمنان است که می‌تواند از کیان دین اسلام حمایت و دفاع بنماید.

## ۷. رویکرد اسلام ظلم‌ستیز

آموزه‌های اسلامی که قرآن کریم، آن را معرفی می‌نماید، پرچم مبارزه با ظلم و ستم را در ابعاد فردی و اجتماعی بر دوش دارد و از متدینان خود، چنین انتظاری را دارد، لذا قرآن کریم، نه با اسلام زراندوزان موافق است و نه با اسلام گوشه‌نشینی همسوست. به عنوان نمونه، خداوند در آیات مختلفی مثل آیه: «... وَ قَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا؛ ... و هر که بار ستم بر دوش بکشد، نومید می‌گردد.» (طه/۱۱۱) که ظالمین و غیر مؤمنان را در روز قیامت، نومید از رحمت خداوند معرفی می‌کند (طباطبایی ۱۴۱۷: ۲۱۲/۱۴) و یا آیه: «وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ؛ و خدا مردم ستمگر را هدایت نمی‌کند.» (سوره آل عمران/۸۶) که افراد ستمگر را از شمول هدایت خداوند خارج می‌نماید. همین‌طور، آیه: «أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ؛ آگاه باشید که نفرین خدا بر ستمگران است» (هود/۱۸) که محرومیت ظالمین را از لطف الهی بیان می‌کند. خداوند در همه این نوع، بیان می‌کند که در آموزه‌های دین اسلام، نه ظلم معنا دارد و نه ستم پذیری محل دارد. همان‌گونه که مقام معظم رهبری در توصیف انقلاب اسلامی می‌نویسند: «این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی‌رحم و خون‌ریز بوده و نه منفعل و مردد. با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است. این جوانمردی و مروّت انقلابی، این صداقت و صراحت و اقتدار، این دامنه‌ی عمل جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان، مایه‌ی سربلندی ایران و ایرانی است، و همواره چنین باد.» (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی)



حال، پرسش این است، دینی که چنین تعالیمی دارد چگونه امکان است که بدون تشکیل حکومت، بتواند در مقابل ظالمین بایستد، خواه ظالم در محدوده خودش یا خارج قلمرو حوزه اسلام؟.

### مبانی روحی و اخلاقی تداوم انقلاب اسلامی

با توجه به آیات قرآن کریم، دین اسلام در ابعاد روحی، دارائی‌هایی را دارد که بر اساس آنها، حدوث انقلاب و تداوم آن ضرورت پیدا می‌کند. از جمله آنها، می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

#### ۱. پاکیزگی روح و حفظ آن

خداوند در برخی از آیات قرآن، مانند آیه: «لَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسان‌ها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست؛ این است آیین استوار؛ ولی اکثر مردم نمی‌دانند! (روم/۳۰)، به فطری بودن نوع خلقت روحی انسان‌ها اشاره دارد. منظور از فطرت، خداجو و خیر پذیر بودن انسان و نیز گزینه ترجیح صدق بر کذب در ذات خود انسان است. (مغنیه ۱۴۲۴: ۱۴۲/۶) انسانیتی که در همه انسان‌ها در تمام زمانها و مکان‌ها به شکل مشترک مشاهده می‌گردد. این انسانیت، به نوعی توسط خداوند خلق شده است که بتواند با بهره‌گیری از عقل خدادادی و راهنمایی رسولان و کتب آسمانی، به سمت سعادت و کمال ابدی که همان «تقرب الی الله» است، نائل گردد. (طباطبایی ۱۴۱۷: ۱۷۷/۱۶)

روشن است، کسی بخواهد این روح خود را با اوصاف و خصوصیات مذکور پایدار نگه بدارد، چاره‌ای جز امر به معروف و نهی از منکر و بالاتر از آن، برقراری حکومت اسلامی و





بقای نظام اسلامی و دینی ندارد؛ چرا که حیات فردی او، از حیات جمعی جداناپذیر است. هر کاری که در جامعه انجام می‌شود در حیات او نیز اثرگذار است.

مقام معظم رهبری در بخشی از متن بیانیه گام دوم انقلاب می‌نویسند: «شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، به شیوه‌ی معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را بازور و فریب، جهنمی کنند.» (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی)

## ۲. تحول‌پذیری روح

بر اساس آموزه‌های قرآنی، روح انسان حالت ثبوت ندارد، لذا انسانی که جرمی را مرتکب شده، می‌تواند برگشت داشته باشد. به عنوان نمونه، خداوند در آیات مختلفی، همچون آیه: «قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ؟» گفت: «جز گمراهان، چه کسی از رحمت پروردگارش مأیوس می‌شود؟!» (حجر/۵۶) ناامیدی از خداوند، خواه در مغفرت یا اعطای نعمت، صفت گمراهان معرفی می‌نماید. همانطور که جناب حضرت ابراهیم (ع) در بشارت ملائکه به صاحب فرزند شدن ایشان در سنین پیری، بعد از اظهار امیدواری خود به خداوند، از جدی بودن بشارت می‌پرسد تا به اطمینان کامل برسد. (مدرسی ۱۴۱۹: ۴۶۹/۵)

جناب حضرت یعقوب (ع) نیز، در آیه: «إِنِّي أَذْهَبُ فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُونُسَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَبِئْسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ؟» پسرانم! بروید، و از یوسف و برادرش جستجو



کنید؛ و از رحمت خدا مأیوس نشوید؛ که تنها گروه کافران، از رحمت خدا مأیوس می‌شوند!»  
(سوره یوسف/۸۷) یأس از رحمت الهی را از اوصاف گروه کفار بیان می‌کند. (ابوحیان ۱۴۲۰:  
۳۱۶/۶)

از امثال این گونه آیات، معلوم می‌شود که روح انسان، برگشت‌پذیر است؛ چرا که فیض خداوند در دادن نعمت یا مغفرت گناهان انسان، محدودیت ندارد مگر اینکه مسئله شرک و عدم اعتقاد به وحدانیت خداوند در میان باشد که خداوند آن را بر اساس آیه ۴۸ سوره نساء، نخواهد بخشید.

حال، بر اساس این مبنی، جا دارد انسانی که به سمت خلاف می‌رفت، اگر بخواهد به سوی صلاح حرکت بکند، راه برایش باز باشد. این حکم، هم در فرد و هم در جامعه جاری و ساری است.

افزون بر این، انسانی هم که در درجه مشخصی از سعادت قرار دارد، می‌تواند به مراحل بالاتر صعود بکند، لذا خداوند در آیات مختلفی از قرآن، به انسان‌ها از این جهت سفارش می‌نماید. تحول انسان از ایمان اجمالی به ایمان تفصیلی، یکی از نمونه‌های بارز به شمار می‌آید که خداوند در آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا» ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خدا و پیامبرش، و کتابی که بر او نازل کرده، و کتب (آسمانی) که پیش از این فرستاده است، ایمان (واقعی) بیاورید کسی که خدا و فرشتگان او و کتاب‌ها و پیامبرانش و روز واپسین را انکار کند، در گمراهی دور و درازی افتاده است.» (نساء/۱۳۶) بدان اشاره می‌نماید. (طباطبایی ۱۴۱۷: ۱۱۲/۵)

بنابراین، توان گام گذاشتن برای انسان به مرحله مثبت یا مثبت بالاتر، خود پایه‌ای است محکم که می‌تواند افق رو به جلو را برای انسان روشن نموده، و سعادت و کمال را به ارمغان بیاورد.



معلوم است چنین بنایی، می تواند زمینه و بستر مناسب را برای پدید آمدن انقلاب جهت کنار زدن معاصی و نیز برای حفظ انقلاب جهت نگه داری دست آوردهای آن مهیا بنماید.

## مبانی عملی تداوم انقلاب اسلامی

### ۱. جعل احکام و تکالیف

قران کریم برخلاف تورات و انجیل، فقط مختص آموزه‌های عقیدتی، اخلاقی و روحی نیست؛ بلکه تلفیقی از آموزه‌های اعتقادی، روحی و برخی مسائل رفتاری است که از متدینان، خواسته می شود بدان‌ها التزام عملی داشته باشند. احکام مربوط به نماز، روزه، خمس، زکات، جهاد و ... از این نوع احکام به شمار می آیند؛ چرا که در هر کدام از آنها، خداوند برای ترک کنندگان، وعده عذاب دنیوی یا اخروی می دهد. همین طور، خداوند در برخی از آیات، مثل آیه: «قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ؛ می گویند: «ما از نمازگزاران نبودیم» (مدثر/۴۳)، علت ورود و ابتلاء انسان‌ها به عذاب اخروی را، ترک نماز و امثال آن بیان می کند. از همه اینها، معلوم می شود که جعل احکام در اسلام، صرفاً از امور توصیه‌ای نیست که بشود آنها را ترک نمود؛ بلکه از گونه دستوری و تکلیفی اند که برای مکلف، لازم است آنها را انجام بدهد.

### ۲. انواع احکام فردی و جمعی

احکام مبین در آیات قران کریم، مختص مسائل فردی نیست تا گفته شود که دین از منظر قران، منفک از سیاست است؛ بلکه شامل مسائل جمعی نیز می باشد. شاید، موارد احکام جمعی نسبت به احکام فردی هم بیشتر باشد. از باب نمونه، مسائلی همچون جهاد، دفاع، امر به معروف و نهی از منکر، نماز جمعه، همبستگی و اتحاد اسلامی، مقاومت در برابر ظلم، از آموزه‌های قرانی است که در لابلای آیات متعددی از قران مورد اشاره قرار گرفته است. بارزترین آنها، اطاعت از ولی امر است که طبق آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ



أَحْسَنُ تَأْوِيلًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الأمر [اوصیای پیامبر] را! و هرگاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید (و از آنها داوری بطلبید) اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید! این (کار) برای شما بهتر، و عاقبت و پایانش نیکوتر است» (نساء/۵۹)، بر آحاد امت اسلامی، وظیفه و تکلیف به شمار می‌آید به طوری که در عرض اطاعت از خداوند و رسول خدا تلقی شده است. معلوم است، وقتی حکومت اسلامی در جامعه تشکیل نشود و یا ادامه پیدا نکند، چگونه اطاعت از اولی الامر امکان‌پذیر می‌باشد؟. بنابراین، برای اینکه مسلمانان بتوانند به مفاد این گونه آیات عمل بکنند چاره‌ای جز تأسیس حکومت اسلامی و نگه داری آن ندارند.

### ۳. جعل امر به معروف و نهی از منکر

از آیاتی همچون آیه: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آنها همان رستگارانند» (آل عمران/۱۰۴)، و آیه: «يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ؛ به خدا و روز دیگر ایمان می‌آورند؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند؛ و در انجام کارهای نیک، پیشی می‌گیرند؛ و آنها از صالحانند» (آل عمران/۱۱۴)، به دست می‌آید که راه رستگاری و نیل به صف صالحین، در عمل کردن به اصل امر به معروف و نهی از منکر منحصر و محدود است. معلوم است بخشی از مراتب این اصل، که همان مراحل تنفر قلبی و تذکر لسانی باشد، نیازمند قوه قهریه شاید نباشد ولی مراتب دیگری از آنها، نیاز اساسی به قدرت و امکانات مادی دارد. تهیه این قدرت و اقتدار، تنها با تشکیل حکومت اسلامی و استمرار آن حاصل می‌گردد. بنابراین، اصل مذکور در وقتی می‌تواند به طور کامل در حیات فردی و جمعی پیاده بشود که نظام اسلامی پابرجا باشد. به همین سبب است که امام صادق (ع) در حدیثی فرمودند که: «هذه



خاص غیر عام. كما قال الله: «وَمِنْ قَوْمٍ مُّوسَىٰ أُمَّةٌ يَّهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» (اعراف/آیه ۱۵۹) و لم یقل: علی امة موسی. قال: إنما هو علی القوی المطاع، العالم بالمعروف من المنکر، لا علی الضعفة الذین لا یهدون سبیلا إلى اى من اى. و قال: و لیس علی من یعلم ذلك فی هذه الهدنة من حرج، إذا كان لا قوّة له و لا عدد و لا طاعة؛ این امر به معروف، وظیفه افراد خاص است نه عموم مردم. همانطور که خداوند به جای «علی امة موسی» فرمود: و از قوم موسی، افرادی هستند که با حق هدایت می نمایند...، امام فرمود: آن اصل بر عهده قوی مطاع است که عالم به معروف از منکر هستند نه بر افراد ضعیفی که راهها را نمی شناسند و بر دوش کسانی که متحمل مشقت می شوند هم نیست؛ چرا که آنان، قدرت، نفرات و افراد مطیع ندارند. (کلینی ۸/۸۳/ح ۲۰۸؛ فیض کاشانی ۱۴۱۹: ۱۶۶/۱)

#### ۴. مقاتله با سران کفر

خداوند در آیه: «وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ»؛ و اگر پیمانهای خود را پس از عهد خویش بشکنند، و آیین شما را مورد طعن قرار دهند، با پیشوایان کفر پیکار کنید؛ چرا که آنها پیمانی ندارند؛ شاید (با شدت عمل) دست بردارند! (سوره توبه/۱۲) به مسلمانان دستور می دهد که با سران کفر مقاتله بکنند؛ چرا که آنان برای همه اعصار و امکانه، پیمان شکن هستند و از طرف دیگر، در دین مسلمانان، به دنبال طعنه و ضربه به اسلام هستند. (سید بن قطب ۱۴۱۹: ۱۶۱۰/۳) روشن است، چنین آیاتی مختص عصر رسول گرامی اسلام نیست و از طرفی، عمل به چنین تکلیفی برای هر مسلمانی، در صورتی میسر است که نظام به شکل حکومت اسلامی تأسیس گشته، و قدرت و اقتدار هم متمرکز گردد تا بتوان توسط آن، در مقابل زورگویان عالم ایستاد. همین طور، با بقاء حکومت اسلامی است که می توان در برابر ظالمان و توطئه گران مقاومت نمود و از حیثیت دین اسلام حمایت و دفاع نمود.



همان گونه که مقام معظم رهبری در این باره، بیان می‌دارند: «نماد پر ابهت و باشکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان آمریکای جهان خوار و جنایت‌کار، روزبه‌روز برجسته‌تر شد. در تمام این چهل سال، تسلیم‌ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته‌ی آن در مقابل دولت‌های متکبر و مستکبر، خصوصیت شناخته‌شده‌ی ایران و ایرانی به‌ویژه جوانان این مرز و بوم به شمار می‌رفته است. قدرت‌های انحصارگر جهان که همواره حیات خود را در دست‌اندازی به استقلال دیگر کشورها و پایمال کردن منافع حیاتی آن‌ها برای مقاصد شوم خود دانسته‌اند، در برابر ایران اسلامی و انقلابی، اعتراف به ناتوانی کردند.» (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی)

### نتیجه

از آنچه گذشت، معلوم گردید که:

- ۱- وقوع و بقاء حکومت اسلامی، بر اساس مبانی قرآنی و دینی شکل گرفته و ادامه پیدا می‌کند؛
- ۲- مبانی مذکور، با سه نوع رویکرد عقیدتی، روحی و عملی قابل بررسی و مطالعه است؛
- ۳- مبانی قرآنی پدیداری و پایداری حکومت اسلامی، طبق مبانی عقیدتی همانند آزادی انتخاب، حق بهره‌مندی از فیوضات پیامبر (ص)، حق اجابت حیات طیبه و ... متکی است؛
- ۴- در زمینه مبانی قرآنی انقلاب از حیث اخلاقی، می‌توان به اصل پاکیزگی روح و تحول‌پذیری آن اشاره نمود؛
- ۵- جعل احکام، انواع احکام مجعوله، جعل امر به معروف و نهی از منکر و لزوم مقاتله با سران کفار، از جمله مبانی قرآنی انقلاب از جهت عملی به شمار می‌آید.



## منابع

قران کریم، ترجمه استاد ناصر مکارم شیرازی.

- ۱) ابوحيان، محمد بن يوسف، البحر المحيط في التفسير، بيروت، نشر دار الفكر، ۱۴۲۰ ق.
- ۲) آلوسی، سید محمود، تفسیر روح المعانی، بیروت، نشر دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
- ۳) حافظ ابوبکر الحصاص الرازی، احمد بن علی، احکام القرآن، بیروت، نشر دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- ۴) حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، بیروت، نشر دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق.
- ۵) راغب اصفهانی، ابوالقاسم، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، دار الکاتب العربی، ۱۳۹۲ ق.
- ۶) رضایی اصفهانی، محمد علی، منطق تفسیر قران، قم، نشر جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۸۴ ش.
- ۷) زمخشری، محمود بن عمر، تفسیر الکشاف، بیروت، نشر دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ ق.
- ۸) شاذلی، سید بن قطب بن ابراهیم، تفسیر فی ظلال القران، بیروت، نشر دارالشروق، ۱۴۲۰ ق.
- ۹) صادقی تهرانی، محمد، تفسیر الفرقان، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ ش.
- ۱۰) صادقی تهرانی، محمد، تفسیر الفرقان، قم، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۶ ق.
- ۱۱) طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، قم، نشر جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ ق.
- ۱۲) طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان، تهران، نشر ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
- ۱۳) طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، نشر دارالمعرفه، ۱۴۱۲ ق.



- ۱۴) طریحی، فخرالدین بن محمد علی، مجمع البحرین، بیروت، مکتبه نشر الثقافه الاسلامیه ۱۳۶۷ ش.
- ۱۵) طوسی، محمد بن حسن، تفسیر التبیان، بیروت، نشر دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- ۱۶) فضل الله، سید محمد حسین، تفسیر من وحی القرآن، بیروت، نشر دارالملاک للطباعه و النشر، ۱۴۱۹ ق.
- ۱۷) قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، نشر مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش.
- ۱۸) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، نشر دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
- ۱۹) محمدی، منوچهر، مقایسه انقلاب اسلامی با انقلاب‌های فرانسه و روسیه، تهران، نشر دفتر نشر معارف، ۱۳۹۱ ش.
- ۲۰) مدرسی، سید محمد تقی، تفسیر من هدی القرآن، تهران، نشر دار محبب الحسین، ۱۴۱۹ ق.
- ۲۱) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، نشر موسسه الطباعه و النشر، ۱۴۱۶ ق.
- ۲۲) مغنیه، محمدجواد، تفسیر الکاشف، تهران، نشر دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۲۶ ق.
- ۲۳) مقام معظم رهبری، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷.
- ۲۴) مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ دهم، ۱۳۷۱ ش.
- ۲۵) الواحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، بیروت، نشر منشورات محمد علی بیضون، بی تا.





## منطق کشف مدلول‌های مدیریتی سوره‌ها و آیات قرآن

عبدالمؤمن حکیمی \*

### چکیده

همه انسان‌ها در چارچوب باورها و ارزش‌های خود می‌اندیشند و جهان را از دریچه این چارچوب مشاهده می‌کنند. وقتی درک از انسان و هستی بر اساس پارادایم‌های فکری و فلسفی مختلف، متفاوت و حتی متعارض باشد، علوم برخاسته از آن‌ها نیز در هدف و چارچوب و محتوا و ... متفاوت خواهند بود. از این رو، آیات و سوره‌های قرآن کریم را می‌توان با منطق خاص و در چارچوب باورهای و ارزش‌هایی که انسان مسلمان از آن برخوردار است ارائه کرد. هرچند تاکنون آموزه‌های وحیانی با روش‌ها و منطق‌های مختلفی به منظور کشف معانی، مدالیل و مقاصد آن در گستره‌ی دانش علوم انسانی مورد بررسی قرار گرفته و هرکدام رهاوردی را به رخ کشیده است، ولی در این تحقیق با به کارگیری روش توصیفی-تحلیلی با نگاه متفاوت «منطق کشف مدلولات مدیریتی سوره‌ها و آیات قرآن» به عنوان منطق و روش تحلیل آیات مدیریتی قرآن معرفی و بررسی شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که می‌توان سوره‌ها و آیات مدیریتی قرآن کریم را با سه مؤلفه؛ چارچوب نظری (وحی به عنوان فعل تدبیری و چهار وجهی بودن کارکردها و جهت‌گیری‌های سوره یا آیه)، منطق تبیین (تعبدی-تحلیلی و سیستمی- شبکه‌ای) و برداشت و تفسیر مدیریتی (معرفتی-دانشی و معرفتی-کارکردی) بررسی و تحلیل کرد که ثمره‌ی فرآیند یاد شده دست‌یازیدن به معانی، مقاصد و مدالیل آیات است.

**واژگان کلیدی:** قرآن، منطق کشف، حکمت، مدیریت، رویکرد شبکه‌ای.



## مقدمه

ادعای جامعیت و جاودانگی قرآن از یک سو و دسترسی فوق‌العاده بشر امروزی به حجم وسیع اطلاعات و دانستی‌ها و نیز تنوع بسیار زیاد دانش‌ها به ویژه علوم انسانی از سویی دیگر، اقتضا دارد که هر دانش به سهم و رویکرد خود بتواند بهره کافی را از معارف قرآنی بردارد؛ ضمن اینکه در جهان کنونی که هر لحظه با حجم گسترده‌ای از شبهات و سؤالات در گستره مطالعات قرآنی مواجهیم، تحلیل ابعاد مختلف آیات و سوره‌های قرآن و کشف روش‌ها و رویکردها در آموزه‌های قرآنی از مهم‌ترین مباحثی است که نیاز به پردازش چنین موضوعی را اقتضا می‌کند. منطق تبیین و تحلیل مدیریتی آیات و سوره‌های قرآن نسبت به تفسیر آیات قرآنی چارچوبی را برای دلالت‌های آیات مدیریتی کشف و ارائه می‌نماید و به دور از گرایش‌های التقاطی و با روش مندی عقلایی که ناشی از باروهای اسلامی است، مفاهیم هدفمند قرآنی را برای تنظیم دانش سازمان و مدیریت استنباط می‌نماید.

تحقیقات نشان می‌دهد الگوهای کشف نظام‌مندی قرآن در میان پیشینیان بیش‌تر بر محور نظم طولی و خطی شکل گرفته‌است اعم از اینکه آیات سوره بر یک محور خاص چینش شده‌اند؛ یا اینکه آغاز و پایان سوره بر یک موضوع دلالت دارد؛ یا اینکه پایان هر سوره با آغاز سوره بعد هماهنگ است. (سیوطی، ۱۴۲۱: ۲/۲۲۴-۲۲۷)

نقطه اوج آن را می‌توان در بیان اندیشمندان علوم قرآنی مانند زرکشی، سیوطی و مفسرانی چون بقاعی، طبرسی و دیگران مشاهده کرد. آنچه هم در بیان ادیبان و علمای بلاغت متصور است، چیزی نیست جز تبیین ماهیت گفتاری و نوشتاری متن از حیث انطباقش با معیارهای علوم ادبی و بلاغت. از این‌رو، گفته شده که سنت تفسیری گذشتگان از رهگیری پیوند خطی میان آیات یک سوره فراتر نرفته و با اینکه در نشان دادن این پیوند توفیقی داشته‌اند، اما به اندازه کافی از تغییرات موضوعی در سوره‌ها و آیات قرآن بر نیامده‌اند، زیرا



رہیافت آنان به متن عمدتاً ذوقی و فاقد پس زمینه نظری قانع‌کننده بوده است تا مبتنی بر آن.  
(Awa, ۲۰۰۶:p.۱۶ - ۱۷ El)

در میان معاصران عمده فعالیت‌ها متمرکز بر اثبات ترتیب و مناسبات آیات و سوره در میان گذشتگان، وحدت موضوعی یا ساختار هندسی سوره‌ها بوده است. (خامه‌گر، ۱۳۸۶: ۶۰-۷۱؛ فقهی‌زاده، ۱۳۷۴: ۷۸-۸۲) بدین جهت، الگوهای کارآمدی چون شبکه معنایی قرآن، یعنی حوزه مطالعات معناشناختی در قرآن (مطیع و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۰۷-۱۱۱)؛ روابط بینامتنی در سطح کلان متن (البرزی و منصور، ۱۳۹۲: ۷۰-۷۴)؛ الگوی بازگشتی (ذوقی، ۱۳۹۲: ۱۶۵-۱۶۶) نظریه پیوند (El-Awa, ۲۰۰۶: p.۲۶-۳۲) را شناسایی و معرفی نموده‌اند.

اندیشه‌های نوگرایی فوق در عرصه نظم فراخطی قرآن به‌رغم اندکی، در صورت تطبیق با قرآن موجود و به کارگیری مناسب آن، هم نگرش ما را نسبت به ساختارهای متن قرآنی واقعی‌تر می‌نمایند و هم کارکردهای نوینی از نظم و انسجام قرآن را در عرصه فهم و تفسیر کلام الهی بر ملا خواهند ساخت؛ اما نمی‌تواند دلالت‌های واقعی آموزه‌های قرآنی را کشف و ارائه کند. از این رو، پرسش اصلی پژوهش این است که چه روش‌هایی برای تحلیل مدیریتی آیات و سوره‌های قرآن وجود دارد؟ به عبارت دیگر، قرآن کریم چه منطقی را برای تحلیل و بررسی مسائل مدیریتی به کار برده است؟.

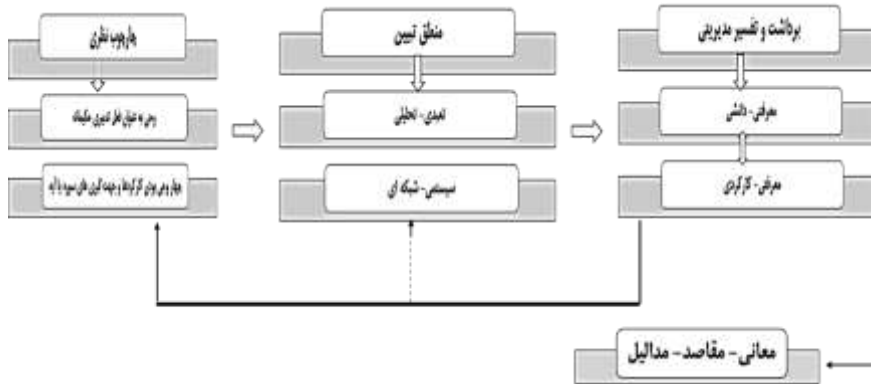
بنابراین، در تفسیر مدیریتی سوره‌ها و آیات قرآن کریم آنچه اهمیتی دو چندان دارد، شناخت و تبیین رابطه آموزه‌های وحیانی که به کمک آن می‌توان اندیشه نظام‌مند و ناشی از رهیافت فراگیر و عام قرآن را نسبت به مشکلات مدیریتی مورد بررسی قرار داد. این رهیافت فراگیر و عام که تحلیل مسائل مدیریتی را به طور روش‌مند و سیستماتیک مورد تدقیق قرار می‌دهد و جوانب مختلف پدیده‌ها و وقایع انسانی را مد نظر می‌گمارد، غیر از روش و رهیافت عینیت‌گرایانه‌ای است که امروزه در علوم تجربی و علوم انسانی بدان استناد می‌شود؛ زیرا



عینیت‌گرایی در کشف و تحلیل بسیاری از رخدادهای مدیریتی و عوامل اعتلا و انحطاط فرهنگ و تمدن و کشف ذهنیت افرادی که سودای عالم غیرمادی و فراطبیعی نیز دارند، عاجز است.

تفسیر مدیریتی که در فضای یک جریان فکری الهی و همه‌جانبه قرار دارد، نوعی شیوه نیل به معرفت و تحول‌پذیری واقع‌بینانه را برای مفسر به ارمغان می‌آورد که به کمک آن می‌توان تمام ساحت‌های روابط انسانی از قبیل رابطه او با خدا، با خود، با طبیعت و با آحاد انسانی را با استناد به آموزه‌های وحیانی تنظیم نماید.

در این مقاله تلاش می‌شود منطق و روش متفاوت برای تبیین و تحلیل مدیریتی آیات و سوره‌های قرآن معرفی شود که فرآیند آن در نمودار زیر نشان داده شده است.



نمودار ۱: الگوی تبیین و تحلیل مدیریتی آیات و سوره‌های قرآن

## مفهوم‌شناسی

### ۱- مدیریت

از مدیریت تعریف‌های مختلفی ارائه شده است. لوئیس آلن (۱۹۵۸)، مدیریت را آنچه

که یک مدیر به انجام آن مبادرت می‌ورزد توصیف کرده است. ( Louis A. Allen, )



۴: ۱۹۵۸) جورج تری<sup>۱</sup> معتقد است که مدیریت یک فرآیند مجزا شامل برنامه‌ریزی، سازماندهی، پیاده‌سازی و کنترل است که در جهت تعیین و تحقق اهداف از طریق به کارگیری افراد و منابع صورت می‌پذیرد. (Rapaka Satya Raju, R, ۲۰۰۶: ۸) از نظر جمیز لاندی<sup>۲</sup> مدیریت بطور اساسی متشکل از وظایف برنامه‌ریزی، هماهنگ‌سازی، ترغیب و کنترل تلاش‌های دیگران به سمت اهداف مشخص است. اساس مدیریت آن چیزی است که مدیر انجام می‌دهد. مدیریت برنامه‌ریزی، اجرا و کنترل است. (Rajan Mishra, ۲۰۰۸: ۲۰۱) در مجموع و در یک تعریف واحد و یکپارچه می‌توان مدیریت را علم، هنر و تخصصی دانست که در آن یک مدیر طی یک فرآیند اجتماعی متشکل از برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت، سرپرستی، ترغیب و کنترل به جهت‌دهی فعالیت افراد و پرسنل می‌پردازد و با رهبری و تصمیم‌گیری در مورد فعالیت‌ها و امور و یکپارچه کردن آنها سعی دارد تا به صورت بهینه و با کمترین صرف هزینه به خدمت‌رسانی و تحقق اهداف از پیش تعیین شده در سازمان دست یابد.

## ۲- حکمت

از نظر لغوی حکمت به معنای منع و بازداشتن برای اصلاح است. به همین جهت افسار اسب را «حکمه» می‌گویند زیرا اسب را از سرکشی و تمرد باز می‌دارد و او را مطیع و رام می‌سازد. همچنین فرمان‌های مولوی را از آن جهت «حکم» می‌گویند که مکلف را از انجام کارهای دلخواه خود باز می‌دارد و قاضی را «حاکم» نامیده‌اند، زیرا حکم او مانع ضایع شدن حق و تعدی به دیگری می‌شود و نیز تزلزل در نزاع را برطرف می‌کند. تصدیق علمی را نیز به اعتبار اینکه از عارض شدن شک و تردید بر ذهن مانع می‌شود «حکم» می‌نامند. شایان ذکر

<sup>۱</sup> -George R. Terry

<sup>۲</sup> -Jame L. Lundy



است که لازمه مصونیت مورد حکم از هرگونه امر منافی، استواری و استحکام آن است بنابراین کلمه «حکمت» ملازم با خلل‌ناپذیری، استواری و استحکام است خواه مربوط به علم باشد و خواه مربوط به عمل (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۴۸؛ فیومی، ۱۴۱۴: ۱۴۵/۲)

این کلمه مجموعاً ۹۷ بار در قرآن کریم به کار رفته است که فقط در پنج مورد صفت قرآن و در یک مورد صفت امر آمده، بقیه هم درباره حکیم بودن خداوند سبحان است (قرشی، بی تا، ۱۶۴/۲) حکیم به معنای اتقان کار، و کسی است که هیچ عملی از وی از روی جهل و گزاف ناشی نمی‌شود، هر چه می‌کند با علم می‌کند، و مصالحی را در نظر می‌گیرد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵۳۱/۱۹) به دیگر سخن، حکیم کسی است که کار را جز به جهت مصلحت انجام نمی‌دهد، بلکه هر کاری صورت می‌دهد به خاطر این است که دارای مصلحتی است که انجام دادنش را بر ندادنش ترجیح می‌دهد. (همان، ۴۰۵/۱۴)

نتیجه این بررسی کوتاه لغوی این است که ریشه حکمت به معنای منع و جلوگیری بوده و این معنا در دو جنبه نظری و عملی لحاظ شده است؛ در جنبه نظری، حکمت چیزی است که از جهل جلوگیری می‌کند و در جنبه عملی، حکمت آن است که انسان را از اخلاق ناپسند منع می‌کند. همچنین معنای محکم و مستحکم بودن نیز در حکمت و حکیم دیده می‌شود که اشاره به خطاناپذیری آن است. نکته قابل توجه این است که معنای لغوی مذکور در واژه عقل نیز دیده می‌شود؛ بدین صورت که معنای لغوی عقل نیز منع است و عقل انسان را از جهل و اعمال ناروا باز می‌دارد. می‌توان گفت عقل یکی از منابع حکمت یا از شرایط دریافت حکمت است.

### منطق تحلیل

«منطق» قانون تفکر صحیح است که از شرایط شیوه‌ها و اقسام «تعریف و استدلال صحیح» سخن می‌گوید و معیارهای تشخیص صحت و خطای «صورت تفکر» را مطرح می‌کند، از این رو، فراگیری آن در امر تدبیر ضروری است. افزون بر آن، آگاهی بر روش‌های



تحقیق در حوزه علوم انسانی، برای تدبیر در مباحث متنوع قرآن بسیار ضرورت دارد که به علم «متدلوژی یا روش‌شناسی» موسوم است.

در منطق جدید، ضرورت آزادی محقق و متفکر از عوامل درونی و بیرونی مؤثر در نتایج تحقیق، مطرح می‌شود، چرا که به نقش حساس محیط روانی، تربیتی و اجتماعی محقق، در نتایج تحقیقاتش عنایت دارد، لیکن از چگونگی رهایی تفکر از تأثیرات وراثت و محیط سخن به میان نمی‌آورد و از ارائه روش تربیتی آزادی تفکر و هدایت آن به سمت تفکر سالم عاجز است و در واقع این نقش اساسی مذهب و رسولان الهی است که با تکیه بر «ادراکات بلا واسطه و حضوری» (مواد تفکر) و با روش «طرح سؤال از مسائل اساسی زندگی» (انسان، جهان، خدا، دنیا و آخرت و روابط انسان با همه این‌ها) فکر را به جریان انداخته با تزکیه، تعلیم و تذکر، انسان را تربیت کرده، او را از اسارت وراثت و محیط، نجات بخشیده و به آزادی می‌رساند: «قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَشْنَىٰ وَفُرَادَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا...» (سبأ/۴۶)؛ (بگو فقط شما را به یک امر مهم موعظه می‌کنم به اینکه دو تا دو تا یا تک تک، بخاطر خدا بپا خیزید سپس به تفکر بپردازید).

اگر تفکر فردی یا جمعی، به انگیزه حقیقت‌طلبی و بخاطر خدا (حقیقت مطلق) صورت نگیرد در دام گرایش‌های خاص و امیال نفسانی فرد و جامعه، گرفتار می‌شود و به انحراف می‌گراید، در اینجا دیگر با وجود شکل صحیح استدلال و روش علمی مناسب، نتایج تحقیقات متأثر از امیال نفسانی گشته، در مسیر تباهی به کار خواهد رفت. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۵، ص ۲۶۷) از این رو، مشکل جدی و اساسی تحقیق و تفکر سالم، جز به دست با کفایت وحی الهی و رسولان خدا گشوده نخواهد گردید: «فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ... لِيَسْتَأْذِنَهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ وَيَذَكِّرَهُمْ مَنْسِي نِعْمَتِهِ وَيَحْتَجِبُوا عَلَيْهِم بِالْتَّبْلِيغِ وَيُثِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ وَيُرُوهُمْ آيَاتِ الْمَقْدِرَةِ...» (نهج البلاغه، خ ۱)؛ ... پس انبیايش را در میان بشر، برانگیخت تا تحقق پیمان فطرت الهی را از آنان (بشر) طلب



نمایند، و نعمت‌های فراموش شده او را مکرراً به آنان یادآوری کنند و بواسطه پیام رسانی کامل، بر آنان اتمام حجت نمایند و در وجود آنها (بشر) عقول مدفون شده (یا گنجینه‌های مدفون عقول) را به قیام و تحول کشانند و به آنان نشانه‌های توان و قدرت خدا را بنمایانند...

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (جمعه/۲)؛ (اوست کسی که در میان امی‌ها رسولی از جنس آنان برانگیخت که بر آنان آیات او را پیوسته تلاوت می‌کند و آنان را پیوسته پاک و تزکیه می‌نماید و به آنان کتاب و حکمت (دانش عمیق و جامع) را می‌آموزاند و بی‌شک قبل از آن (بشریت) در گمراهی روشنگری بسر می‌بردند).

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...» (حدید/۲۵)؛  
(و قسم به حقیقت که رسولانمان را با روشنگری‌ها فرستادیم (بینش روشن نسبت به انسان، خدا و جهان و مقصد) و به همراه آنان کتاب (مجموعه قوانین مدون زندگی فردی و اجتماعی) و میزان (معیارهای فکر و سنجش و احساس و عمل) را فرو فرستادیم برای اینکه مردم (با رسیدن به رشد و کمال فکری عقلی عملی) خود برابری را بپادارند.) (نقی پورفر: ۱۳۸۱: ص ۱۸۴-۱۸۶)  
(۱۸۶) با عنایت به ضرورت چه نگاهی به آموزه‌های دینی به ویژه به آیات قرآن کریم آن هم به منظور تبیین و تحلیل آیات با رویکرد دانش مدیریت، در ادامه منطق توجه به آنچه ذکر شد، در ادامه منطق تبیین و تحلیل مدیریتی آیات و سوره‌های قرآن کریم معرفی و مؤلفه‌های آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ۱- چارچوب نظری

در چارچوب نظری دو مؤلفه به عنوان وردی‌های منطق تحلیل مورد بررسی قرار می‌گیرد

### ۱-۱- وحی فعل تدبیری حکیمانه





آموزه‌های قرآنی، وحی را فعل تدبیری حکیمانه می‌داند (نساء/۱۱؛ سجده/۵، یوسف/۱۰۰) چه اینکه در ذیل آیه ۱۱ سوره نساء آمده است «إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا» «أَيُّ كَانَ عَلِيمًا بِالْأَشْيَاءِ قَبْلَ خَلْقِهَا حَكِيمًا فِيمَا يَقْدِرُ تَدْبِيرَهُ مِنْهَا» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۷/۳) یا «يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ» یعنی تدبیر کرده و سامان می‌بخشد از آسمان تا زمین یعنی آسمان و زمین و آنچه که فیما بین آنها است، خداوند آفریده و همه باراده حکیمانه و تدبیر عالمانه در جای خود استوار شده‌اند». (همان، ۵۱۰/۸) یا صاحب تفسیر اثناعشری ذیل آیه ۶۷ سوره یونس می‌نویسد: «این آیات عجیبه و شواهد غریبه، منبہ‌اند بر تدبیر حکیمانه، و آمرند به تأمل و تدبر که گوش هوش فرا دارند و عقل را در دین و شنیدن بینات کارفرما ساخته، به صانع و مدبر حقیقی ایمان آورده، عبادت و اطاعت او را پیشی گیرند.» (حسینی‌شاه، ۱۳۶۳: ۳۵۹/۵)

چه آنکه تدبیر حکیمانه خداوند بر هستی، از ملائک‌های اختصاص حمد به اوست: «اللَّهُ يَبْدُؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ لِقَاءِ الْآخِرَةِ فَأُولَئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَ حِينَ تُظْهِرُونَ» (روم/۱۱-۱۸)؛ خداوند آفرینش را آغاز می‌کند، سپس آن را بازمی‌گرداند، سپس شما را بسوی او باز می‌گردانند! آن روز که قیامت برپا می‌شود، مجرمان در نومیدی و غم و اندوه فرو می‌روند! و برای آنان شفیعانی از معبودانشان نخواهد بود، و نسبت به معبودهایی که آنها را همتای خدا قرار داده بودند کافر می‌شوند! آن روز که قیامت برپا می‌گردد، (مردم) از هم جدا می‌شوند؛ اما آنان که ایمان آورده و اعمال صالح انجام دادند، در باغی از بهشت شاد و مسرور خواهند بود. و اما آنان که به آیات ما و لقای آخرت کافر شدند، در عذاب الهی احضار می‌شوند. منزّه است خداوند به هنگامی که شام می‌کنید و صبح می‌کنید؛ و حمد و ستایش مخصوص اوست در آسمان و زمین، و به هنگام عصر و هنگامی که ظهر می‌کنید. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲: ۳۸۰/۱۶)



چنانچه تبیین آیات از طرف خداوند، پیامد حکمت اوست: «وَيُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (نور/۱۸)؛ «... كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (نور/۵۸)؛ «... كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (نور/۵۹) (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳: ۷۴/۱۲) همچنانکه جنود الهی در آسمانها و زمین و تدبیر امور از جانب او، نمودی از حکمت خداوند است: «... وَاللَّهُ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» (فتح/۴)؛ «وَاللَّهُ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا» (فتح/۷) همچنین بی‌شماری کلمات الهی و تدبیر آنها، بر اساس حکمت اوست: «وَلَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْدَامًا وَالْبَحْرِ يَمُدُّهُ ... مَا نَفَدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (لقمان/۲۷) و سرگذشت یوسف (علیه السلام) و فراز و نشیب‌های آن، بر اساس تدبیر عالمانه و حکیمانه خداوند است: «وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ سُجَّدًا وَقَالَ يَا أَبَتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا وَقَدْ أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ السِّجْنِ وَجَاءَ بِكُم مِّنَ الْبَدْوِ ... إِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِّمَا يَشَاءُ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ» (یوسف/۱۰۰) و تدبیر خداوند بر هستی، متکی بر حکمت و کاردانی اوست: «فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ... وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (جاثیه/۳۶ و ۳۷) (همان)

به عبارت دیگر؛ این موضوع یکی از مبنای فلسفی برداشت مدیریتی قرآن است. قرآن به لحاظ هستی‌شناختی، جزء واقعیت‌ها و حقایق نفس‌الامری است. چه من‌انسانی باشد یا نباشد، قرآن واقعیتی است که همیشه وجود دارد. زیرا وحی پدیده‌ای عینی است که از یک جهت الهی است و جهت دیگر انسانی است. از جهت مبدأ فاعلی، پدیده‌ای است الهی، اما از جهت مبدأ غایی و قابل، پدیده انسانی است. کارکرد وحی نسبت به انسان به دو حوزه بر می‌گردد. یا مربوط به اندیشه انسان می‌شود و یا رفتار انسان که در هر دو صورت جهت‌گیری به سمت کمال دارد. زیرا تدبیر در معنا و ترکیب آیات زیر که با نظم منطقی چیده شده است، مبنای نظری روشنی برای تحلیل کارکردی قرآن را در حوزه نظر و عمل ارائه می‌دهد:



- «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (نساء/۸۲)
- «تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ» (لقمان/۲)
- «وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيَّ حَكِيمٌ» (زخرف/۴)
- «وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيَّ حَكِيمٌ» (هود/۱)

اصلی‌ترین امتیاز قرآن کریم به عنوان «بزرگترین و جاودانه‌ترین کتاب آسمانی» این است که مسائل مختلف و مورد نیاز بشر در آن به گونه‌ای تبیین و تشریح شده است که هر کس در هر سطحی از فکر و در هر مرحله‌ای از نیاز روحی، به مقدار فکر و نیازش از آن بهره می‌گیرد؛ چنانکه آثار صدق و عظمت، انسجام و استحکام، عمق معانی شیرینی و فصاحت لغات و تعبیرات آن، به گونه‌ای نمایان است که هر وسوسه و شک را از خود دور می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۲: ۶۶/۱)

از میان اسمای خداوند، نام‌های (حکیم، و علیم و عزیز) در مقام تلقی و تنزیل قرآن انتخاب و ذکر شده است:

- «وَإِنَّكَ لَتُلَقَّى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنِّ حَكِيمٍ عَلِيمٍ» (نمل/۶)
- «تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ» (غافر/۲، زمر/۱، احقاف/۲، جاثیه/۲)

تا بر نزول قرآن و از سرچشمه حکمت، عزت و علم دلالت کند و روشن سازد که هیچ ناقضی نمی‌تواند آن را نقض کند و هیچ عامل وهنی نمی‌تواند آن را موهون سازد و هیچ دروغی در اخبار آن و هیچ خطایی در قضاوتش راه ندارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۴۲/۱۵) زیرا نزول قرآن از جانب کسی است که حکیم علی‌الاطلاق است و حکمت او را ماورایی نیست، بنابراین قرآن کتابی است که هیچ کس نمی‌تواند مانند آن را بیاورد و بر آن غلبه کند؛ کتابی بی‌نظیر که منطقتش محکم و گویا، استدلال‌اتش قوی و نیرومند، تعبیراتش منسجم و عمیق، تعلیماتش ریشه‌دار و پرمایه، و احکام و دستوراتش هماهنگ با نیازهای واقعی انسان‌ها در تمام



ابعاد زندگی است؛ کتابی که قدرتمندی و شکست‌ناپذیری آن، دست بیهوده‌گویان را از دامش کوتاه کرده و گذشت زمان از ارزش آن نکاسته است، حقایق آن را به کهنگی نمی‌گراید، تحریف‌گران را رسوا می‌کند و در مسیر زمان پیش می‌تازد. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۲، ۲۹۸/۲۰)

درآموزه‌های دینی وقتی از انسان تعبیر می‌شود، چهار سطح انسانی مراد است:

۱- فرد و شخص انسان (انسان عینی خارجی)

۲- جامعه انسانی (انسان عینی اجتماعی)

۳- سازمان‌ها (واقعیت عینی مدیریتی)

۴- حکومت‌ها (واقعیت عینی سیاسی)

از این رو، جهت‌گیری هدایتی یا تدبیری وحی به فرد، جامعه، سازمان و حکومت قابل تعمیم و تطبیق است بر اساس این پیش‌فرض می‌توان برداشت کرد که وحی برای هدایت و تدبیر امور فردی، اجتماعی، سازمانی و حکومتی پدید آمده است. زیرا جامعه، سازمان و حکومت نموده‌های انسان و به لحاظ هستی‌شناسی پدیده‌های انسانی هستند. بدین سبب، همان‌گونه که وحی نقش هدایتی و تدبیری نسبت به اندیشه و رفتار (شخصیت و عمل) فرد انسانی دارد، به طور یقین، نقش هدایتی و تدبیری به جامعه، سازمان و حکومت نیز دارد. زیرا انسان، به عنوان خلیفه خداوند، در مسیر هدایت و رسیدن به کمال، نیازمند راهنمایی و روشنگری خدای سبحان از طریق وحی است، چرا که عقل برای تأمین نیازهای هدایتی و تدبیری انسان کافی نیست و دلیل آن این است که در مجموعه آموزه‌های وحیانی، حقایقی نهفته است که انسان بدون کمک وحی، توان رسیدن به آن‌ها را ندارد چه اینکه خداوند می‌فرماید: «وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا» (نساء/۱۱۳). از سوی دیگر، مرجع بودن آموزه‌های وحیانی برای پاسخ‌گویی به همه نیازهای هدایتی و تدبیری انسان، مورد



اتفاق مفسران (عامه و خاصه) است. زیرا خدای سبحان، قرآن کریم را روشن‌گر هر چیزی معرفی می‌کند که می‌تواند در مسیر هدایت و رسیدن انسان به کمال و سعادت قرار بگیرد. «وَزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ» (نحل / ۸۹).

از جانب دیگر، آموزه‌های مدیریتی و مجموعه فرآیندها، وظایف و مسائل پیرامون آن، بخش عمده‌ای از نیازهای هدایتی و تدبیری زندگی انسان اجتماعی، انسان‌سازمانی و انسان سیاسی است که اهمیت و گستره‌ی آن، در هر دوره از زندگی نسبت به دوره‌های قبل آشکارتر شده است؛ زیرا برای شکوفایی ظرفیت‌های فطری و ظهور جلوه‌های خداگونگی انسان، راهی جز حضور آگاهانه، آزادانه و متعهدانه تک تک افراد بشر در عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی، سازمانی و نهادهای حکومتی وجود ندارد و تشکیل زندگی اجتماعی، تنها با ایجاد شبکه‌ی روابط انسانی در قالب نهادهای حکومتی و سازمان‌ها ممکن است؛ چنانکه تاریخ گذشته حیات اجتماعی انسان‌ها سیر تغییر و تحول جوامع، سندی روشن و دلیلی آشکار بر این مدعا است و آموزه‌های وحیانی، مطمئن‌ترین مسیر تبیین و ترسیم بایسته‌های حیات فردی، اجتماعی، سازمانی و حکومتی انسان است.

بنابراین وحی فعل هدایتی و تدبیری خداوند است که دارای ساختار (مفردات، کلمات، عبارات، جمله‌ها، سوره‌ها) در تمام آنها یک نظام روابط و ترتیب و ترتب حاکم است و به صورت منفصل از هم نیست؛ بلکه دارای ساختار منسجم از مجموعه مفردات، جمله‌ها و... است. اینکه کدام کلمه در چه عبارتی و در قالب چه سوره‌ای سازمان یافته است؟ جهت تدبیری حکیمانه دارد. بنابراین استخدام کلمات، جمله‌ها، سوره‌ها، ترتیب و ترتب آنها و... عل تدبیری حکیمانه است و محتوا (مسأله، موضوع، حکم، شرط، قاعده، بیان قضیه و...) است و هر دوی آنها فعل تدبیری حکیمانه است. فعل تدبیری نیز فعلی است که آگاهانه و هدفمند است. زیرا فعل از سوی متصدی صادر می‌شود که حکیم مطلق، قدیر مطلق و علیم مطلق است و با



بقیه افعال تدبیری تفاوت کامل دارد. از این رو، آنچه که به عنوان برداشت‌های مدیریتی از آموزه‌های وحیانی کشف و ارائه می‌شود، دارای استحکام درونی و بیرونی در حوزه اندیشه و عمل خواهد بود. زیرا خداوند در آیات مختلف، از قرآن با صفت «حکیم» یاد می‌کند؛ مانند «وَالْقُرْآنِ الْحَکِیْمِ» (یس/۲)؛ «وَالذِّکْرِ الْحَکِیْمِ»، (آل عمران/۵۸) «الْکِتَابِ الْحَکِیْمِ» (یونس/۱).

برداشت مفسرین از توصیف قرآن به حکیم بودن؛ می‌تواند اشاره به زوایای مختلف این کتاب آسمانی داشته باشد؛ به عنوان نمونه:

۱- حکیم است؛ یعنی حکمت در آن تبلور یافته و مستقر شده، و حکمت عبارت است از معارف حقیقی و فروع آن، از شرایع، عبرت‌ها و موعظه‌ها (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۶۲/۱۷)

۲- قرآن از آن جهت حکیم است که آیاتش دارای چنان استحکام و نظم است که هر گونه باطل و خرافه را از خود دور می‌سازد؛ جز حق نمی‌گوید و جز به راه حق دعوت نمی‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۱/۸)

۳. کلامی است که از جانب حکیم مطلق نازل شده است. (کاشانی، ۳۳۶: ۳۵/۴)

۴. حکیم است به دلیل نبود اختلاف و تناقض میان آیاتش؛ محفوظ ماندن آن از هر گونه تغییر و تحریف. (حقی بروسوی، بی تا: ۳۶۶/۷)

۵. قرآن کتاب حکیم است؛ یعنی از جهت حلال و حرام و امر و نهی محکم است. (سمرقندی، بی تا: ۱۱۵/۳)

همچنین آیات فراوانی از قرآن کریم بر قدرت و توانایی مطلق خداوند دلالت دارد؛ مانند: «أَوَلَمْ یَرَوْا أَنَّ اللّٰهَ الَّذِیْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ قَادِرٌ عَلٰی اَنْ یَّخْلُقَ مِثْلَهُمْ وَجَعَلَ لَهُمْ اَجَلًا لَّا رِیْبَ فِیْهِ فَاَبٰی الظّٰلِمُوْنَ اِلَّا کُفُوْرًا» (اسراء/ ۹۹)؛ «أَوَلَمْ یَرَوْا اَنَّ اللّٰهَ الَّذِیْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَلَمْ یَعْبُدْ بِخَلْقِهِنَّ بِقَادِرٍ عَلٰی اَنْ یُّحِیِّیَ الْمَوْتٰی بَلٰی اِنَّهٗ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ» (احقاف/ ۳۳)؛ «اللّٰهُ الَّذِیْ خَلَقَ سَبْعَ



سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا (طلاق/۱۲ و نیز ر.ک؛ بقره/۲۰، ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۴۸، ۲۵۹، ۲۸۴)

از جانب دیگر، بعد از مسأله توحید، یکی از مهم‌ترین اوصاف پروردگار مسئله علم و دانائی اوست که تمام عالم هستی و ذات پاک خودش را شامل می‌شود، و ذره‌ای در این عالم پهناور از علم نامحدود او پوشیده و پنهان نیست. هر قطره بارانی که فرو می‌افتد، هر غنچه‌ای که بر درخت می‌شکفتد، هر دانه‌ای که در دل زمین نهفته است، هر موجود زنده‌ای که در اعماق دریاهاى ژرف و تاریک حرکت می‌کند، هر شهابی که در این آسمان پهناور، روشن و خاموش می‌گردد، هر موجی که بر صفحه اقیانوس‌ها ظاهر می‌شود، هر نطفه‌ای که در ظلمتکده رحم منعقد می‌شود، و سرانجام هر اندیشه‌ای که از فکر انسانی خطور می‌کند، همه در برابر علم و دانش او روشن و آشکار است. آگاهی او بر «ازل» و «ابد» یکسان، و احاطه علمی او به میلیون‌ها سال گذشته و آینده همچون آگاهی او از امروز است، و اصولاً با حضور او در هر «مکان» و هر «زمان»، «دور» و «نزدیک»، «آینده» و «گذشته» و «حال» برای او مفهومی ندارد، و همه یکسان است. این حقیقتی است که از مجموعه آیات قرآن مجید به دست می‌آید، و تفکر در آن بازتاب گسترده‌ای در عقائد و اعمال ما دارد. این حقیقت را آموزه‌های فراوانی بازگو می‌کند که به برخی اشاره می‌شود: «وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (بقره/۲۳۱)؛ «قُلْ إِنْ تُحِبُّوا مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْذَرُوهُ يُعَلِّمَهُ اللَّهُ وَيَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (آل عمران / ۲۹)؛ «وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ» (انعام/۳)؛ «أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ» (توبه / ۷۸)؛ «وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُوا مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ»



(یونس/۶۱)؛ «يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَ مَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَ مَا يَعْرُجُ فِيهَا وَ هُوَ مَعَكُمْ  
أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَ اللَّهُ يَمَّا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (حدید/۴).

## ۱-۲- چهار وجهی بودن کارکردها و جهت‌گیری‌های سوره یا آیه

مؤلفه‌ی دیگر چارچوب نظری تحلیل مدیریتی آیات و سوره‌های قرآن مبتنی بر چهار رویکرد ذیل است که بر اساس سوره عصر تحلیل می‌شود:

### الف) رویکرد گزارشی

در این رویکرد که مبتنی بر تفسیر تاریخی است آموزه‌های وحیانی تاریخی را برای انسان‌ها گزارش می‌کند. سؤالی که در اینجا قابل طرح است و باید بر اساس این رویکرد تحلیل شود این است که آیا چنین گزارش‌های تاریخی قابل تعمیم به دوره‌های دیگر است؟ اگر قابل تعمیم است، با چه چارچوبی می‌توان آن را به عصرهای دیگر تعمیم داد؟ چنانچه در سوره عصر از دوره عصر نزول (وحی) گزارش شده است که انسان در مسیر تعامل با وحی به دو دسته تقسیم شده است؛ کسانی که در خسران باقی ماندند و دسته‌ای دیگر که از خسران خارج شدند. (ایمان، عمل صالح، توأسی به حق و صبر- نشانه‌ها و شاخصه‌های این دسته دوم است)

### ب) رویکرد پیش‌بینی

بر اساس این رویکرد آینده انسان پیش‌بینی می‌شود، زیرا انسان افزون بر حیات دنیوی، دارای حیات برزخی، حیات قیامت، حیات جاودانه است. انسان‌ها در حیات‌های آینده یعنی از حیات برزخی به بعد، برخی نجات می‌یابند و در واقع به هدف می‌رسند به شرطی که دارای ویژگی‌هایی مثل ایمان، عمل صالح، توأسی، حق و صبر باشد. هرچند این پارامترها تشکیکی هستند که آیا ایمان ۱٪ است یا ۹۹٪ است؟ حد نصاب مشخص‌کننده سعادت انسان‌ها مراتب درجه‌بندی می‌شود. انسان‌ها بر اساس پیش‌بینی قرآن در این مراتب درجه‌بندی می‌شود. با این





نگاه در واقع چشم‌انداز و آینده‌پژوهی انجام می‌شود. این رویکرد جامع‌تر از رویکرد قبلی است و در عمده سوره‌ها و آیات قابل طرح و بررسی است.

### ج) رویکرد تبیینی

بر اساس این رویکرد، تبیین طبیعت انسانی، شبکه‌های انسانی را شفاف می‌کند. طبیعت انسان گرایش و تمایل به خسران دارد که در آیات متعدد بیان شده است. این گرایش به خسران افزون بر طبیعت انسانی در جامعه، حکومت و سازمان نیز وجود دارد. در بحث سیستم، ویژگی آنتروپی وجود دارد که به معنای گرایش به فانی شدن و مضمحل شدن است.

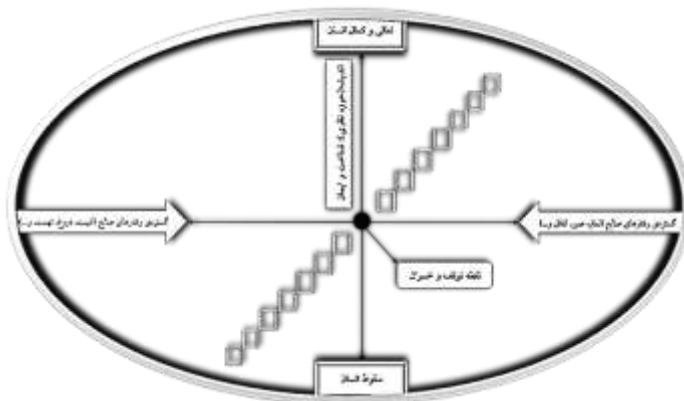
با این نگاه، در سوره عصر، طبیعت انسان آنتروپی است که انسان را به سمت خسران می‌کشانند و آنتروپی اصل حاکم بر آن است و اگر انسان می‌خواهد از این آنتروپی خارج شود بر اساس سوره عصر باید به ویژگی‌های ایمان، عمل صالح، توأسی به حق و توأسی به صبر همراه شود که در این صورت ارگانیزم انسانی خسران نخواهد بود و هر روزش بهتر از روز قبل خواهد شد و ایمان، عمل صالح، توأسی به حق و توأسی به صبر مخل طبیعت فرد انسانی، جامعه، حکومت و سازمان است. با این بیان، این رویکرد با رویکرد قبلی بسیار متفاوت است.

### د) ارائه مدل



بر اساس این رویکرد، قرآن در سوره عصر مدل هدایت و کمال انسان را عرضه می‌کند. بر

اساس این مدل، انسان در دو خط حرکت می‌کند.



نمودار ۲: الگوی هدایت و کمال انسان

بر اساس این مدل، اگر انسان می‌خواهد به کمال برسد، باید در دو خط حرکت کند و مربع‌ها در سمت بالا حوزه‌ی هدایت، تعالی و کمال انسان است. مربع‌های سمت پایین حوزه‌ی سقوط انسان است. نقطه صفر، نقطه توقف انسان (خسران) است و سمت عمودی یعنی نظر و اندیشه انسان و سمت افقی یعنی عمل و رفتار انسان را بیان می‌کند. دو طرف چپ و راست رفتارهای مثبت و منفی است که به سمت راست حرکت کند و از خود رفتارهای مثبت (صالح) بروز دهد، رهاورد آن، بروز شخصیت مؤمنانه است و اگر به چپ حرکت کند و از خود رفتاری منفی (طالح) نشان دهد، نتیجه‌ی آن به وجود آمدن شخصیت‌های منافق و کافر خواهد بود. هرچه به سمت تعالی برود از خسران بیرون می‌آید و هرچه به سمت پایین برود سقوط می‌کند.

با این بیان، مدل مطابقی سوره «عصر»، مدل کمال و تعالی است و مدل التزامی آن، تنزل و تباهی است. بر اساس مدل بالا، دایره خسران خیلی وسیع‌تر است. این مدلی بود که بر اساس سوره عصر می‌توان آن را پیشنهاد داد و بر همین منوال بر اساس سوره‌ها و آیات دیگر نیز می‌-



توان مدل‌های دیگر نیز ارائه داد. نکته دیگر اینکه مدل تعالی سازمان را نیز می‌توان بر اساس این مدل تبیین کرد. افزون بر آن، این مدل بر فرد انسانی، جامعه، حکومت و سازمان حاکم است و می‌توان حوزه‌های مختلف را در چارچوب این مدل تحلیل و بررسی کرد. به عبارت دیگر، سوره «والعصر» نه گزارشی است و نه تبیینی، بلکه در آن الگو کمال و تعالی انسان ترسیم شده است. انسانی که در نقطه صفر (خسران و توقف) قرار دارد، ولی تلاش می‌کند با انجام اعمال صالح از نقطه سفر به سمت کمال و تعالی حرکت کند که در یک طرف آن، اندیشه و نظر و در طرف دیگر، رفتار و عمل قرار دارد.



## ۲- منطق تبیین

در این بخش به عنوان فرآیند تبیین وردی‌های منطق تحلیل دو مؤلفه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۲-۱- رویکرد تعبدی- تحلیلی

یکی از روش‌های تفسیری که بیشتر در مقابل ظاهرگرایی افراطی و نسبت‌گرایان مطلق وجود دارد، روشی است که با استناد به آیات و روایات و تأکید بر روش‌های تعقلی و استدلالی، مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. این روش بین مقتضیات متون دینی علم و واقعیت، پیوند اساسی برقرار می‌سازد. این رویکرد که خردورزانه و واقع‌گرایانه است، به جنبه‌های مختلف طبیعی، تاریخی، قدسی و ضمیر انسانی توجه خاصی می‌شود. البته باید توجه داشته که قرآن کریم نیز در آیات فراوانی به تفکر و اندیشیدن تشویق و تأکید کرده و سه منبع اصلی تفکر یعنی طبیعت، تاریخ و ضمیر انسان را برشمرده است.

قرآن در موارد بسیاری آدمیان را به تفکر و تعقل در طبیعتات و محسوسات عالم سفارش کرده است «قُلْ انظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (یونس / ۱۰۱). قرآن هم چنین مطالعه سرگذشت پیشینیان را به عنوان منبعی برای کسب علم معرفی نموده است «قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» (آل عمران / ۱۳۷).

از نگاه قرآن، تاریخ و تحولات بشر بر مبنای سنت‌هایی استوار است که شناخت آنها برای انسان ضروری است. نیز قرآن ضمیر انسان را یک منبع ویژه معرفتی مشخص کرده است «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعِنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ» (فصلت / ۵۴). به هر صورت، قرآن به گونه‌ای جامع بر روش‌های گوناگون برای کسب معرفت، سفارش می‌نماید؛ هم بر خواص، طبیعت و محسوسات به عنوان ابزاری برای شناخت و هم بر عقل و تفکر و هم بر ویژگی‌های مهم فطری و انسانی تأکید دارد.



در رویکرد تبعدی- تحلیلی صرفاً به بُعدی از ابعاد یا زاویه‌ای از زوایای آیات توجه نمی‌شود، بلکه در آیه‌ای ممکن است به طور همزمان به جنبه‌های طبیعی، ماورایی، تاریخی و انسان‌شناختی توجه شود. با روش تبعدی- تحلیلی قرآن را در یک برداشت و چارچوب خاص و منحصر به فردی نمی‌توان محدود ساخت. در واقع، می‌توان گفت قرآن از روشی تلفیقی و جامعی که به تمام ابعاد زندگی بشر بتواند انطباق یابد، بهره گرفته است؛ گاه تأکید بر جنبه‌های عقلانی نموده، گاه به سیر در آفاق و انفس توجه کرده و گاه به مطالعه تاریخ و عبرت از اقوام پیشین برای یافتن راهکاری مناسب برای زندگی فردی و اجتماعی صحیح تأکید ورزیده است؛ برای مثال، همان‌طوری که در بیشتر مطالعات دینی، گریزی از ابزارها و روش‌های تاریخی نیست، به گونه‌ای که گستره‌ی خاصی از دین‌پژوهی را شکل داده و مکاتب و روش‌های متنوع دین‌شناسی تاریخی را به وجود آورده است، قرآن نیز روش استدلال‌ات تاریخی را به کار برده است و با هدف شناخت گذشته و بهره‌گیری از آن در پرتو آینده و تأمل در آینده‌ی زمان به منظور فهم عمیق حوادث و رسیدن به یک هستی‌شناسی دقیق، به تبیین مسائل پرداخته است.

آیات زیادی در قرآن وجود دارد که انسان را به تأمل در احوال اقوام پیشین ترغیب نموده است: «سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ...» (نمل/ ۳۶ و ۳۹؛ انعام/ ۱۱ و...). این آیات دستور مطالعه در سرگذشت پیشینیان و تأمل در عاقبت آنان است. این دستور، در واقع، دیدن آینده گذشتگان یا شناخت سلف از روی خلف است. قرآن از توقف فرد در وضعیت مجرد و فعلی امور و توجه نکردن به عاقبت و سرانجام حوادث برحذر می‌دارد. دعوت به چنین بصیرتی تاریخی، افراد را به یافتن ابزارها و روش‌های نیل به آن بر می‌انگیزد و بدین ترتیب، احتیاج به ابزارهای مطالعه تاریخی، محقق این حوزه را به فلسفه و روش‌شناسی علم تاریخ سوق می‌دهد.



از دیگر روش‌هایی که قرآن در تحلیل مسائل به کار گرفته است، استفاده از شیوه‌های قدسی و شهودی است که با عقل ضروری انگار و دنیوی رایج در علوم انسانی کنونی و مبانی پوزیتیویستی آن فهم شدنی نیست. در واقع، این گونه فهم و شیوه تحلیل، مبتنی بر یک نوع انسان‌شناسی، هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی دینی و متأخر از آن است که منحصرأ در یک کلمه با درک واقعی «روح توحیدی» قرآن و پی بردن به حکمت‌آمیز بودن فعل خداوند فهم-پذیری است. فهم این گونه آیات و تحلیل مسائل بعضاً اجتماعی منوط به آن است که انسان به یک هستی‌شناسی و انسان‌شناسی ناب به منظور درک روح توحیدی قرآن نایل آید.

در برخی آیات به زوایایی از زندگی بشر اشاره می‌شود که با تحلیل‌های کنونی قابل تفسیر نیست. مثل آیاتی که در آن داستان حضرت موسی و خضر (ع) آمده است و موسی (ع) به خاطر کارهای غیرمعمول خضر (ع) زبان به اعتراض می‌گشاید «سَأُنَبِّئُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا» (کهف/ ۷۸) یا آیاتی که درباره ذبح اسماعیل (ع) است (صافات/ ۱۰۲) یا آیات مربوط به خواب عزیز مصر (یوسف/ ۴۶-۴۸) و نقل آن برای حضرت یوسف (ع) نمونه‌هایی است که نمی‌توان به طور عادی و طبیعی حکمی بر آن جاری ساخت، از این رو، در قرآن موضوعاتی مبتنی بر همین مسائل پدید آمده است و احکامی از آن استخراج شده یا حکمی حکومتی بر آن بار شده یا یک برنامه‌ریزی اقتصادی مبتنی بر یک امر شهودی (مانند خواب عزیز مصر و نقل آن برای حضرت یوسف (ع)) انجام شده است.

در یک جمع‌بندی کلی، انواع گزاره‌های قرآنی را می‌توان در چند بخش تقسیم کرد که حقایق هستی در آن تبیین شده است و هر یک، به روش خاصی از تحلیل توجه دارد.

۱. گزاره‌های اخباری که متشکل از گزاره‌های استدلالی-عقلانی، تاریخی و عینی است؛
۲. گزاره‌های انشایی که حاوی اوامر، نواهی، وعده و وعیدها، تعلیم‌نمایش‌ها و... است؛
۳. گزاره‌های داستانی (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۹۹ - ۹۱).



هر یک از گزاره‌های یادشده مبتنی است بر:

الف) شأن نزولها (تعبد به شأن نزول)

ب) قول لغوی (اهل لغت) تعبد به حقایق لغوی

ج) تعبد به اخبار و روایات.

رویکرد تحلیلی، تأکید می‌کند که شأن نزول، قول لغوی، اخبار و ... منابع و داده‌های اولیه برای تحلیل هستند که بر اساس آن‌ها می‌توان به طور مثال از یک سوره با توجه به چند منبع تفسیری ۱۰ مسأله را استخراج کرد و با عنایت به شیوه و ادله مورد استفاده، اشتراکات و افتراقات را استخراج می‌شود. این رویکرد نشان می‌دهد که هر صاحب نظر در تحلیل مسئله‌ای از چه روش و ادله (آیات و روایات) استفاده کرده و به آن‌ها استناد کرده است.

با توجه به روش‌ها و استنادات صاحب نظران، موارد اختلافی و اشتراکی نمایان می‌گردد. از باب مثال علت اینکه صاحب نظری در استنباط یک گزاره‌ی مدیریتی به آیه استناد کرده و دیگری به روایت یا عقل پرسش می‌شود و با توجه به روشی که به کار برده است، مسأله تحلیل می‌شود.

## ۲-۲- سیستمی - شبکه‌ای

در وجود نظم و ارتباط میان اجزای مجموعه کلامی همچون قرآن، ترجیح با نشانه‌هایی است که در متن خود این کلام قرارداد شده‌است، به‌ویژه پس از آن که بتوان تردیدهای خود را از طریق شواهد موجود در سخن گوینده آن، یعنی خداوند سبحان جستجو و برطرف نمود. این بدان جهت است که گوینده یک کلام یا نویسنده یک متن از هر ابزار و روشی مدد می‌جوید تا سخنش یا متنش را هماهنگ و منسجم با اهداف و پیام‌هایش نماید. هرچند نزد همه کلام‌ها و متون نتوان این حد از اعتماد و اعتبار در نظم دهی را مشاهده کرد، اما چنانچه ثابت شود که منشأ و ساختار و پیام آن متن یا کلام از یک ذهن آگاه و پویا تراوش



کرده که قابلیت‌های بسیاری در حوزه درک و کشف و استنباط امور دارد. از این رو، دیگر روا نخواهد بود که بی‌دلیل چنان کلام یا متنی را بی‌نظم و گسسته به شمار آورد.

در مورد قرآن سخن بسی فراتر از این تحلیل واقع‌نمایانه است، زیرا گوینده‌ی آن، تمام آن قابلیت‌ها را در سطوح باورنکردنی و غیرقابل درک داراست و به تعبیری او از ابتدا و انتهای کلامش آگاه است: «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ» (حدید/۳)، و می‌داند که هر چیز را در جای خودش قرار دهد: «اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ» (انعام/۱۲۴)

بی‌آنکه نیاز به تغییر در آن باشد و این منحصر در نگاه قرآنی او نمی‌باشد، بلکه در نگارش کتاب طبیعت هم، به گونه‌ای عمل کرده است که هیچ خلل و تفاوتی در آن وجود ندارد: «مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِن فُطُورٍ» (ملک/۳) و در سنت‌های جاری در نظام هستی هم اصلاً جایی برای تبدیل و تحویل نگذاشته است: «فَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا» (فاطر/۴۳)

کلام قرآنی او خالی از هرگونه اختلاف و تناقض ذاتی است: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَان مِن عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (نساء/۸۲)؛ زیرا کلام‌های بشری همین که طولانی و کشیده شوند، متفاوت و دچار اختلال و بی‌نظمی می‌شوند (باقلانی، ۱۴۲۱: ۳۱) از جای محکم و مطمئن نازل شده است: «كِتَابٌ أَحْكَمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ...» (هود/۱)؛ زیرا «استواری و احکام قرآن، وحدت حقیقی آن را می‌رساند که در اصل دارای فصول و اجزاء نبوده و بعد به صورت کنونی فصل فصل و جزء جزء شده است: «كِتَابٌ أَحْكَمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنِّ حَكِيمٍ خَبِيرٍ» (هود/۱) و این تفصیل و تجزیه امری عارضی و برخلاف وضع اصلی آن است» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۷/۲) از هرگونه کژی و اعوجاج هم خالی است: «قرآناً عربياً غير ذي عوج» (زمر/۲۸)





وصف این کلام، به متشابه و مثنائی در آیه «کتاباً متشابهاً مثنائی...» (زمر: ۲۳)، نیز از یک سو بیان‌گر همانندی آیات آن در بیان و صحت و ابتنای آن‌ها بر حق و صدق و منفعت خلق است، از سوی دیگر، ناظر بر تناسب و چینش الفاظ آن و توافق نظم و تألیفش در اعجاز و تفریح است (زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۴، ص ۱۲۳). و این که آیات قرآنی «مثنائی» نام گرفته‌اند به خاطر آن است که برخی مفسر و بیان‌گر برخی دیگر است و وضع آن دیگری را روشن می‌کند، و هر یک به دیگری نظر و انعطاف دارند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲/۱۹۱)

هرگونه تلاش برای پاره‌پاره کردن قرآن نیز با زبان توییح نهی شده است: «عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ؛ الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ» (حجر / ۹۰-۹۱). تا جایی که اگر برخورد با قرآن بسان مقتسمین باشد که قرآن را پاره‌پاره کردند در آن صورت اولاً خود را از تابش انوار قرآنی محروم ساخته، ثانیاً آثار آیات آن را که بر محور توحید و همچون کلمه واحده استحکام یافته‌اند، را درک نخواهند کرد (علوانی، ۱۴۲۷: ۱۰).

منطق شبکه‌ای، قرآن را بسان متنی می‌داند که اول و آخر آن به هم مرتبط بوده و در درون حلقه یا شبکه‌ای از الفاظ و دلالت‌ها، حقایقی را بیان می‌کنند. این که در روایات، ابتدای قرآن را بر انتهای آن جاری دانسته‌اند؛ مانند روایت نقل شده از امام باقر (ع): «... وَ لَكِنَّ الْقُرْآنَ يَجْرِي أَوَّلُهُ عَلَى آخِرِهِ مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ...» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳/۷۳) خود شاهدهی است بر هماهنگی همه بخش‌های قرآن در بیان حقایق که هر بخش در بافت و سیاق خاص خود به کار رفته است.

لذا، واقعیت این است که «قرآن دارای نظام خاص محتوایی است به گونه‌ای که واقعیت‌های گوناگون به صورت شبکه‌ای با یکدیگر مرتبط و پیوستگی یافته است، چنان که اگر یک آیه بر یک معنی دلالت کند به لحاظ ارتباط شبکه‌ای که بین آن معنی و معانی دیگر وجود دارد چند معنای دیگر نیز در حوزه‌ی دلالت آیه قرار می‌گیرد» (غزنوی، ۱۳۸۶: ۳۲)



باید توجه داشت اگر منظور از پیوستگی، ارتباط منطقی و منظم میان مجموعه‌ای از آیات یک سوره و پیوند کلی سوره‌ها با اهداف کل قرآن است، بودن چنین پیوستگی، ضرورت هر کلام و نوشته‌ای را تشکیل می‌دهد تا چه رسد به معجزه پیامبر (ص) و کتاب آسمانی قرآن؛ زیرا درست است که قرآن برای توجیه پراکندگی خود، فاصله طولانی سال‌های نزول را پیش روی ما می‌گذارد، اما باید نشان دهد جوهره‌ی خط سیر دعوت رسالت یکی بوده و اگر قرآن کریم از شرایط یگانگی گوهر و خط سیر واحد به‌طور مشخص و ملموس در قطعات کلی و جزئی برخوردار نباشد و مفسر نتواند سراپرده این کلمات را به دست دهد، هدف‌داری و جهت‌داری حاکم بر کل تعالیم قرآنی ثابت نشده است و این‌ها مضرّ به انسجام و یکپارچگی دعوت در رسالت پیامبر (ص) خواهد بود، طبعاً مضرّ به الهی بودن و اعجاز قرآن است؛ زیرا ترتیب در ترکیب و نظم و هم‌خوانی، نقش کلیدی در اعجاز ایفا می‌کند (ایازی، ۱۳۸۰: ۱۷۸-۱۷۷).

ساختار نظام‌مند قرآن حاکی از روابط شبکه‌ای و دورانی میان بخش‌های واژگانی و ترکیبی آن است، مثلاً یک آیه با واژگان خود، آیه‌ها خویشاوندی در سوره‌های دیگر دارد و با آن‌ها یک الگوی انسجام ساختاری واژگانی می‌سازد آن هم در قالب نظم‌ی که آهنگ آیه‌ها آن را هدایت می‌کند. «این نگاه ساختاری و شبکه‌ای به معانی، این امکان را برای ما فراهم می‌کند که معانی را در یک مجموعه‌ای از رابطه‌های نقشی، کارکردی در کنار هم بینیم» (پاکتچی، بی تا: ۱۹).

به‌رغم چنین نظم‌ی، بسیاری از مستشرقان قرآن را در مقایسه با کتاب‌های معمولی، به صورت مجموعه‌ای از مطالب جُنگ مانند می‌دانند و محتوای آن را گسیخته و فاقد ارتباط بر می‌شمرند. آن‌گونه که «آرتور جان آربری» قرآن را از هر انسجامی که ناظر به ترتیب نزول باشد و نیز از انسجام منطقی بسی به دور دانسته و خواننده قرآن را در بافت ناپیوسته بسیاری از



سوره‌های قرآنی حیران و هراسان فرض کرده است، یا «ریچارد بل» یکی از ویژگی‌های اصیل سبک قرآن را این دانسته که به ندرت می‌توان در طول بخش عمده‌ای از یک سوره اتساق و انسجام معنایی مشاهده کرد و تنها در سوره‌هایی که به داستان انبیای سلف مرتبط است، می‌توان نوعی ارتباط و پیوند پیدا کرد (فقهی‌زاده، ۱۳۷۴: ۱۴۴).

بنابراین منطق سیستمی - شبکه‌ای قرآن قابلیت متن را در پیونددهی اجزای آن بالا می‌برد و منطق تنطیق و شهادت برخی از متن توسط پاره‌ای دیگر از آن را محقق و زمینه‌ی مناسبی فراهم می‌آورد که بتوان متن را در بافت ویژه و متناسب با سازگاری‌های درونی متن بررسی کرد. افزون بر آن، کارکردهای بسیار این نوع نظم در حوزه تفسیر و قرآن‌پژوهی، شرایط مطلوبی را نیز برای رفع ابهام و حل مشکل ارتباط بخش‌هایی از قرآن فراهم می‌آورد که در ظاهر باهم اختلاف و ناسازگاری دارند.

بر اساس رویکرد شبکه‌ای - سیستمی، می‌توان شبکه مفاهیم، سوره یا آیه را نیز تحلیل کرد. زیرا آیه کوچک‌ترین واحد و جزء تشکیل دهنده‌ی نظام جامع ساختاری و معنایی قرآن کریم است که از ترکیب آیات، سوره‌های قرآن کریم و از ترکیب سوره‌ها، مجموعه کامل کتاب الهی به وجود آمده است. جابر بن یزید جعفی نقل می‌کند که امام باقر (ع) فرمود: «انَّ الْآيَةَ أَوْلَاهَا فِي شَيْءٍ وَأَوْسَطُهَا فِي شَيْءٍ وَأَخْرَاهَا فِي شَيْءٍ وَهُوَ كَلَامٌ مُتَّصِلٌ؛ آیات قرآن با اینکه غالباً اول آیه قرآن درباره موضوعی و وسط آیه درباره موضوع دیگر و آخر آن درباره موضوع سویم است، اما وحدت و پیوستگی آیات قرآن محفوظ شده و همگی کلام واحدی - اند.» (عیاشی، بی تا: ۱۱/۱)

از سوی دیگر، هر سوره غرض واحد و مختص به خود دارد که با پایان یافتن آن هدف، سوره خاتمه می‌یابد. حسن مطلع و حسن ختام هر سوره‌ای، فوق‌العاده و دارای اهمیت و جذابیت است و هر کدام از سوره‌ها، یک واحد جامع و جزء مستقل کاملی را تشکیل می‌دهند

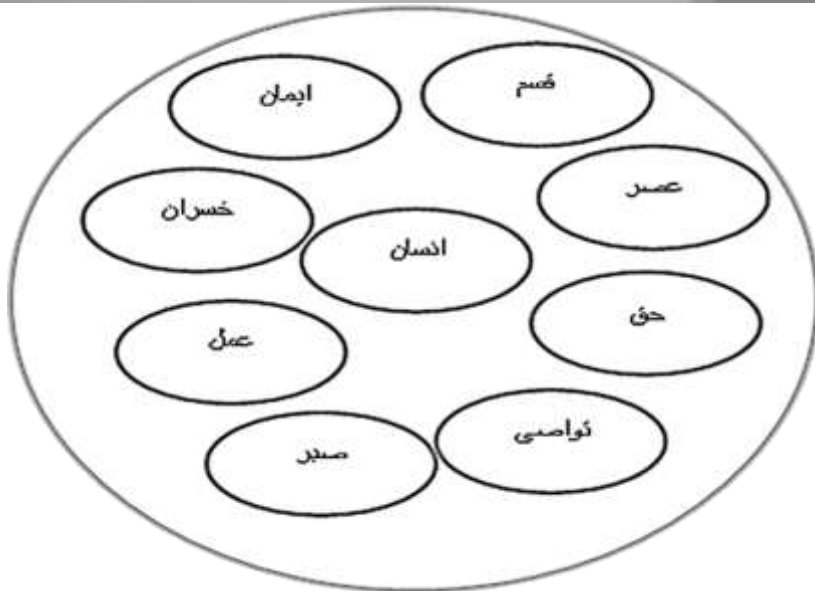


و نظام ساختاری و معنایی منحصر به فردی دارند. طبق نظر علامه طباطبایی، آیات هر سوره، نوعی وحدت تألیفی دارند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶/۱).

از جانب دیگر مرحوم طبرسی معتقد است که پایان هر سوره نیز با آغاز سوره بعدی مرتبط است و بدون لحاظ ارتباط، تفسیر درست آیات قرآن ممکن نخواهد شد. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶۲۴/۸) چنانچه تأمل در حکمت جمع و تدوین قرآن کریم توسط معصوم، پذیرش این نظر را تقویت می‌کند؛ لکن صحت آن، بستگی به پذیرش دیدگاه توقیفی بودن ترتیب سوره دارد؛ البته بر فرض آنکه ترتیب سوره‌ها توقیفی باشد، به خاطر اینکه مسأله عدم رعایت ترتیب نزول میان سوره‌ها (در جمع و تدوین قرآن) مورد اتفاق همه علما نیست، از این رو، اثبات ارتباط معنوی میان آیات پایان یک سوره با آیات آغازین سوره بعدی را مشکل می‌سازد. بنابراین پذیرش ارتباط آخر هر سوره با اول سوره بعدی، به تأمل بیشتری نیاز دارد. علاوه بر اینکه ارتباط و پیوستگی مجموع سوره‌های قرآن به پذیرش چنین ارتباطی متوقف نیست؛ بلکه ارتباط سوره‌ها باهم و تشکیل واحد منسجم و یکپارچه از پیوند مجموعه سوره‌ها، منطق دیگری دارد که برگشت آن به نظام معنایی واحد و منسجم قرآن کریم می‌باشد.

افزون بر آن، مجموع قرآن کریم با وجود تنوع و گستردگی فراوان موضوعات، مفاهیم و آموزه‌های قرآنی، از نظام معنایی واحد و شبکه معرفتی جامعی برخوردار است که کوچک‌ترین جزء معنایی آن، بدون دسترسی به اصول بنیادهای معرفتی قرآن، قابل درک و فهم کامل نیست و مجموعه موضوعات و مفاهیم و آموزه‌های مختلف قرآن، درباره یک محور و موضوع اصلی (هدایت و سعادت انسان در سایه توحید، یکتاپرستی و خدا گونگی) انسجام یافته است. (لطفی، ۱۳۸۹: ۱۰-۲۰).

از باب نمونه شبکه مفاهیم سوره عصر در نمودار زیر نشان داده شده است.



نمودار ۳: شبکه مفاهیم سوره عصر

### ۳- برداشت‌های مدیریتی

در این بخش، دو مؤلفه زیر به عنوان خروجی‌های دو فرآیند گذشته بررسی می‌شود.

#### ۳-۱- معرفتی - دانشی

انتظار آن است که دانش سازمان و مدیریت که بر ساخته‌ی ذهن انسان است که حوزه‌ی معرفتی- دانشی آن تحت تأثیر به کارگیری عقل ابزاری است، از دانشی که دارای منابع وحیانی و ماورایی است متفاوت باشد. یکی از دیدگاه‌ها در دانش مدیریت، نگاه سیستمی به سازمان، فرآیندهای مدیریتی و مسائل سازمانی است که چنین نگاه محصول کاربست عقلانیت ابزاری انسان است که به دلیل محدودیت توانایی کشف تمام اجزاء، روابط و نوع تعامل آن را ندارد، ولی قرآن کریم با وجود تنوع و گستردگی فراوان موضوعات، مفاهیم و آموزه‌های قرآنی، از نظام معنایی واحد و شبکه معرفتی جامعی برخوردار است که کوچک‌ترین جزء معنایی آن، بدون دسترسی به اصول بنیادهای معرفتی قرآن، قابل درک و فهم کامل نیست و



مجموعه موضوعات و مفاهیم و آموزه‌های مختلف قرآن، درباره یک محور و موضوع اصلی (هدایت و سعادت انسان در سایه توحید، یکتاپرستی و خداگونگی) انسجام یافته است (لطفی، ۱۳۸۹: ۱۰-۲۰). این سه سطح یاد شده مفاهیم، افزون بر این که اولی مخصوص یک یا چند آیه، دومی مربوط به یک سوره و سومی مربوط به همه قرآن است، تفاوت دیگری نیز دارد ممکن است سطح اول تنها ناظر به تأثیر یک جانبه رخدادهای خاص، ولی در سطح سوره و همچنین کل قرآن سخن از تعامل و تعاطی (تأثیر دوجانبه) فضای بیرونی با نزول سوره یا جو جهانی با نزول مجموع قرآن است.

راهیابی به معارف قرآن کریم تا حدودی در گروی آگاهی از هر سه سطح از مفاهیم آیات است. آنچه باید در ارائه تفسیر مدیریتی مورد توجه واقع شود، ترسیم فضای نزول آیات و سوره است که باید به همه احوال و اموری که به نحوی شرایط عمومی جامعه را تحت الشعاع قرار می‌دهند و فضای سیاسی و مدیریتی خاصی را می‌آفرینند توجه نمود. نه تنها شرایط سیاسی، بلکه شرایط مدیریتی جامعه نیز باید در ترسیم فضای نزول سوره مورد توجه واقع شود.

### ۳-۲- معرفتی - کارکردی

یکی از رهاوردهای معرفتی - کارکردی آن است که دانش سازمان و مدیریت به دنبال جبران خسران حیات دنیوی و کسب سود است. سود = سرمایه + مازاد. هزینه - سرمایه = بازگشت سرمایه به + مازاد. زیرا سرمایه را جاودانه ندانسته و فقط به آن نگرش مادی دارد که آن را هزینه می‌کند تا دوباره برگردد. در چنین نگرشی فقط بازگشت سرمایه کافی نیست، بلکه علاوه بر بازگشت سرمایه، باید مازاد هم برگردد. در دانش سازمان و مدیریت بازگشت سرمایه و مازاد در حیات دنیوی مدیریت می‌شود. ولی در نگاه قرآن کریم چنین نگاهی در حیات دنیوی و اخروی انسان باید جریان یابد، بلکه سود حیات دنیوی ابزاری است برای ساختن حیات بادی به نام حیات آخرت.



ثمره‌ی دیگر معرفتی - کارکردی نگرش دانش مدیریت و دیدگاه آموزه‌های وحیانی در اینجا خود را نشان می‌دهد. زیرا در حوزه انسانی وقتی سخن از هدف، آگاهی و فعالیت یک مجموعه‌ای مثل سازمان مطرح می‌شود، در واقع صحبت از سازمانی است که ظرفی برای کسب هدف توسط انسان ایجاد شده است. در چنین ظرفی فعالیت‌های انسان برای دست یازیدن به هدف می‌بایست عقلانی باشد. به دیگر سخن، به فعالیتی هدفمند اطلاق می‌شود که عقلانی (ابزاری یا جوهری) است.

پس در دانش مدیریت کلام از عقل و عقلانیت. به عبارتی شاخصه‌ی افعال تدبیری انسانی، عقلانی بودن آن است و در این حوزه از حکمت و حکیمانه بودن فعل سخنی در میان نمی‌آید. در حالی که بر اساس آموزه‌های وحیانی، در افعال تدبیری تنها سخن از عقل و عقلانیت نیست، بلکه صحبت از حکیم و حکیمانه بودن افعال است. تمام تئوری‌های که در سازمان و مدیریت تولید شده است، جوهرش توجه به عقل و عقلانیت است، ولی آنچه که از وحی ساطح شده و... صحبت از حکمت و حکیمانه بودن است. به نظر می‌رسد که چون حکمت مطلق است، عقلانیت در ذیل آن مطرح می‌شود. به دیگر سخن، هر حکمتی، عقلانی است، اما از لازمه‌ی هر امری عقلانی، حکیمانه بودن نیست. چنین دیدگاهی فراتر از دایره‌ی عقلانیتی است که تئوری‌های دانش سازمان و مدیریت به دنبال آن است. از همین جا فراتر بودن و ممتاز بودن وحی نسبت به دانش بشری خود را نشان می‌دهد. زیرا رسالت وحی سوق دادن بشر به سمت حکمت و حکیمانه افعال است.

این کارکرد و جوهره اصلی این بحث است که وحی به دنبال آن است تا افعال بشری را از حوزه عقلانیت به حوزه حکمت و حکیمانه رسانده و سازمانی عقلانی به سازمان حکیمانه تبدیل کند. به همین ترتیب فرآیندهای آن مثل تصمیم‌گیری عقلانی، به تصمیم‌گیری حکیمانه



مبدل شود. منطقی که این مقال به دنبال آن است کشف چنین صبغه و ایجاد چنین نگرش به آموزه‌های وحیانی است.

نتیجه‌ی دیگر معرفتی - کارکردی این است که شاخصه‌ی بارز عقلانیتی که آموزه‌های قرآن کریم مطرح کرده، بقا و ابدیت است، ولی سنجه‌ی عقلانیتی که نظریه‌های دانش سازمان و مدیریت مطرح کرده، این دنیایی و فناپذیری است. از باب نمونه مراد و هدف از تئوری‌ها و به دنبال آن اجرای صحیح فرآیندهای مدیریتی در سازمان تنها استخدام و بهره‌کشی و استثمار و قربانی کردن برای سوددهی و افزایش کارایی و اثربخشی در این دنیا است و رخ‌نمایی قاعده‌ای مهم و مهم فقط در دنیا خود را نشان می‌دهد. ولی نگرش آموزه‌های وحیانی آن است که استخدام و قربانی باید در سیر تعالی و کمال قرار گرفته و موجب رشد انسان شده و او را به قرب الهی برساند و انسان فقط در این دنیا متوقف نیست، بلکه حیات جاودانه و ابدی دارد که این دنیا در واقع بستری است که ابد او را می‌سازد، آیا دانش مدیریت می‌تواند چنین طرحی را ارائه دهد؟ با عقلانیت ابزاری توانایی ارائه چنین طرح و نگرشی را ندارد. از این رو، بسیاری از ظلم‌ها و... از عدم توانایی عقل انسان نشأت می‌گیرد. از دیدگاه دانش مدیریت، شکست و پیروزی در ظاهر نقیض هم هستند که عقل انسان‌سازمانی جمع آن دو را پذیرفته و آن را محال می‌داند. ولی منطق حکمت جمع این دو را پذیرفته و آن‌ها سبب تکامل انسان معرفی می‌کند. از باب نمونه این مسئله در حوزه‌ی جهاد و شهادت به‌خوبی رخ می‌نماید. آیا می‌توان از عقل ابزاری که رهاورد آن جنگلی از تئوری‌های مدیریت است، انتظار ارائه‌ی چنین مدلی را داشت؟ مدلی که بتواند آسایش دنیایی و آخرتی انسان را تأمین کند.





#### ۴- معانی، مقاصد و مدالیل

وقتی به معنای تفسیر نگاهی انداخته شود، مشخص می‌شود که جهت‌گیری لغویان و مفسران در تعریف آن کشف معانی، مدلولات و مقاصد آیات است. در اینجا به برخی از تعارف اشاره می‌شود.

۱. ابن فارس نوشته است: «فسر دلالت می‌کند بر بیان نمودن چیزی و روشن ساختن آن.» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۵۰۴/۴)

۲. طریحی در این باره می‌نویسد: «تفسیر از ریشه «فسر» است و آن به نحو اشتقاق کبیر، از «سفر» به معنی کشف و ظهور، مشتق شده است.» (طریحی، ۱۴۱۶: ۴۳۷/۳)

۳. جلال‌الدین سیوطی می‌نویسد: «تفسیر از باب تفعیل از ریشه فسر بمعنی «بیان و کشف» است و گفته می‌شود که تفسیر از سفر گرفته شده است.» (سیوطی، ۱۴۲۱: ۱۷۳/۲)

۴. زرکشی می‌نویسد: «تفسیر علمی است که با آن، کتاب خداوند که بر پیامبرش (ص) نازل شده فهمیده می‌شود و بیان معانی و استخراج احکام و حکمت‌های آن انجام می‌گردد.» (زرکشی، ۱۴۱۰: ۱۳/۱)

ابو حیان در بحر المحيط می‌گوید: «تفسیر علمی است که در آن بحث می‌شود از چگونگی تلفظ قرآن و مدلولات و احکام فردی و ترکیبی و معانی آنها که در حال ترکیب به معانی حمل می‌شود و تمه‌هایی بر اینها.» (ابو حیان، ۱۴۲۰: ۱۳-۱۴)

دکتر محمد حسین ذهبی می‌نویسد: «تفسیر عبارت است از دانشی که بحث می‌کند از مراد الله در قرآن بقدر طاقت بشری.» (ذهبی، بی تا: ۱۵-۱۹)

علامه طباطبایی می‌نویسد: «تفسیر بیان معانی آیات قرآنی و کشف مقاصد و مدالیل آنهاست.» (طباطبایی، ۱۴۲۷: ۴/۱)



«معانی» جمع معنا است و واژه معنا هم در «مفهوم کلام» و هم در «مراد کلام» به کار می‌رود. «مقاصد» جمع مقصد است و مقصد بیشتر درباره مکانی به کار می‌رود که انسان آهنگ آن را دارد، هرچند به لحاظ معنی هرچه مدنظر و مورد توجه فرد باشد را در بر می‌گیرد و از آن جمله مقصود و مراد از یک سخن است. واژه «مدالیل» جمع مدلول است و معنا و مراد را شامل می‌شود. با توجه به ذکر این سه واژه در این تعریف، به نظر می‌رسد بهترین تبیین آن همان فرمایش علامه طباطبایی است که برای تفسیر سه مرحله قایل می‌باشد: نخست، روشن ساختن مفاد واژگان و عبارت‌ها (بیان معانی)، دوم پرده برداشتن از مراد جدی خداوند از واژگان و عبارت‌های قرآن (کشف مدلول‌ها) و سوم پی‌بردن و کشف هدف و مقصدی که خداوند از انتقال این مرادهای جدی در نظر داشته است. (کشف مقاصد) (رجبی، ۱۲: ۱۳۸۳)

نکته دیگر در این تعریف، به کار گرفتن واژه بیان درباره معانی، و کشف در مورد مدالیل و مقاصد است که هر یک از این دو واژه برای این دو مرحله تناسب کامل دارد؛ زیرا مفسر در مرحله نخست با توجه به کاربردهای عرفی و لغوی، معانی را بیان می‌کند، ولی در دو مرحله بعد، او باید حقیقت را کشف نماید. (همان)

با توجه به آنچه از مقصود تفسیر ذکر شد، برآیند آنچه از فرآیند منطق کشف مدلولات مدیریتی سوره‌ها و آیات قرآن به دست می‌آید به واقعیت نزدیک است و پژوهشگران می‌تواند با این منطق معانی، مدالیل و مقاصد سوره‌ها و آیات قرآن را کشف و در قالب‌های نظریه، مدل و الگو ارائه کنند.



## نتیجه

به‌رغم کثرت اطلاعات موجود، چنین به نظر می‌رسد که متن قرآن ویژگی‌های دیگری نیز دارد که در نگرش و روش پیشینیان کمتر بدان پرداخته شده‌است و آن روش و منطق‌هایی است که در این تحقیق به آنها اشاره شد که منطق تنطیق و شهادت برخی از متن توسط پاره‌ای دیگر از آن را محقق می‌سازد که هم مبانی تفسیر موضوعی، وحدت موضوعی و بنائی قرآن را تحکیم می‌بخشد و هم نگرش نوینی در فهم و تفسیر قرآن القا می‌کند که رهیافت حاصل از آن اثبات انسجام درونی متن به مثابه وجه معقول و جامع قرآن، هم‌پوشانی نشانه‌ها و دلالت‌های آیات با یکدیگر، کشف نظریه قرآنی در موضوعی خاص، عینیت‌بخشی به منطق شهادت و تنطیق آیات و کاربرد مطالعات معناشناختی و زبان‌شناختی متن در شناسایی ظرفیت‌های متن قرآنی و از همه مهم‌تر زمینه ظهور تفاسیری جدید از قرآن با توجه به موقعیت و شرایط جهان معاصر خواهد بود. افزون بر کارکردهای بسیار منطق‌های یاد شده در حوزه تفسیر و قرآن‌پژوهی، شرایط مطلوبی را نیز برای رفع ابهام و حل مشکل ارتباط بخش‌هایی از قرآن فراهم می‌آورد که در ظاهر باهم اختلاف و ناسازگاری دارند.



## منابع

### قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی

- ۱) ابو الحسین، احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقائیس اللغة، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴.
- ۲) أبوحیان، بدر بن ناصر البدر، تفسیر البحر المحیط، ریاض، مکتبه الرشد، ۱۴۲۰.
- ۳) ایازی، سید محمدعلی، چهره پیوسته قرآن، تهران، نشر هستی‌نما، ۱۳۸۰.
- ۴) باقلانی، ابوبکر، إعجاز القرآن، بیروت، دارلکتب العلمیه، ۱۴۲۱.
- ۵) البرزی، پرویز و مسعود منصوری، «جستاری در کلان متن قرآن کریم بر اساس بازتعریف بینامتنی»، مجله پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، سال سوم، شماره اول، ۱۳۹۳.
- ۶) جوادی آملی، عبدالله، دین شناسی، قم، نشر اسراء، چاپ سوم، ۱۳۸۳.
- ۷) حسینی شاه عبدالعظیمی حسین بن احمد، تفسیر اثنا عشری، انتشارات میقات، تهران، ۱۳۶۳.
- ۸) خامه‌گر، محمد، ساختار هندسی سوره‌های قرآن، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۶.
- ۹) ذوقی، امین، «نگرهای جدید درباره انسجام متنی سوره‌های قرآن کریم»، دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث، سال ششم، شماره دوم، ۱۳۹۲.
- ۱۰) ذهبی، محمد حسین، التفسیر و المفسرون، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
- ۱۱) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم الدار الشامیه، ۱۴۱۲.
- ۱۲) رجبی، محمود، روش تفسیر قرآن، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳.



- ۱۳) زرکشی، بدرالدین محمد بن عبد الله، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۱۰.
- ۱۴) سیوطی، جلال‌الدین، الإیتقان فی علوم القرآن، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۲۱.
- ۱۵) سیوطی، جلال‌الدین، الإیتقان فی علوم القرآن، بیروت، دار الکتب العربی، دوم، ۱۴۲۱.
- ۱۶) طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۷.
- ۱۷) طبرسی، فضل بن حسن، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲.
- ۱۸) طریحی، فخرالدین، مجمع‌البحرین، تهران، کتاب‌فروشی مرتضوی، چاپ سوم، ۱۴۱۶.
- ۱۹) علوانی، جابر طه، الوحده البنائیه للقرآن‌المجید، القاهرة، مکتبه الشروق الدولیه، ۱۴۲۷.
- ۲۰) عیاشی، محمد مسعود، تفسیر عیاشی، تهران، مکتبه الاسلامیه، بی‌تا.
- ۲۱) غزنوی، موسی، «راز و رمز ژرفای قرآن»، فصلنامه کوثر، سال پنجم، شماره ۱۸، ۱۳۸۶.
- ۲۲) فقهی‌زاده، عبدالهادی، پژوهشی در نظم قرآن، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۴.
- ۲۳) فقهی‌زاده، عبدالهادی، پژوهشی در نظم قرآن، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۴.
- ۲۴) فیومی، احمد بن علی، مصباح‌المنیر، قم، دارالهجره، ۱۴۱۴ ق.
- ۲۵) قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، چاپ پنجم، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، بی‌تا.



۲۶) لطفی، امیرعلی، درآمدی بر مطالعه قرآن به روش سیستمی و با رویکرد شبکه‌ای،

دوفصلنامه قرآن و علم، سال چهارم، شماره ۶، تابستان و بهار ۱۳۸۹.

۲۷) مطیع، مهدی و احمد پاکتچی و بهمن نامورمطلق، «درآمدی بر استفاده از روش‌های

معناشناسی در مطالعات قرآنی»، مجله پژوهش دینی، شماره ۱۸، ۱۳۸۸.

۲۸) مکارم شیرازی، ناصر با همکاری جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، دارالکتب

الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۲.

۲۹) نقی پورفر، ولی‌الله، پژوهشی پیرامون تدبر در قرآن، اسوه، تهران، چاپ چهارم،

۱۳۸۱.

۳۰) هاشمی رفسنجانی، اکبر، فرهنگ قرآن، بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی

حوزه علمیه قم)، قم، دوم، ۱۳۸۳.

۳۱- salwa awa (۲۰۰۶), textual relations in the qur'an, an relevance, coherence, structure, Routledge Studies in the Qur'an. Routledge: London and Newyork

Louis A. Allen, ۳۲- Management and organization, ۱۹۵۸

۳۳- Rapaka Satya Raju, R. Parthasarathy, Management Text And Cases, ۲۰۰۶, p۸۲.



## آسیب شناسی جامعه نبوی از منظر سوره حجرات

اصغر کوراوند\*

### چکیده

بررسی نقاط ضعف و آسیب شناسی جامعه دینی، از گام‌های مهم و اساسی، در جهت رشد و پیشرفت جوامع، محسوب می‌شود. در این میان، جامعه نبوی، به عنوان آخرین الگوی دینی و اجتماعی بشریت، مورد توجه دقیق آسیب شناسانه قرآن کریم، قرار گرفته تا در مسیر رشد و پیشرفت، از گذرگاه‌های حادثه خیز، به سلامت عبور نماید. در این میان سوره حجرات، در حوزه راهبری و آسیب شناسی جامعه نبوی، نقش بسزایی دارد. هدف از تحقیق حاضر، بررسی آسیب شناسانه جامعه نبوی از چشم‌انداز سوره حجرات است تا برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، گذشته را به درستی شناخته شود و از تجربه‌های آن، درس گرفته شود، چرا که اگر از این راهبرد غفلت شود، دروغ‌ها به جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهند گرفت. در این پژوهش ابتدا، مواد اولیه تحلیل، به روش کتابخانه‌ای، گردآوری و توصیف شده، سپس به روش‌های مختلف استدلالی، مورد تجزیه و تحلیل عقلانی، قرار گرفته است. بررسی‌های این تحقیق نشان دهنده لزوم توجه راهبردی به آسیب شناسی جوامع دینی است. دستاورد پژوهش حاضر، حاکی از آن است که یکی از مهم‌ترین عوامل آسیب‌زا و موانع رشد و پیشرفت جوامع دینی و مذهبی، احساس برتری ایمانی و به عبارت دیگر خودشیفتگی دینی و همچنین لزوم خودکنترلی و خودبانی در روابط فردی و میان فردی در زندگی است.

**واژگان کلیدی:** روانشناسی قرآن بنیان، جامعه سازی اسلامی، خودشیفتگی، روانشناسی

اسلامی، سوره حجرات.

\*. دانش آموخته دکتری قرآن و روانشناسی (جامعه المصطفی العالمية): Korawand.۲۶۵@gmail.com



## مقدمه

جوامع بزرگ انسانی، تمدن‌ها و فرهنگ‌های دیرپا، پیش از آن و بیش از آن که به وسیله دشمنان بیرونی از پای درآمده و به افول گریند، از درون تهدید شده و به سمت سقوط حرکت کرده‌اند، بنابراین راز ماندگاری و پیشرفت و رشد جوامع بشری، در آسیب‌شناسی و بازسازی مداوم درونی آن‌هاست. از همین روست که رشد و پیشرفت در جوامع بشری، بدون آسیب‌شناسی و توجه به عوامل آسیب‌زای آن، امکان پذیر نخواهد بود. جامعه نوپای نبوی نیز از این قاعده بی‌نیاز نبوده است. بررسی‌های تاریخی و تفسیری نشان می‌دهد که هم زمان با ورود اسلام به مدینه و هجرت پیامبر اسلام صلوات‌الله‌علیه، رشد و پیشرفت جامعه نبوی نیز، آغاز می‌شود. برای دست‌یابی به این هدف، قرآن کریم در جایگاه وحی الهی، گام به گام، جامعه نبوی را آسیب‌شناسی نموده و به سمت ترقی و پیشرفت سوق داده است. سوره‌های نازل شده در مدینه که به بیست و هشت سوره بالغ می‌شود، هر یک به ابعادی از ویژگی‌های جامعه پیشرو اسلامی، اشاره کرده است. در این میان سوره حجرات، در حوزه راهبری و آسیب‌شناسی جامعه نبوی در اواخر دهه اول هجری، نقش بسزایی را ایفا نموده است. عملیات آسیب‌شناسی در فرایند شکل‌گیری جامعه نبوی، از مهم‌ترین اقدامات انجام شده جهت استحکام بخشی و انسجام دهی به جامعه ایمانی به شمار می‌رود. نگاه آسیب‌شناسانه به جامعه نبوی همگام با نزول وحی، راه کارهای درمانی قرآنیِ مقابله با آسیب‌های و تقویت جامعه دینی را ترسیم نموده و دستاوردهای کاربردی و مفیدی را برای امروز جامعه اسلامی در حوزه کیفیت رفتارسازی فردی و اجتماعی مؤمنین، ارائه می‌نماید (بهجت پور، ۱۳۹۵: ۸۷-۱۱۷).

بنابراین، با توجه به ماهیت یهدی الی الرشد بودن قرآن کریم، (جن/۲) و توجه جدی قرآن، به آسیب‌ها و موانع رشد و پیشرفت در جوامع بشری، بالاخص جوامع دینی، عدم توجه به آسیب‌شناسی قرآنی در مورد جامعه عصر نزول، موجب تکرار همان آسیب‌ها و مشکلات





برای جوامع مسلمان بعد از نزول، خواهد شد. در نمایی کلی، بررسی آسیب شناسانه جامعه عصر نزول سوره حجرات، به ما می‌نمایاند که پیامبر اسلام (ص)، در پرتو وحی و مدیریت الهی، با چه آسیب‌هایی دست و پنجه نرم کرده و با چه راه‌کارهایی آن را از چالش‌ها عبور داده تا در پرتو این نگاه، ما نیز بتوانیم در گام دوم انقلاب پله‌های ترقی و پیشرفت را در جامعه اسلامی خود، طی نماییم و به برنامه‌ریزی جهت پیشگیری و درمان آسیب‌های جامعه دینی، همت بیشتری بنماییم. در همین راستا، سوره حجرات را به تمام معنا می‌توان، سوره‌ای مهم در نقد و بررسی اخلاق دینی مسلمانان دانست که با ظرافتی کم‌نظیر، به بیان آسیب‌های دینی در حوزه باورها و رفتارهای جامعه اسلامی پرداخته است (کلباسی، ۱۳۹۷: ص ۷۹). از همین رو در پژوهش حاضر، تلاش شده است تا با گام‌های روشمند و با تحلیل‌های روان شناسانه، به آسیب‌شناسی جامعه عصر نزول سوره حجرات، پرداخته شود. هرچند رخدادهای و ویژگی‌های جامعه نبوی عصر نزول قرآن، از دید مورخان و مفسران، پوشیده نمانده است، اما مطالعه و پژوهشی روشمند، روان‌شناسانه و آسیب شناسانه، در پرتو سوره حجرات، توسط نگارنده یافت نشده است. بنابراین هدف از تحقیق حاضر، بررسی آسیب شناسانه جامعه نبوی از چشم‌انداز سوره حجرات است تا برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، گذشته را به درستی شناخته باشیم و از تجربه‌های آن، درس گرفته باشیم، چرا که اگر از این راهبرد غفلت شود، دروغ‌ها به جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهند گرفت.

### پیشینه پژوهش

حضور پیامبر در مدینه و تشکیل حکومت دینی از نقاط عطف تاریخ اسلام به شمار رفته که مملو از پدیده‌های اجتماعی و گذار اعتقادی - سیاسی جامعه عرب آن روز از شرک و بت پرستی به توحید و خداپرستی و از ساختار سیاسی - اجتماعی قبیله‌ای به تشکیل قدرت



مرکزی منسجم می‌باشد (بهجت پور، ۱۳۹۵: ص ۹۱). اما مطالعه و پژوهشی روشمند، روان شناسانه و آسیب شناسانه، در پرتو سوره حجرات، توسط نگارنده یافت نشده است. در اکثر پژوهش‌هایی که در مورد سوره حجرات صورت گرفته است، تنها به توصیف رفتارهای نابهنجار در عصر نزول سوره حجرات پرداخته شده است، و آن را صرفاً یک دستور العمل جامع اخلاقی برای تهذیب روح و روان و در یک کلام آن را سوره اخلاق و آداب دانسته‌اند (سبحانی، ۱۳۸۰، ص ۲۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۲۲، ص ۱۳۵). در حالی که تبیین و بررسی علل و زمینه‌های رفتارهای نابهنجار و نابهنجاری که در سوره حجرات به آن اشاره شده است، مهم‌تر از توصیف و ارزش‌گذاری اخلاقی آن است. در بعضی از پژوهش‌های تفسیری در سوره حجرات، به انگیزه‌ها و ریشه‌های بعضی از رفتارهای نابهنجار موجود در سوره، اشاره شده ولی هیچ شبکه واحدی بین علل و انگیزه‌های رفتارهای نابهنجار موجود در سوره بیان نشده است (قرائتی، ۱۳۸۰: ص ۱۱۴).

برخی از مفسرانی که معتقد به ارتباط تنگاتنگ معارف سوره‌ها با فضای نزول هستند، فضای نزول را همان چالش و آسیبی می‌دانند که سوره در صدد مواجهه با آن است (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ج ۱، ص ۱۱۴). به عبارت دیگر مراد از فضای نزول، همان ویژگی‌های رفتاری و شخصیتی مردم در جامعه عصر نزول است که گاهی از آن به مشکلات و چالش‌های سوره، نام برده می‌شود و گاهی روش‌های جدیدی را برای کشف این فضای نزول و چالش مورد نظر، ارائه کرده‌اند (الهی زاده، ۱۳۸۷: ص ۲۳). ولی به علل آسیب‌زا و چالش‌آفرینی که این فضا را در جامعه عصر نزول رقم زده است، و همچنین فرایند روشمند روان شناسانه آن، اشاره‌ای نکرده‌اند. نکته‌ای که در تمام پژوهش‌های انجام شده، مغفول قرار گرفته است، محور اصلی این پژوهش، می‌باشد، یعنی نبود نگاه روشمند روان‌شناسانه و آسیب شناسانه نبوی عصر نزول. قابل توجه است که این نگاه به جامعه نبوی و ترسیم انگیزه‌ها و اهداف مردم عصر نزول



سوره حجرات، نکته‌ای است که تاکنون در پژوهش‌های تفسیری و قرآنی به آن توجه نشده است.

## مفهوم شناسی

در اینجا، تعدادی از مفاهیم مهم و اصلی را توضیحی مختصر می‌دهیم تا استفاده از آنها و نسبت آنها با یکدیگر، قدری معلوم‌تر باشد و به دریافت مطالب کمک کند.

### ۱. آسیب‌شناسی

واژه آسیب در لغت به معنای زخم، عیب و نقص، آفت و صدمه (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۱، ۱۱۴) و «آسیب‌شناسی» به معنای بحث و مطالعه درباره علل بیماری و عوارض و علایم غیر عادی است و هدف از آن، شناخت آسیب‌ها و علل پیدایش آن هاست (آقایی، ۱۳۸۰: ص ۱۰۶). آسیب‌شناسی را می‌توان عملیاتی جهت شناخت و جلوگیری از بروز یا درمان آسیب به وجود آمده همراه یک پدیده دانست. البته می‌توان گفت هدف آسیب‌شناسی تنها درمان یک آسیب نیست، بلکه ممکن است آسیب‌شناس، با تشخیص موقعیت بروز یک آسیب و نوعی پیشگیری اجتماعی، هم زمان با جلوگیری از بروز، آن را تبدیل به یک فرصت، جهت رشد و پیشرفت یک پدیده نماید (بهجت پور، ۱۳۹۵: ص ۹۲).

### ۲. جامعه نبوی

«جامعه» در لغت به معنای گرد هم کردن، فراهم آوردن و برهم افزودن است (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق، ص ۲۳۹) و در اصطلاح به جمع یا گروه؛ خصوصاً گروهی از انسان‌ها اطلاق می‌شود که جهت مشترکی مانند نژاد، زبان، دین و مذهب، ملیت و... با هم داشته و به اعتبار همان جهت مشترک، یک جامعه را تشکیل داده و برای رسیدن به اهداف مشترک سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و مانند آن، به طور مشترک فعالیت می‌کنند (انوری، ۱۳۸۱: ج ۳، ص ۲۰۷۲). جامعه



نبوی نیز در آغاز، اجتماعی از مؤمنین پیشرو بود که با ظهور اسلام در مکه، به خدا و آرمان‌های اسلامی ایمان آورده و با تحمل مشقّت‌های فراوان، با هجرت به مدینه، پایه‌های اصلی اجتماعی نوین بر پایه ایمان به خداوند را بنا نهادند (بهجت پور، ۱۳۹۵، ص ۹۴).

### ۳. خودشیفتگی (عجب)

لغت خودشیفته، ترجمه لغت ناریسیم<sup>۱</sup> است که از یک افسانه یونانی گرفته شده است. واژه ناریسیسیم از نام ناریسوس، یکی از اسطوره‌های یونانی گرفته شده است. خودشیفتگی اصطلاحی است که اولین بار فروید آن را به کاربرد. اصطلاح خودشیفتگی برای بیان حالت آن‌هایی به کار می‌رود که قدرت عشق‌ورزی آن‌ها به جای گرایش به سوی دیگران، به سوی خویش می‌باشد. این حالت بسیاری از کسانی است که نوروتیک یا سایکوتیک هستند، آنها منحصرأ به خود مشغولند و باور دارند که بالاتر از دیگرانند یا دست کم مورد توجه همگان هستند. معادل این مفهوم در زبان عربی، مفهوم عجب است.

واژه عجب، اسم مصدر است از عَجَب، یَعْجَبُ که در فارسی به معنای خودبینی، خودپسندی، کبر و گردن کشی است (عمید، ۱۳۶۳).

راغب دو واژه عجب و تعجب را که معنای مشابه عجب دارند؛ این گونه تعریف می‌کند: «الْعَجَبُ وَ التَّعَجُّبُ: حَالُهُ تَعْرِضُ لِلْإِنْسَانِ عِنْدَ الْجَهْلِ بِسَبَبِ الشَّيْءِ، وَ لِهَذَا قَالَ بَعْضُ الْحُكَمَاءِ: الْعَجَبُ مَا لَا يُعْرَفُ سَبَبُهُ» (مفردات ألفاظ القرآن، ۱۴۳۴: ص ۵۴۷)؛ یعنی شخص معجب به حقیقت خویش، جاهل و از امتیازات خود در شگفت است. در مجمع البیان، دو واژه اعجاب و عجب را این گونه تعریف می‌کند: الاعجاب، السرور بما يتعجب منه و العجب، السرور بالنفس؛

---

۱. Narcissistic



اعجاب، خوشحالی به چیزی است که مایه تعجب شود و عجب هم خوشحالی به نفس است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵/۲۷).

از دقت در گفتار ارباب لغت، به این نتیجه می‌رسیم که عجب در لغت آن است که انسان در اثر جهل، خویشتن را صاحب کمالات و فضایل بداند و خود را بهره‌مند از ویژگی‌ها و امتیازاتی بیندارد، و از این طریق در نفس خود، احساس سرور و خوشحالی کند، تا حدی که رأی و نظر خود را صحیح و رأی دیگران را خطا بیند (سجادی، ۱۳۸۴: ص ۱۰). لازم به ذکر است که نکته بسیار لطیف این تعریف این است که فرد معجب خود را صاحب این کمالات به صورت استقلالی می‌بیند و اگر واقعاً این کمالات را با این دید نمی‌دید، اصلاً خود را صاحب این کمالات نمی‌دید، بلکه خداوند را صاحب این عطایا می‌دید.

### روش پژوهش

روش به معنای راه رسیدن به معرفت، در یک علم خاص است (برنجکار، ص ۲۷). به عبارت دیگر روش، مجموعه مرحله به مرحله انجام یک فعالیت برای رسیدن به هدف معین است (واسطی، ۱۳۹۲: ص ۵۶). روش شناسی معادل واژه انگلیسی، متدولوژی<sup>۱</sup> است و عبارت است از مجموعه‌ای از روش‌ها و ضوابط برای انجام دادن فعالیتی به خصوص (صادقی، ۱۳۹۶: ص ۱۹۰).

روش شناسی، شناخت شیوه‌های اندیشه و راه‌های تولید علم در عرصه معرفت بشری است که موضوعش روش علم و معرفت می‌باشد (بزرگی، ۱۳۹۷: ص ۱۴). پس روش شناسی یعنی شناخت روشی که محقق، برای رسیدن به هدف تحقیق خود، به کار گرفته است (اعرابی، ۱۳۹۰: ص ۱۴).

---

۱. Methodology



روش شناسی رشته‌ای است که با بحث منطقی پیرامون روش‌های دستیابی به دانش و معرفت، شیوه عمل منظم و سیستماتیک و قاعده‌مند برای رسیدن معرفت، سروکار دارد و به استدلال می‌پردازد (دوایی، ۱۳۸۶: ص ۹۶).

روش پیشنهادی این مؤلف، دارای پنج گام به شرح زیر می‌باشد:

### گام اول: شخصیت شناسی

در این مرحله هدف، شناسایی ویژگی‌های روان‌شناختی جامعه عصر نزول سوره است. در این مرحله ما به دنبال کشف رفتارهایی هستیم که در سوره، به آثار و پیامدهای مختلف فردی، اجتماعی و یا اخروی آن اشاره کرده است.

### گام دوم: هدف شناسی (انگیزه شناسی)

در این مرحله، توجه پژوهشگر به اهداف و انگیزه‌هایی است که موجب ایجاد چالش‌ها و مشکلاتی در جامعه عصر نزول شده است. در واقع مهم‌ترین گام در این مرحله کشف اهداف و انگیزه‌های درونی افراد جامعه عصر نزول است. به عبارت دیگر در این مرحله است که پژوهشگر به تحلیل روان‌شناختی رفتارها و پدیده‌های روانی مردم عصر نزول سوره می‌پردازیم، چرا که از دیدگاه روانشناختی، همه رفتارهای ارادی انسان‌ها، از علل و عوامل درونی به نام انگیزه‌ها و اهداف، نشأت می‌گیرند. بنابراین رفتارهای فردی و اجتماعی افراد در جوامع مختلف، نشانگر سطح اهداف و انگیزه‌های درونی آن‌ها و مقیاسی برای رشد و پیشرفت شخصیتی افراد آن جامعه می‌باشد.



### گام سوم: شبکه شناسی

بعد از بررسی علل و زمینه‌های درونی رفتارهای فردی و اجتماعی در عصر نزول، نوبت به کشف شبکه ارتباطی بین علل و زمینه‌های به دست آمده از آیات مختلف، می‌رسد. در این مرحله است که ما به یک علت واحد در آسیب‌شناسی رفتارهای فردی و اجتماعی مردم عصر نزول می‌رسیم.

### گام چهارم: نیاز شناسی

در این مرحله با توجه به آسیب‌شناسی انجام شده در مورد جامعه عصر نزول، نیازهای واقعی جامعه با توجه به شرایط جامعه عصر نزول، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### گام پنجم: راهکار شناسی

بعد از مرحله نیاز شناسی، نوبت به مرحله راه کارشناسی می‌رسد. در این مرحله روش‌ها و راهکارهای مقابله با آسیب مورد نظر در سوره، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### مبانی شناسی

هر رشته از دانش‌ها و معارف انسان، بر پاره‌ای مبانی و باورداشتهای پیشین مبتنی است. بر اساس آنچه گفته آمد، فهم و معرفت دینی، دانشی نظری است که بر اساس یک سری مبانی و باورداشتهای پایه بدیهی یا اثبات شده فلسفی، معرفت شناختی، زبان شناختی و... استوار است که شناخت حقایق دینی و کشف مراد شارع، بر اساس پذیرش آن مبانی و پیش باورها، انجام می‌شود (شاکرین، ۱۳۹۰: ص ۵۲). مبانی مورد نظر در استخراج مفاهیم آسیب‌شناختی از سوره حجرات عبارت است از:



## ۱. هدفمندی قرآن

در این که نزول قرآن، دارای اهداف از پیش تعیین شده است، شکی نیست، زیرا صدور دین از ناحیه خدای حکیم، مستلزم هدف‌داری دین است، چرا که فعل حکیم، بدون غایت نیست. آفرینش دین سرشته انسان و ارسال رسولان و انزال کتب، همه، اموری غایتمند و هدف دارند و هدف اساسی از آن‌ها، جز کمال و سعادت بشریت، نتواند بود (شاکرین، ۱۳۹۰: ص ۲۱۱). عدلیه قائلند که اگر افعال الهی را فاقد هرگونه غرض و هدف به معنای فایده داشتن فعل، بدانیم، با صفت حکمت خداوند سازگار نخواهد بود، زیرا لازمه حکیم دانستن خداوند، غرض داشتن افعال وی است. چرا که فعل فاقد غرض و غایت، لغو و عبث خواهد بود و انجام عبث عقلاً، قبیح است و آن جا که ارتکاب کار قبیح از سوی خداوند محال است، ممکن نیست افعال او عبث باشد. در نتیجه تمام افعال الهی، غایتمند و دارای غرض و هدف است (علی تبار فیروزجایی، ۱۳۹۰: ص ۷۰). بنابراین تمام افعال الهی، اعم از افعال تکوینی و افعال تشریحی هدفمند می‌باشند (همان، ص ۷۵). بنابراین شکی نیست که قرآن که معجزه جاوید پیامبر اسلام صلوات الله علیه است، نمی‌تواند بدون هدف، نازل شده باشد (رضایی، ۱۳۹۶: ص ۹۱۸). این مسأله، یعنی هدف‌داری دین و بالخصوص هدف‌داری قرآن، گشاینده زاویه نگرش خاصی در نگاه به دین و روشی برای فهم و معرفت دینی، یعنی فهم ناظر به هدف است (شاکرین، ۱۳۹۰: ص ۲۱۱).

## ۲. نیازمندی انسان

نیاز در لغت به معنای کمبود و فقدان و در معنای اصطلاحی، نیاز به نیروی ذهنی اطلاق می‌شود که موجب انگیزش و سرزدن رفتاری خاص از آدمی می‌گردد، تا نیاز پیدا شده، رفع گردد (جمعی از اساتید، ۱۳۷۷: ص ۵۵). این که انسان چه نیازهایی دارد در میان روان‌شناسان مورد بحث و گفتگو است (نصری، ۱۳۸۵: ص ۲۹۲). ولی به طور کلی از یک نظر می‌توانیم





نیازهای انسانی را به چند دسته تقسیم نماییم: ۱. نیازهای نظری و عملی: از یک منظر می توان نیازهای انسان را به قسم تقسیم کرد: نیازهایی که مربوط به حوزه فکر و اندیشه می شود (نظری) و نیازهایی که مربوط به حوزه رفتار و کردار می شود (عملی). ۲. نیازهای مادی و معنوی: با توجه به دو بُعدی بودن انسان، یک دسته نیازهای مادی و معنوی برای زندگی مادی در این دنیا دارد و یک دسته نیازهای معنوی برای بُعد روحی و معنوی و اخروی دارد. ۳. نیازهای فردی و اجتماعی: از منظری دیگر، انسان یک زندگی اجتماعی دارد و برای این زندگی اجتماعی نیازهایی دارد که بتواند، که بتواند رابطه خود را با دیگران تنظیم کند و یک زندگی فردی دارد که این نوع زندگی فردی نیز، نیازهای خاصی دارد که باید به آن توجه بشود (حیدری فر، ۱۳۹۶: ص ۲۱). در همین راستا یکی از نیازهای اساسی مربوط به حوزه فکر و اندیشه، نیاز به آسیب شناسی و شناخت عوامل آسیب زا در مسیر رشد و کمال انسانیت است.

### ۳. قرآن و نیازهای انسان

انسان ها، نیازهایی دارند و دین، هدفش تأمین این نیازهاست (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ص ۲۷). طبیعتاً خداوند متعال از نزول قرآن کریم بر قلب پیامبر صلوات الله علیه، اهدافی را مد نظر داشته است و به طور طبیعی این اهداف در رابطه با انسان هستند، چرا که خداوند قرآن را برای هدایت انسان، فرستاده است، پس در این میان، مطالعه انسان شناختی و هدف شناسی قرآن، باید به همراه هم مورد مطالعه قرار گیرند، چرا که ما در اصل، باید با شناخت صحیح از انسان و اهدافی که قرآن کریم در مورد او بیان کرده است و سپس با جمع بندی میان این دو، اهداف جامع و صحیح از نزول قرآن کریم را به دست آوریم (چهری، ۱۳۸۸: ص ۱۴).

در منظر استاد جوادی آملی، میان نیازهای انسان و اهداف قرآن، تناسب وجود دارد، و هر چه شناخت ما از نیازهای انسان به هدایت، بیشتر می شود، بر شناخت اهداف قرآن، توفیق کامل تری می یابیم (بهجت پور، ۱۳۹۴: ص ۵). قرآن، درباره روش های تأمین نیازهای مادی و



معنوی انسان‌ها، توصیه‌ها و راهکارهای ویژه‌ای ارائه کرده است، تا جامعه اسلامی به آسیب مبتلا نشود (مرویان حسینی، ۱۳۸۳: ص ۱۵).

قرآن کریم نیز، با توجه به هدف «یهدی الی الرشید بودنش»، به نیاز انسان در جهت شناخت عوامل و موانع رشد (آسیب‌شناسی)، توجه جدی نموده است. بنابراین روش درست و صحیح این است که اگر قرآن کریم، تمام نیازمندی‌های هدایتی بشر [از قبیل نیازمندی‌های شناختی در عرصه عوامل آسیب‌زای رشدی] را ذکر کرده است، پس ما باید ابتدا به قرآن مراجعه کنیم و این نیازها را استخراج کنیم تا بفهمیم قرآن، چه نیازهایی را برای هدایت لازم می‌داند نه این که نیازهای تصور شده خودمان را از قرآن استخراج کنیم و دنبال پاسخ آن باشیم (حیدری فر، ۱۳۹۶: ص ۲۵).

### یافته‌ها

#### ۱. بررسی رفتاری جامعه عصر نزول

اولین گام در راستای آسیب‌شناسی رفتاری در جامعه عصر نزول سوره حجرات، شناسایی رفتارهای نابهنجار اجتماعی، در عصر نزول سوره حجرات است که در بعضی از تفاسیر از آن با عنوان «فضای نزول سوره» نام برده می‌شود. فضای نزول که مربوط به مجموع یک سوره است، بررسی اوضاع عمومی، اوصاف مردمی و شرایط ویژه‌ای است که در مدت زمان نزول یک سوره در حجاز و خارج آن وجود داشته است. کشف و پرده برداری از این ویژگی‌ها و شرایط و تبیین آن در آغاز هر یک از سوره‌ها، ترسیم فضای نزول آن سوره خواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ج ۱، ص ۲۳۶).

برای ترسیم فضای نزول سوره، لازم است که به همه شواهد درون متنی و برون متنی سوره که بیانگر چالش‌هایی‌اند که سوره در صدد پاسخ گفتن به آن‌هاست، توجه کرد. یکی از



روش‌های درون متنی برای کشف چالش‌ها و ویژگی‌های رفتاری جامعه عصر نزول سوره، توجه به گزاره‌های خبری و انشایی موجود در خود سوره است (خامه گر، ۱۳۹۶: ص ۳۵۴).  
به عبارت دیگر، حالات انسانی و شرایط محیطی مخاطبان سوره، در گزاره‌های اخباری و انشایی سوره منعکس شده است. بدون تردید خبرهای قرآن واقع نما هستند و دقیقاً آنچه را که رخ داده است، گزارش می‌کنند و گزاره‌های انشایی قرآن، سخنانی بجا و حکیمانه‌اند و مطابق نیاز هدایتی مخاطبان قرآن است (الهی زاده، ۱۳۸۷: ص ۲۳). با حفظ این مقدمات وارد شناسایی رفتارهای مخاطبین سوره حجرات می‌شویم:

### بخش اول:

در این بخش که از آیه اول تا آیه هفتم، شامل می‌شود، به ویژگی‌های رفتاری مخاطبین عصر نزول این سوره با خداوند و فرستاده او می‌پردازد. از مجموع جملات انشایی و اخباری موجود در این آیات، چنین استنباط می‌شود که برخی از مؤمنین، گاهی نظر و دیدگاه خودشان را بر نظر و حکم کتاب و سنت، مقدم می‌کردند (ای کسانی که ایمان آورده‌اید در برابر خدا و پیامبرش [در هیچ کاری] پیشی مجوید و از خدا پروا بدارید که خدا شنوای داناست) و طبق دیدگاه خودشان عمل می‌کردند و یا هنگام ارتباط کلامی با حضرت، با صدایی بالاتر از صدای حضرت با ایشان صحبت می‌کردند (ای کسانی که ایمان آورده‌اید صدایتان را بلندتر از صدای پیامبر مکنید و همچنانکه بعضی از شما با بعضی دیگر بلند سخن می‌گویند با او به صدای بلند سخن مگویند مبادا بی‌آنکه بدانید کرده‌هایتان تباه شود) و گویی خود را هم ردیف رسول خدا و شاید بالاتر از ایشان می‌پنداشتند و در برخی از موارد، انتظار داشتند که رسول الهی، از نظر آن‌ها تبعیت نماید (و بدانید که پیامبر خدا در میان شماست اگر در بسیاری از کارها از [رأی و میل] شما پیروی کند قطعاً دچار زحمت می‌شوید لیکن خدا ایمان را برای شما دوست داشتنی



گردانید و آن را در دل‌های شما بیاراست و کفر و پلیدکاری و سرکشی را در نظرتان ناخوشایند ساخت آنان ره‌یافتگان‌اند).

### بخش دوم:

در بخش دوم که از آیات هشتم تا دوازدهم می‌باشد، به نحوه ارتباط مخاطبین سوره، با مؤمنین دیگر اشاره می‌کند که با توجه به گزاره‌های اخباری و انشایی موجود در این دسته از آیات، به نظر می‌رسد برخی از طوایف مسلمانان، با طوایف مسلمان دیگر به جنگ و خونریزی می‌پرداختند و یا به مسخره کردن یکدیگر و گمان بد و تجسس در کار یکدیگر و غیبت کردن مشغول بودند (ای کسانی که ایمان آورده‌اید نباید قومی قوم دیگر را ریشخند کند شاید آنها از این‌ها بهتر باشند و نباید زنانی زنان [دیگر] را [ریشخند کنند] شاید آنها از اینها بهتر باشند و از یکدیگر عیب مگیرید و به همدیگر لقب‌های زشت مدهید...).

### بخش سوم:

در بخش آخر از این سوره، دوباره به نحوه ارتباط برخی از مسلمانان با رسول گرامی اسلام صلوات الله علیه می‌پردازد که مدعی ایمان واقعی‌اند در حالی که در این ادعا، صادق نیستند (الهی زاده، ۱۳۸۷: ص ۲۵).

## ۲. بررسی انگیزه‌ها و اهداف رفتاری جامعه عصر نزول

دومین گام برای آسیب‌شناسی جامعه عصر نزول سوره، کشف اهداف و انگیزه‌هایی است که پی‌آمد آن‌ها، بعضی از رفتارهایی است که در سوره به آن اشاره شده است. برای رسیدن به این هدف، از تمام قرائن داخلی و خارجی موجود، استفاده خواهیم کرد.

### الف- قرائن بیرونی: زمان نزول سوره



هرچند مفسران، زمان نزول سوره حجرات را اوایل سال ششم هجری دانسته‌اند ولی تتبع در روایات سبب نزول ذیل سوره حجرات و گزارش مورخان از وقایع پس از فتح مکه، نشانگر نزول این سوره در نیمه اول سال نهم هجری، مصادف با ورود و وفود به مدینه و اسلام آوری قبایل شبه جزیره است (کلباسی، ۱۳۹۷: ص ۷۹). این زمان، مصادف با اوج گرایش مردم به دین اسلام بوده است و مسلمانان بواسطه برتری‌های نظامی و اجتماعی که بر دیگران پیدا کرده بودند، زمینه ابتلا به خودشیفتگی و خودبرترینی در آن‌ها، بسیار بیشتر از گذشته، بوده است. در چنین شرایطی ما با یک احساس نیاز بشایع و همگانی در اکثر مسلمانان عصر نزول به بهتر بودن، مواجه هستیم که موجب علاقه شدیدی به احساس بهتر بودن، در آن‌ها شده بود.

#### ب-قرائن درونی: محتوای سوره

##### بخش اول:

در بخش اول سوره، با مسلمانانی مواجه هستیم که در برابر خداوند و رسول الهی، رفتارهای محترمانه‌ای ندارند و گویی خود را بالاتر از این می‌دانند که رعایت احترام خداوند و رسولش را نمایند.

##### بخش دوم:

در آیات ابتدایی این بخش از سوره، سخن از برادری و عدم قتال با برادران ایمانی است. در تحلیل روانشناختی، افرادی که دارای روحیه خودشیفتگی و عجب هستند، سعی می‌کنند حتی به قیمت تجاوز به حقوق و حریم شخصی و اجتماعی دیگران، نداشته‌های خود را به دست آورده و جایگاه برتر خود را حفظ نمایند. (فقیهی، ۱۳۹۵: ص ۱۴۰). در آیه یازدهم این سوره، که مخاطب آن، عموم مردان و زنان مؤمن است، قرآن کریم به همه هشدار می‌دهد که از مسخره کردن دیگران، دروی نمایند، چرا که سرچشمه استهزاء و سخریه، همان حس برترینی، توجه بیش از حد به ارزش‌های ظاهری، کبر و غرور است (شکر بیگی، ۱۳۹۶:



ص ۸۱). همچنین این احساس برتری و خودشیفتگی، گاهی موجب می‌شود که افراد با بزرگ‌نمایی نقاط ضعف اطرافیانش، از طریق بدگویی و عیب جویی، سعی کنند واقعیت‌های موجود در مورد برتری‌های ایشان را مخفی و یا کمرنگ نمایند (فقیهی، ۱۳۹۵: ص ۱۳۸). در ادامه این آیه تصریح می‌کند که «احتمال بدهید که دیگران از شما بهتر باشند»، که این هم دلالت دارد که این گروه از مسلمانان، از حیث شناختی، خودشان را بهتر از دیگر مسلمانان می‌دانستند.

### بخش سوم:

در بخش سوم سوره حجرات نیز با نمونه‌های دیگری از این احساس برتری منفی مواجه می‌شویم که در آن برخی از مسلمانان، خودشان را در جایگاه بسیار والای ایمانی، می‌دیدند و حتی پا را فراتر از این گذاشته و به خاطر داشتن این مقام، بر خداوند و رسول خدا صلوات الله علیه، منت می‌گذارند. در تحلیل روانشناختی این نوع رفتار می‌توان گفت، افراد مبتلا به عجب و خودشیفتگی، با توجه به داده‌های خیالی خود، گاه دارایی‌ها و اوصافی را برای خود برمی‌شمرند که در حقیقت فاقد آن هستند. هم چنین، به سبب هر عمل نیک انجام داده یا ندادن‌های در قبال دیگران، بر آنان منت گذاشته و انتظار تجلیل و دریافت پاداش دارند (فقیهی، ۱۳۹۵: ص ۱۲۵).

### ۳. بررسی شبکه بین رفتاری جامعه عصر نزول

از مجموع اهداف و انگیزه‌های رفتاری موجود در گزاره‌های اخباری و انشایی در این سوره، می‌توان نتیجه گرفت که احساس نیاز به برتری ایمانی، منشأ اصلی و اساسی رفتارهایی است که در سوره حجرات به آن‌ها اشاره شده است. فضای این سوره مبارکه، مقابله با بحران برتری طلبی برخی از مسلمانان است که رابطه مؤمنان با پیامبر صلوات الله علیه و دیگر مسلمانان را به مخاطره انداخته است (صبحی، ۱۳۸۷: ج ۴، ص ۱۷). در تحلیل روانشناختی،



اصولاً، احساس حقارت و کوچکی در برابر دیگران، در افراد یک احساس نیاز به احساس بهتر بودن را ایجاد می‌کند؛ چنین اشخاصی هدفشان را در تعاملات اجتماعی، کسب احساس بهتر بودن، قرار می‌دهند. از همین رو ما در مورد مخاطبین سوره حجرات، با جامعه‌ای روبرو هستیم که به دلیل غلبه ایمان بر شرک در فضای اجتماع، دارا بودن امتیاز ایمان، یک احساس بهتر بودن همراه با احساس برتری، به افراد دهد. لذا افرادی که دارای ایمان واقعی نیستند و خود را فاقد آن می‌بینند، علاقه زیادی به این احساس بهتر بودن ایمانی می‌کنند، تا جایی که گاهی بخاطر این احساس نیاز به بهتر بودن، از خداوند و رسول الهی، پیشی می‌گیرند (ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (در هیچ کاری) بر (حکم) خدا و پیامبر او پیشی نگیرید و از خداوند پروا کنید، که خداوند شنوا و دانا است).

#### ۴. بررسی نیازهای جامعه عصر نزول

هنگامی که مشکل و چالش اصلی و اساسی جامعه عصر نزول سوره حجرات مشخص شد، نیاز واقعی جامعه عصر نزول سوره حجرات نیز مشخص می‌شود و آن درمان و پیشگیری و مدیریت این نوع احساس نیاز به احساس بهتر بودن، از حیث ایمانی است. از همین جا می‌توانیم به هدف و غرض اصلی سوره نیز احاطه پیدا نماییم.

#### ۵. بررسی برنامه قرآن برای جامعه عصر نزول

قرآن، مجموعه عقاید و اخلاق و قوانین و مقرراتی اجرایی است که خداوند آن را برای هدایت بشر فرستاده است تا انسان در پرتو تعالیم آن، هوا و هوس خود را کنترل و آزادی خود را تأمین کند. زیرا دین الهی است که به حقیقت انسان و نیازهای او، توجه دارد و برنامه کامل و همه‌جانبه‌ای ارائه می‌کند که انتظارات او را از همه نظر، برآورده می‌سازد (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ص ۲۷).



قرآن، درباره روش‌های تأمین نیازهای مادی و معنوی انسان‌ها، توصیه‌ها و راهکارهای ویژه‌ای ارائه کرده است، تا جامعه اسلامی به آسیب مبتلا نشود (مرویان حسینی، ۱۳۸۳: ص ۱۵). در واقع اولین قدم بعد از هدف‌گذاری، برنامه‌ریزی است. با توجه به آنچه گفته شد، سیر هدایتی سوره حجرات، پس از نیاز شناسی، بیان محتوا و برنامه‌ای است که خدای متعال برای رفع مشکلات، دفع تبعات و پیشبرد حرکت تکاملی حق ارائه کرده است صبحی، ۱۳۸۷: ج ۴، ص ۱۱).

در این سوره با نمونه‌های مختلف راهبرد بالابردن سطح شناختی مخاطبین سوره نسبت به پیامدهای مادی و معنوی عدم خودبانی و خود نگهداری، در موضوع احساس نیاز به احساس بهتر بودن هستیم. البته از آنجا که این نیاز به احساس بهتر بودن از نیازهای درونی و فطری انسان‌هاست، یک راهبرد دقیق، برای این احساس نیاز، بیان می‌کند ای مردم ما شما را از یک مرد و یک زن آفریده‌ایم و شما را ملت‌ها و قبیله‌ها گردانده‌ایم تا یکدیگر را بشناسید، محترم‌ترین و خوب‌ترین شما در نزد خدا متقی‌ترین شماست، خدا دانا و خبیر است (حجرات/ ۱۳).





## نتیجه

- ۱- نگاهی عمیق به خطوط کلی سوره، نشانگر فرایندی آسیب شناسانه و منسجم به جهت کمال بخشی و سالم سازی ظرفیت‌های درونی انسان و مناسبات بیرونی در زندگی واقعی بشری است.
- ۲- آسیب‌شناسی سوره حجرات بیانگر این نکته مهم است که یکی از مهم‌ترین عوامل آسیب زا و موانع رشد و پیشرفت جوامع دینی و مذهبی، احساس برتری ایمانی و به عبارت دیگر خودشیفتگی دینی است.
- ۳- توجه به نیازهای روانشناختی افراد جامعه و کنترل و مدیریت این نیازها، گامی مهم در جهت رشد و پیشرفت آن جامعه خواهد بود، به این معنا که بجای آزاد گذاشتن و یا سرکوب نیازهای روانشناختی انسان‌ها، می‌بایست آن‌ها را مدیریت کرد و هنگام احساس انحراف و آسیب، آن را هدایت نمود.
- ۴- در هر عصر و زمانی بخاطر شرایط خاص حاکم بر آن، ما شاهد ظهور یک یا چند نیاز شایع و همه‌گیر در جوامع دینی هستیم. توجه به این اصل روانشناختی نیز گامی مهم در جهت پیشگیری و درمان و در نهایت رشد و پیشرفت آن جامعه، خواهد بود.
- ۵- احساس نیاز به بهتر بودن هرچند از نیازهای درونی و از لوازم حب به ذات، محسوب می‌شود ولی اگر همراه با خودکنترلی و خودبانی، نباشد، موجب عبور از خط قرمزها، در روابط فردی و میان فردی، در زندگی می‌شود و به دنبال آن، نیازمند به بازدارندگی می‌شود.



## منابع

- ۱) اعرابی، محمد، استراتژی تحقیق پایدار، فصلنامه روش شناسی علوم اسلامی. سال هفدهم، بهار، شماره ۶۶، ۱۳۹۰.
- ۲) آقایی، محمدرضا، «آسیب شناسی جامعه دینی و نقش حکومت در آسیب‌زایی از آن از منظر نهج البلاغه»، فصلنامه معرفت، قم، موسسه امام خمینی، ش ۵۱، ۱۳۸۰.
- ۳) انوری، حسن، جمیله اخیانی، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، سخن، ۱۳۸۱.
- ۴) برنجکار، رضا، روش شناسی علم کلام، چاپ اول، نشر سمت، ۱۳۹۳.
- ۵) بزرگی، محمدرضا. فصل‌نامه علوم سیاسی، روش‌های پژوهش در حوزه آینده‌اندیشی، شماره ۱۴، ۱۳۹۷.
- ۶) بهجت پور، عبدالکریم، تحلیلی بر ساختار و آسیب‌شناسی جامعه نبوی، ماهنامه حکومت اسلامی، شماره ۸۱، پاییز ۱۳۹۵.
- ۷) بهجت پور، عبدالکریم، ارزیابی دیدگاه صاحب نظران در تبیین اهداف قرآن. ماهنامه قرآن شناخت، سال هشتم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۴.
- ۸) جوادی آملی، عبدالله، انتظار بشر از دین، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۰.
- ۹) جوادی آملی؛ عبدالله، تسنیم، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۳.
- ۱۰) چهری، مجید، اهداف نزول قرآن. دانشگاه علوم و معارف قرآن، رساله کارشناسی ارشد، ۱۳۸۸.
- ۱۱) حیدری فر، مجید، جامعیت معرفتی قرآن به دیده نیازمندی‌های بشر. مجموعه مقالات روش شناسی قرآن و علوم انسانی، نشر المصطفی، ۱۳۹۶.
- ۱۲) خامه گر، محمد، اصول و قواعد کشف استدلالی غرض سوره‌های قرآن، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۶.



- ۱۳) دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، روزنه، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
- ۱۴) دوایی، مهدی، کندوکاوی بر ماهیت روش تدریس، تهران، نشر ارشاد و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹.
- ۱۵) رضایی، شاه چمن، مجموعه مقالات روش شناسی قرآن و علوم انسانی، رابطه اهداف قرآن با اهداف علوم انسانی. قم: نشر المصطفی، ۱۳۹۶.
- ۱۶) سبحانی، جعفر، نظام اخلاقی اسلام، تفسیر سوره حجرات، نشر دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰.
- ۱۷) سجادی، حسین، بررسی عجب از دیدگاه آیات و روایات، رساله کارشناسی ارشد، رشته فقه و معارف اسلامی، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۴.
- ۱۸) شاکرین، حمیدرضا، مبانی و پیش انکاره‌های فهم دین، تهران، نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰.
- ۱۹) شکر بیگی، نرگس، خوانش قرآنی از سرمایه اجتماعی با تأکید بر سوره حجرات، مجله دین و ارتباطات، شماره ۵۱، ۱۳۹۶.
- ۲۰) صادقی، اصغر، خطوط کلی روش تحقیق در منابع اسلامی، نشر آفاق، ۱۳۸۱.
- ۲۱) صبحی، علی، راهنمای مربی تدبیر در سوره‌های قرآن کریم، ۱۳۸۷.
- ۲۲) طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲.
- ۲۳) عبدالحمید واسطی، راهنمای تحقیق، نشر موسسه مطالعات کاربردی علوم و معارف اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۹۲.



- ۲۴) فقیهی، زهرا، اختلال شخصیت خودشیفته از منظر قرآن و حدیث، مجله پژوهش دینی، شماره ۳۳، زمستان ۲، ۱۳۹۵.
- ۲۵) فیروز جایی، علی تبار، رمضان، فهم دین. تهران، نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰.
- ۲۶) قرائتی، محسن، تفسیر سوره حجرات، نشر مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۰.
- ۲۷) کلباسی، زهرا، کاوشی در تاریخ‌گذاری سوره حجرات و نقش آن در نقد روایات ترتیب نزول، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، سال بیست و سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۷.
- ۲۸) گروهی از اساتید مرکز آموزش و مدیریت دولتی تهران، مقاله‌هایی درباره مبانی رفتار سازمانی و انگیزش، تهران، ۱۳۷۷.
- ۲۹) مرویان حسینی، محمود، نیازهای انسان از منظر آموزه‌های دینی و روان‌شناسی. چاپ اول، نشر استان قدس رضوی، ۱۳۸۳.
- ۳۰) مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ دهم، ۱۳۷۱.
- ۳۱) نصری، عبدالله، انتظار بشر از دین. تهران: نشر موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۵.

## The Pedagogy of the Revolutionary Society and Its Role in Modern Islamic Civilization

Ali Naqi Faqih<sup>\*</sup>

### Abstract

For realizing the divine prophets' goals and human guidance, being a revolutionary plays a very important role. One of the most important factors in establishing the Islamic Revolution in Iran and its continuation has been and is the revolutionary nature of its leadership and supporters. One of the goals of the high official of the *Wilayat* (guardianship) in the declaration of the second step of the revolution is to educate the revolutionary society that can provide the basis for the world revolution of the promised Imam Mahdi (May Allah Hasten His Appearance) and the new Islamic civilization. Therefore, the purpose of this research is to study the strategies of educating the revolutionary society in the guidelines of Imam Khomeini and the Supreme Leader, based on the Quran and Hadith and its role in building a new Islamic civilization, which has been done by the descriptive-analytical method. This research has achieved two important results: one is that in the guidelines of Imam Khomeini and the Supreme Leader based on verses and hadiths, thirteen pedagogical strategies for educating a revolutionary society are emphasized. And secondly, the seventeen roles of these pedagogical strategies in laying the groundwork for a new Islamic civilization have been explained.

**Keywords:** Pedagogy, Revolutionary Society, New Islamic Civilization, Imam Khomeini and The Supreme Leader's Guidelines.

---

\*. Associate Professor, Faculty of Pedagogical Sciences, Qom University, an-faqihi@qom.ac.ir



## The Quranic Documentations of the Supreme Leader's View on Foreign Policy

Mir Aziz Amini\* & Ali Aqa Safari\*

### Abstract

Preserving the dignity of Muslims is one of the most important goals and achievements of the Islamic Revolution. In addition to having active relationships with governments and nations, distrust of arrogance (*istikbar*) is one of the policies of the Islamic Republic. The Islamic Republic has based its foreign policy on the three principles of dignity, wisdom, and interest (*maslahat*). The Supreme Leader of the Islamic Revolution has theorized it both in terms of theory and practice and has expressed the characteristics of its foreign policy. Given that having a relationship with other societies is one of the concerns of all societies and the Islamic society today faces many challenges in its relationship with the world, it is necessary to analyze the Quranic documentation of the Supreme Leader's view on foreign policy. The authors have studied and documented the views of the Supreme Leader of the Revolution by referring to the works of the Supreme Leader and the verses of revelation and the views of the commentators, and by using descriptive and analytical methods. The findings indicate that Islam did not forbid having a relationship with non-hostile and not-fighting countries, but welcomed them. It was also obtained from the study of the verses of the word of revelation that demarcating the border with the enemy and not trusting it, as well as supporting the Muslim nations and the oppressed is the duty of the Islamic government. It is understood from the Quranic verses that not-reconciling with arrogance (*istikbar*) and fighting against that is one of the confirmed foreign policies of Islam, which the Supreme Leader has referred to in his various speeches and addresses over the years, and has also shown a practical model of Islamic foreign policy.

**Keywords:** Quran, Quranic Documents, Supreme Leader, Foreign Policy, The Declaration of Second Step.

---

\*. PhD Candidate in Jurisprudence and Law (Majoring in Criminal and Criminology), Al-Mustafa International University, Higher Education Complex of Jurisprudence, (Corresponding Author): mamini۲۷۹۲@gmail.com.

\*. Ph.D. in Quran and Science (Majoring in Management), Al-Mustafa International University, Quran and Hadith Higher Education Complex: a.a.safari۱۳۶۴@gmail.com

## **An Examining the Cultural Dimensions of the Declaration of the Second Step of the Revolution with the Rule of “Nafye Sabil” (Denial of the Dominance)**

Aqil Yousufi Zarimi\* & Maryam Tousi\*

### **Abstract**

The declaration of the second step of the revolution was prepared and communicated to explain the vision of the second forty years of the revolution. Undoubtedly, the contents of this declaration are based on religious principles, and if we want to examine this declaration from the perspective of the Quran and Sunnah, one of its cases is to study it with jurisprudential rules, and in its accordance with the ruling spirit of this declaration is “*nafye sabil*” (denial of the dominance), because citing political, social, cultural and ... issues and debates to this rule and other rules, given their revelatory origin, will be reassuring and will therefore be of great importance. This rule is directly derived from verses and hadiths, and various aspects of the declaration, including its cultural dimensions, can be examined with this rule. In this research, with a descriptive-analytical method and with library documents, we sought to examine any domination and superiority of aliens (foreigners) in the cultural dimension of the second step declaration, citing the “*nafye sabil*” (denial of the dominance). The findings of this study indicate the fact that: First, the Supreme Leader of the Revolution has adhered to this rule with great delicacy in various dimensions of the declaration, including the cultural dimension. Secondly, by using various principles, principles, and rules, including the jurisprudential rule of “*nafye sabil*” (denial of the dominance), we have sought to deny any domination of foreigners in the cultural aspects of Islamic society, such as science and cognition, media and lifestyle. So that if these sensitivities, precisions, and adherence to the foundations, principles, and rules of Islam and the revolution were not, the indispensable consequences of the future of the revolution and the Islamic and revolutionary society of Iran.

**Keywords:** Culture, Declaration of the Second Step of the Revolution, Jurisprudential Rules, Rule of “*Nafye Sabil*” (Denial of the Dominance).

---

\*. PhD Candidate in Quran and Orientalists, Al-Mustafa University, Quran and Hadith Higher Education Complex, ayosefi1988@yahoo.com.

\*. Level ۳ (Master) Student, Jamiah Al-Zahra, Specialization in Jurisprudence and Its Principles, ayosefi1988@yahoo.com.

## **An Analysis of Quranic Principles of the Continuation of the Islamic Revolution with the Declaration Approach of the Second Step**

Ali Karimpour Qaramaliki\*

### **Abstract**

The Islamic Revolution is a profound change in the ideological, spiritual and behavioral dimensions of the Muslim people of Iran. This transformation was based on the doctrinal, spiritual and behavioral assets that are mentioned in the Holy Quran in various verses. Assumptions that, in turn, each of them alone requires the continuation of the Islamic Revolution. Doctrinal, moral and practical teachings are among the Quranic principles that are the explicit contents of some of the many verses of the Quran. In this article, we endeavor to explain the above principles by using descriptive and analytical methods. Reflecting on the above verses, it becomes clear that the Quranic principles in the emergence of the revolution, such as the right to self-determination, the right to using the blessings of the Prophet (PBUH), the right to fulfill spiritual life, etc. are among the Quranic principles in the continuation of the revolution... As a result, the continuation of the revolution, like its emergence, is following the contents and purposes of the Quranic verses.

**Keywords:** Continuation of the Revolution, Quranic Principles of the Revolution, Islamic Revolution, Interpretation and Society.

---

\*. Assistant Professor of the Mustafa International University: karimpoorali@yahoo.com



# The Logic of Discovering the Managerial Implications of the Suras and Verses of the Holy Quran

Abdulmomin Hakimi<sup>\*\</sup>

## Abstract

All human beings think within the framework of their beliefs and values and view the world through the lens of this framework. When human understanding and existence are different and even conflicting based on different intellectual and philosophical paradigms, the sciences arising from them will also be different in purpose, framework, content, and so on. Therefore, the verses and suras of the Holy Quran can be presented with a special logic and within the framework of the beliefs and values that the Muslims have. Although revelatory teachings have been studied in different ways and logics to discover their meanings, implications and purposes in the field of humanities and each of them has displayed their achievements, but in this research with using a descriptive-analytical method with a different perspective, “the logic of discovering the managerial implication of the suras and verses of the Quran” has been introduced and studied as the logic and method of analyzing the managerial verses of the Quran. The research findings indicate that the managerial suras and verses of the Holy Quran can be examined and analyzed into three components; Theoretical framework (revelation as a tactical act and the fourfold nature of the functions and orientations of a surah or verse), explanatory logic (devotional-analytical and systemic-network) and managerial perception and interpretation (epistemological-knowledge and epistemological-functional) that the fruit of the mentioned process is to reach the meanings, purposes and implications of the verses.

**Keywords:** Quran, Logic of Discovery, Wisdom, Management, Network Approach.

---

\*. PhD Candidate in Quran and Sciences (Majoring In Social Sciences), Qom, Al-Mustafa International University, Higher Education Complex of Quran and Hadith;  
mna\1\1@yahoo.com



## A Pathology of the Prophetic Society from the Perspective of Surah Al-Hujurat

Asgar Koravand\*

### Abstract

Examining the weaknesses and pathology of the religious society is one of the most fundamental steps for the growth and development of societies. In the meantime, the prophetic society, as the last religious and social model of humanity, has been carefully considered by the pathological path of the Holy Quran, to pass through dangerous passages safely on the path of growth and development. Meanwhile, *Surah Al-Hujurat* plays an important role in the field of leadership and pathology of the prophetic community. The purpose of the present study is to pathologically examine the prophetic community from the perspective of *Surah Al-Hujurat* to take firm steps in the future, to know the past correctly, and to learn from its experiences, because if this strategy is neglected, lies will take the place of truth and the future will be threatened by the unknown things. In this research, first, the raw materials of analysis have been collected and described by library method, then it has been rationally analyzed by various argumentative methods. The studies of this research indicate the need for strategic attention to the pathology of religious communities. The achievement of the present study indicates that one of the most important harmful factors and obstacles to the growth and development of religious communities is the feeling of religious superiority and in other words religious narcissism as well as the need for self-control and selfishness in individual and interpersonal relationships in life.

**Keywords:** Quranic Based Psychology, Islamic Society Building, Narcissism, Islamic Psychology, *Surah Al-Hujurat*.

---

\*. PhD in Quran and Psychology (Al-Mustafa International University):

koravand.۲۶۰@gmail.com.



The Quran and Science Studies  
Bi-Quarterly specialized-scholarly journal.  
Proprietor: Al Mustafa International University  
Publication Place: Imam Khomeini Specialized University, Association Of Quranic and  
Sciees Researchers  
Volume. ۵, No. ۱۰, Autumn & Winter ۲۰۲۲  
Editorial secretary: Dr. Sayyid Isa Mustarhami  
Editor-in-chief: Ali Aqa Safari

---

Editorial board

- Sayyid Isa Mustarhami, Al Mustafa International University
  - Safar Murad Hussain Uf, PHD, (Quran & Management)
  - Amel Hassan Mazaheri Student of PHD, (Quran & Educational Sciences)
  - Abdul Hakim Adeli, Student of PHD, Quran & law
  - Abdul Mumen Hakimi, PHD, (Quran & Management)
  - Aqeel Abbas Zeeshan, Student Quran Student of PHD, (Social Sciences)
  - Ali Aqa Safari, PHD, (Quran & Management)
  - Mohammad Zadeh Amiri, Student of PHD, (Quran & Management)
  - Mohammad Ali Rezaei Isfahani, Al-Mustafa International University
  - Mohammad Morad Khanbaba, Student of PHD, (Quran Political Sciences)
  - Mohammad Hashem Shayan, PHD, (Quran & Management)
  - Mohammad Nazir Erfani Student Quran Student of PHD, (Social Sciences)
- 

Production Editor: Abdul Momen Hakimi  
Aqeel Abbas Zeeshan Internal Manager:  
English Translator: Barkat Ullah Sinovi  
Address: Qom, Jihad Square, Imam Khomeini Collegs for advanced Studies College  
Association Of Quranic and Sciees Researchers.  
<http://qh.journals.miu.ac.ir>  
P.O.Box: ۳۷۱۹۱-۶۴۳۹۱ Tel: ۰۲۵-۳۷۱۱۰۵۳۵  
Email: [mqo.journals@miu.ac.ir](mailto:mqo.journals@miu.ac.ir)  
Price: ۳۰۰۰۰۰ IRR